

سلسلہ بحثی رادیو مہارف

آداب و اسرار توسعہ فرهنگ نماز

استاد

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد ہشتی

## «جلسه اول»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به حول و قوه الهی برنامه هایی را درباره موضوع نماز، تاریخچه نماز، فلسفه و اسرار، آثار نماز و اجزاء نماز می پردازیم.

اولین درس درباره جایگاه عبادت و نماز است. دین مجموعه ای است بهم پیوسته و در هم تنیده که سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه را تضمین می کند. درست است همه عناصر دین مقدس هستند اما از نظر اهمیت، متفاوت هستند. در جغرافیای دین بعضی از عناصر قله این سرزمین هستند، بعضی دامنه و بعضی دشت های منتهی به این سرزمین. پیامبر عزیز اسلام خیلی از وقت ها دین را به پیکر انسان تشبیه می کرد، بعضی از اجزاء دین را به سر انسان، بعضی را به چشم انسان و بعضی را به دست انسان تشبیه می کرد. ما اگر بتوانیم با یک مکانیزمی جایگاه هر عنصر را در مجموعه دین شناسایی کنیم به صورت معقول و متوازن وقت خواهیم گذاشت، سرمایه گذاری خواهیم کرد. مثلاً بدانیم موضوع نماز، یا موضوع حجاب یا موضوع روزه اینها از مسائل درجه یک هستند یا درجه دو یا درجه سه. این به ما کمک می کند برای چه بخش هایی از دین بیشتر وقت بگذاریم. بیشتر فکر کنیم، بیشتر به دنبال روش بگردیم. موضوع نماز در مجموع در قرآن حدود هزار بار مطرح شده، ما نداریم موضوعی را در اسلام چه در آیات قرآن یا در احادیث انقدر تکرار شده باشد. نود و چند بار کلمه صلو و مشتقاتش و نهصد و چند بار کلمات مرتبط با نماز، مثل عبادت سجده، قنوت، رکوع، قبله، غسل، تیمم، مسجد و پیامبر عزیز اسلام فرمود وقتی من به پیامبری رسیدم اولین واجبی که از آسمان برای امت من فرود آمد موضوع نماز بود. موضوعات دیگری مثل

روزه یا خمس یا زکات در مدینه آمده بعد از 13 سال یا موضوع حجاب، حج، جهاد اینها شاید بعد از بیست سال بعد آمده باشد، اما نماز از روز اول بوده است.

پس موضوعی را که ما می‌خواهیم راجع به آن گفتگو بکنیم یک موضوعی است مثل اکسیژن در رگ‌های دین، در قرآن کریم هم مسئله نماز کنار توحید، نبوت و معاد آمده است. ما اصطلاحاً نماز را جزء فروع دین حساب می‌کنیم اما بر اساس فرهنگ قرآن نماز در کنار ایمان به خدا، ایمان به کتاب‌های آسمانی، ایمان به قیامت، ایمان به پیامبران آمده، یک مسئله بسیار مهمی است. تفسیراتی که پیامبران اسلام در باره دین بکار برده، نماز سر دین است، نماز ستون دین است، نماز پرچم دین است، نماز کلید بهشت است. قرآن کریم فلسفه خلقت جن و انس را عبادت می‌داند که یکی از مصادیق بلند عبادت، نماز است. در سوره زاریات آیه 56 می‌خوانیم وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، نیافریدم جن و انس را مگر برای عبادت.

یا در سوره مبارکه نحل آیه 36 می‌خوانیم که فلسفه بعثت همه انبیاء دعوت به عبادت بوده، وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا، ما برای هر جمعیتی فرستاده‌ای را اعزام کردیم با این دو ماموریت، أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ که مردم را به پرستش خدا دعوت کنیم و از طاغوت اجتناب بورزیم.

پس معلوم می‌شود جایگاه نماز در دین یک جایگاه درجه یک و مسئله استراتژیک است.

ریشه عبادت چیست؟ اولین ریشه عبادت احساس فقر و وابستگی به پروردگار است. انسان که قوی‌ترین و با استعدادترین موجود این عالم است به مبداء عالم و به پروردگار عالم محتاج است، نیازمند است و دین راهی را پیش پای او گذاشته که نیاز خودش را با کسی که او را دوست دارد و بر او منت نمی‌گذارد و

توانایی رفع نیاز را دارد در میان بگذارد. 2 بار در سوره مبارکه بقرین این آیه آمده استعینوا بالصبر علی

الصلاة ای انسان‌ها در بحران‌ها و گرفتاری‌ها کمک بگیرید از صبر و نماز، و این است ریشه عبادت.

ریشه دیگر عبادت تعظیم به خدا است ما به صورت فطری وقتی عظمت و زیبایی را می‌بینیم تعظیم می‌کنیم، تقدیس می‌کنیم، بزرگ می‌شماریم، امام رضا علیه السلام فرمود: نماز یعنی تکبیر، یعنی تعظیم، یعنی خدا بزرگ است، بزرگ‌تر از آنچه که وصف شود. ما وقتی بنای بزرگی را یا سیاره بزرگی را یا دستگاه بزرگی را می‌بینیم مبهوت می‌شویم، لب به ستایش باز می‌کنیم. عبادت ریشه دومش تعظیم به پروردگار است یعنی اینکه ما در برابر پروردگار کوچک هستیم.

ریشه سوم عبادت شکرگذاری در برابر نعمت‌های خدا است، ما که نبودیم خداوند از روی مهرش ما را آفرید و بی شمار نعمت در اختیار ما قرار داد. در قرآن می‌خوانیم که هر آنچه در آسمان‌ها و هر آنچه در زمین است برای تو آفریدم ای انسان. ما به شکرانه این همه نعمت که نمی‌توانیم بشماریم. خود قرآن می‌فرماید وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا. اگر بخواهید بشمارید هدایای خدا را نمی‌توانید. این عبادت یک نوع سپاسگذاری در برابر خدای مهربانی است که از روی مهرش این همه امکانات در اختیار ما قرار داده است.

آیات سوم و چهارم سوره قریش فلسفه عبادت را سپاسگذاری از خدا می‌داند. فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ باید مسلمان‌ها عبادت کنند. صاحب این خانه را الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ همان خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد وَ آمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ و در ترس و پریشانی امنیت را آورد.

علامه طباطبایی می فرماید آیه 21 از سوره بقره هم همین شعار است که نماز تشکر از خدا است. در سوره مبارکه بقره می خوانیم یا ایها الناس، خطاب به مسلمان نیست، خطاب به الذین آمنوها نیست، خطاب به همه مردمان است. یا ایها الناس اعبدو ربکم عبادت کنید پروردگارتان را، چرا؟ می فرماید: الَّذِي خَلَقَكُمْ چون شما را آفریده، به کسی یک گل دست شما می دهد لبخند می زنید، یک انگشت کتابی، سکه طلایی به شما می دهد عکس العمل نشان می دهید آن خدای هستی بخشی که شما را و پدر و مادر شما را آفرید نمی خواهید در برابرش هیچ احساسی داشته باشید. اعبدو ربکم عبادت کنید پروردگارتان را، چرا؟ الَّذِي خَلَقَكُمْ چون شما را آفریده، پدر و مادرتان را آفریده. آن خدایی که از آسمان ها برای شما باران می فرستد، به وسیله باران گیاهان را می رویاند، رزق برای شما می فرستد، به تلافی مهر خدا با سپاسگویی خودتان عکس العمل نشان دهید. این هم یکی از ریشه های عبادت است.

ریشه دیگر عبادت به طور فطری انسان ها نیاز به مونس دارند. نیاز دارند راز دلشان را با کسی در میان بگذارند. خیلی وقت ها خصوصی ترین افراد را هم شایسته نمی دانند. حتی مادرش را، برادرش را، دوستش را، میگو نه شاید من و مسخره کنند. یک رازی در دلم هست، می خواهم با کسی که آغاز من را می داند، پایان من را می داند، توانایی ها، آسیب ها، گرفتاری های مرا می شناسد با او در میان بگذارم. او مرا آرام کند یکی از ریشه های عبادت رازگویی با پروردگار است.

پس نماز در دین اسلام یک موضوع فوق العاده مهم است. پیامبر عزیز اسلام، اسلام را با نماز آغاز کرد. روز دوشنبه صبح بود که در غار حراء پنج آیه اول سوره علق را دریافت کرد. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَقْرَأْ

بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

از کوه سرازیر شد در دامنه کوه جبرئیل مجدداً نازل شد و همان روز اول دستور وضو گرفتن و نماز خواندن را آورد. این جایگاه نماز است و تا روز آخر، آخرین ساعات و دقائق عمر پیامبر، امیرالمؤمنین فرمود پیغمبر که جان می داد سرش بر سینه من بود و دلواپس نماز مسلمانان بود و این جمله را فرمود و از دنیا رفت. واللّٰه لا تنال شفاعة من التفتح بالصلوة به خدا قسم شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد.

پس در این درس ما درباره جایگاه و اهمیت نماز در جغرافیای دین صحبت کرده ایم تا خودمان هم نیرو بگیریم با اعتقاد بیشتر نسبت به این موضوع ، موضوع را پی بگیریم.

## «جلسه دوم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به چه چیزی عبادت گفته می شود؟ هر کاری که به رنگ خدا باشد، برای خدا باشد، در راه خدا باشد عبادت است. حتی خوابیدن، کارکردن، فکر کردن، درس خواندن، این نوع نگاه ما را در یک شاهراهی قرار می دهد که تمام حرکات ما در مسیر الهی است، امام صادق (ع) فرمود: لیست العبادة کفرته صلوه والسیام، عبادت فقط زیاد نماز خواندن، زیاد روزه گرفتن نیست. این نوع نگاه اشتباه است. اثم العبادة اتفکر فی عندالله، فکر کردن در مخلوقات خدا، فکر کردن در مدیریت و ربوبیت خدا این عبادت است. رسول خدا (ص) فرمود: عبادت هفتاد قسم دارد بهترین آن کسب درآمد حلال است. کارکردن از نظر اسلام عبادت است. درس خواندن از نظر اسلام بهترین عبادت است. پیامبر اکرم فرمود: ؟؟؟؟ من خرج یخلق عبادة من العلم لیرد کعباده اربعین ....؟؟؟ کسی که از خونه اش بیرون می آید تا دانشی بیاموزد تا از باطل نجات پیدا کند به سمت حق متمایل شود، از گمراهی به سمت هدایت کشیده شود این پاداشِ چهل سال عبادت را دارد. چقدر حدیث داریم که امامان ما مرحبا می گفتند به دانش آموزان ما، به دانش جویان ما، کار آنها را عبادت می دانستند. خدمت به مردم، انفاق به مردم، ایثار به مردم، دستگیری از کار مردم، گره گشایی از مشکلات مردم، همه اینها عبادت است.

عبادت چیست؟ هرکاری که برای خدا باشد، به رنگ خدا باشد، ما قصدی جز خدا در آن کار نداشته باشیم عبادت است. اصلاً خدا ما را برای همین آفرید که رنگ زندگی ما رنگ الهی باشد. که اگر زندگی ما به این رنگ باشد با مردن ما، ما تمام نمی شویم.

قرآن می گوید : کل شیء حالک الی وجهه ، هر چیز نابود می شود الی وجه خدا، الی راه خدا، پس کسی که برای خدا، به سوی خدا، به قصد خدا کاری را انجام می دهد آن کارش ماندگار است.

پیامبر فرمود: افضل العبادۀ انتظار الفرّج ، انتظار کشیدن شخصیتی که به جامعۀ بشری عرضه خواهد شد و جامعۀ را از عدل و داد پر خواهد کرد و با ظلم و ستم مبارزه خواهد کرد این عبادت است .

موضوع دیگری که می خواهیم مطرح کنیم چگونگی عبادت است.

شهید مطهری در کتابی که از فرمایشات ایشان گردآوری شده به نام طهارت روح و انتشارات ستاد اقامۀ نماز هم منتشر کرده، یک بخشی دارد تحت عنوان شکل عبادت، چگونه عبادت کنیم؟ می فرماید در امت های قبل، در دوران جاهلیت، چه بسا مردم از سلیقۀ خودشان عبادت می کردند، به بت پرستی کشیده شده اند، ما باید بدانیم قرآن کریم و خداوند چه نوع عبادتی را از ما می خواهد. اولین ویژگی عبادتی که از ما خواسته شده عبادت آگاهانه است، بدانیم چکار می کنیم، مثلاً نماز می خوانیم از آغاز اذان تا پایان نماز حدود 35 جمله است.

الله اکبر ، اشهدا الله الا الله اینها هر کدام یک جمله است.

نماز گذار با آگاهی باید اینها را به زبان جاری کند.

سبحان الله چیست؟ الله اکبر چیست؟ حی علی الفلاح چیست؟

قرآن می گوید من نماز با آگاهی می خواهم .

لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ. در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می

گویید با آگاهی این عبادت را انجام دهید. روزه با آگاهی باشد. حج با آگاهی باشد. زکات با آگاهی باشد.

آگاهی یکی از ویژگی های کیفیت عبادت است.



در حدیث می خوانیم رکعتان من عالم خیراً من سبعین رکعه من جاهل ، دو رکعت نمازی که شخص آگاه می خواند از هفتاد رکعت نمازی که شخص نادان می خواند بهتر است.

عبادت آگاهانه اسلام از ما می خواهد. از امام هفتم روایت شده است که «المتعبد علی غیر فقه کحمار طاحونه یدور ولایبرح» کسی که عبادت می کند ولی بدون آگاهی است مثل الاغی یا شتری است که دور می گردد ، چشمش را می بندند چه بسا چند فرسخ هم راه رود از صبح تا شب حرکت می کند ولی هیچ پیشرفتی ندارد. یدور و لا یبرح ، دور می زند اما پیشرفت ندارد. اگر آگاهی در عبادت نباشد انسان رشد ندارد، پیشرفت ندارد.

دومین ویژگی نماز یا عبادتی که از ما خواسته شده عبادت عاشقانه، عبادت با نشاط است. دو بار در قرآن از نماز منافقین بدگویی شده. هر دو بار به خاطر بی نشاطی آنها است. نماز می خوانند اما با بی رغبتی، بی نشاط، با سنگینی، به زور. میگویند نماز خواندم راحت شدم. پیامبر وقت نماز را انتظار می کشید. این عشق به نماز، یا عشق به روزه است.

بعضی ها در آستانه ماه رمضان حالت ناراحتی دارند. می گویند این تابستان ماه رمضان چگونه روزه خواهیم گرفت؟

پیامبر به استقبال ماه رمضان می رفت. تشنگی و گرسنگی ماه رمضان را موجب رشد نفس خود می دانست. همچنین عبادت حج، عبادت خمس، اگر کسی خمس و زکات دهد اما با بی رغبتی، با بی نشاطی، بدون شوق و عشق، اون معلوم نیست چقدر پاداش داشته باشد. عبادت ها تمامش باید عاشقانه و عارفانه باشد.

ویژگی سومی که برای عبادت از ما خواسته اند عبادت خالصانه با اخلاص است. فقط برای خدا باشد. برای خوش آیند این و آن نه. برای نمره و امتیاز نه. برای اینکه آن آقا دخترش را به من بدهد مرا در مسجد

ببیند نه. از روی ترس از فرمانده، از مدیر نه. می گوید خدایا تو شاهی من به خاطر تو نماز می خوانم. فقط به خاطر تو، قربه الی الله، فقط و فقط برای جلب رضایت تو. دیگران من را ببینند و من را نبینند من نماز را می خوانم، من بنده تو هستم. تو خالق من هستی. نماز خالصانه.

قرآن در سوره مبارکه کهف آیه 110 می فرماید: ولا یشرک بعباده ربه احدا، نباید شریک قرار داد برای عبادت خدا احدی را. نماز می خوانم هم برای خدا هم برای مدیر، هم برای خدا هم برای فرمانده، هم برای خدا هم برای اینکه در این محیط بخاری است گرم است یا کولر است خنک است، این نمازها باطل است. در رساله های عملیه نوشته شده اگر کسی واجبات نماز را یا مستحبات نماز را برای غیر خدا انجام دهد باطل است. مثلاً انگشت عقیق دست کرده در هنگام نماز تا کسی ببیند. یا نماز را اول وقت می خواند برای اینکه کسی ببیند. یا آهنگ صدایش را عوض می کند مثلاً تنهایی در خانه ایستاده نماز می خواند رسمش این است که تند تند می خواند، و در آن هنگام مهمان می آید و لحن صدایش را عوض می خواند و آهسته نماز می خواند. این نماز باطل است. چرا؟

چون تمام شیرینی این نماز این است که برای خدا باشد فقط برای خدا. رحمت خدا به روح بلند حضرت امام خمینی، می فرماید: ماموران شاه مرا نیمه شبی از قم به سمت تهران آوردند، بین راه قم و تهران من گفتم نماز نخواندم، چون قبل از نماز صبح حضرت امام را دستگیر کرده بودند، گفتند نگهدارید نماز بخوانم، گفتند نه اجازه نداریم. گفتم خوب ترمز کنید با خاک کنار جاده تیمم کنم. خود حضرت امام تعریف کردند اون روز نمازی خواندم پشت به قبله، با تیمم، لب آفتاب. بعد می فرماید: در عمرم امیدم به همان نماز است. چون اونی که باید بداند می داند. اونی که باید آن نماز را ببیند دیده. نماز با اخلاص، و نماز خاشعانه، نماز باید با فروتنی همراه باشد.

قرآن می فرماید : بسم الله الرحمن الرحيم، قد افلح المومنون الذين هم في صلاتهم خاشعون قطعاً رستگار هستند مومنانی که در نمازشان خاشع هستند، افتاده حالند، فروتن هستند، گردن کش نیستند در حضور خدا، خودشان را به حساب نمی آورند. با تمام وجود اعلام می کنند پروردگارا من کسی نیستم. من چیزی نیستم. هرچه دارم از توست. هرچه می کنم به قوت و حول توست.

## «جلسه سوم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مراحل را برای عبادت شمرده اند، مرحله اول تکلیف، مرحله دوم صحت، مرحله سوم قبولی، مرحله چهارم کمال. این نمازی که می خوانیم، روزه ای که می گیریم، حجی که می رویم، خمس و زکاتی که می پردازیم، تکالیفی که خداوند برای سعادت ما قرار داده 4 مرحله دارد، در هر مرحله شرایطی وجود دارد، مرحله اول تکلیف است. یعنی کودک مسلمان باید به تکلیف برسد تا عبادت بر او واجب شود. تکلیف شرایطی دارد. شرط اول آن بلوغ است. در رساله های عملیه خوانده اید وقتی دختران 9 سال قمریشان تمام می شود و پسران وقتی 15 سال قمریشان تمام می شود یا وقتی نشانه های دیگری در آنها پیدا می شود که در رساله های عملی است. الان روانشناسانی مثل آقای دکتر قائمی یا آقای دکتر گلزار یا آقای دکتر شرفی اعلام می کنند که پسران تهرانی بین 11 تا 13 سالگی بالغ می شوند. در این شرایط محیطی که ما الان هستیم غالباً بیش از 90 درصد پسران تا قبل از 14 سالگی بالغ می شوند. پس بلوغ اولین شرط تکلیف است. بچه ای که بالغ نشده مثلاً دختر 6، 7، 8 ساله تکلیف ندارد. پسر 10 ساله 9 ساله تکلیف ندارد. همین جا یک موضوعی را طرح می کنیم. سوال می کنند بچه ها قبل از اینکه به بلوغ می رسند اگر عبادتی انجام بدهند و خدمتی انجام بدهند ثواب دارد؟ جواب می دهیم بله، خداوند برای کارنامه ما یک مقدمه ای ایجاد می کند قبل از صفحه 1، صفحاتی است که ما قبل از به بلوغ رسیدن خدمتی یا عبادتی می کنیم. مثلاً بچه ای روزه می گیرد، نماز می خواند، صدقه می دهد. حتماً ثواب دارد. هم در پرونده خود او قبل از صفحه 1، و هم در پرونده پدر و مادر و هم پرونده معلم او ثبت می شود. سوال دیگر اینکه بچه ها قبل از اینکه به سن تکلیف برسند اگر خسارتی را وارد کردند ضمانت دارد؟ مثلاً یک بچه 8 ساله توپی را شوت کرده شیشه کسی را شکانده. او

ضامن است؟ بله ضامن است. اگر پدرش یا سرپرستش خسارت را داد که داده وگرنه به محض اینکه خودش به تکلیف رسید ضامن است و تا آخر عمر از گردنش برداشته نمی شود.

بچه هایی که به تکلیف نرسیده اند اگر جرمی مرتکب شوند که از نظر شرعی حد دارد، شلاق دارد، مثلاً یک دشنامی بدهند، فحشی بدهند که ضربات شلاق برایش تهیه شده باید مجازات شود؟ بله اون بچه نه به اندازه بزرگترها، به اندازه ای که قاضی تشخیص دهد یک تنبیه مختصری می شود. پس اولین شرط تکلیف بلوغ است. شرط دوم عقل است. بچه هایی که صبیح هستند عاقل نیستند، ضریب هوشی پایین دارند. که تعریفش روشن است اونها تکلیفی ندارند. یا تکلیف خیلی کم به اندازه توانشان دارند. شرایط تکلیف را می گوئیم: تکلیف اولین مرحله است برای عبادت.

سومین شرط قدرت است. انسان باید قدرت داشته باشد نماز بخواند، یا روزه بگیرد یا مکه برود. اگر ناتوان هست، ناتوانی جسمی یا ناتوانی روحی. که اینها در سازمان بهزیستی تعریف شده است. نمی تواند روزه بگیرد واجب نیست، نمی تواند بایستد نماز بخواند بنشیند، نمی تواند بنشیند بخوابد.

پس تکلیف اولین شرطش بلوغ است، شرط دوم عقل است، شرط سوم قدرت است.

اینها شرط های تکلیف است، بعد از تکلیف می رسیم به مرحله دوم، دختر مسلمان یا پسر مسلمان به تکلیف رسیده، یعنی عاقل هست، بالغ است و توانا و قادر، از این لحظه به بعد همه تکالیفی که بزرگترها باید انجام دهند این دختر و پسر باید انجام دهند. امر به معروف کنند، نهی از منکر کنند، روزه بگیرد، نماز بخواند با این توضیحاتی که بیان کردیم.

مرحله دوم صحت است، یعنی این عبادت چکار کنیم که صحیح باشد در فقه شیعه شرط کردند، شرط صحت عبادت این است که مسلمان ها از یک مرجع تقلیدی که جامع شرایط است تقلید کند، به این شرط

صحیح است. مثل اینکه کسی مریض می شود برای دستورات طبی باید به پزشک حاذقی مراجعه کند. اگر مشکلیش و مریضیش خیلی مختصر باشد به همین دکتر عمومی سر کوچه مراجعه می کند. اما اگر قلبش یا کبدش بیمار باشد باید به سراغ متخصص برود. اگر در آن شهر چند متخصص است عقل می گوید باید به سراغ کسی برود که تخصصش بالاتر است و خبرگی بیشتری دارد. پس ما در پله دوم که صحت عبادت است مسئله تقلید را داریم.

بچه های ما از همان 9 سالگی یا قبل از آن باید توجیه شوند که ما در اعتقادات به عقلمان مراجعه می کنیم، در اخلاقیات به قلبمان مراجعه می کنیم، اما در احکام و دستورات دینی پیروی می کنیم از مرجع تقلید. تقلید هم یعنی پیروی کردن. آیا منطقی است این کار؟ بله، ما در همه کارهای زندگی که تخصص نداریم، مردم به اطباء مراجعه می کنند، اطباء برای خانه سازی به مهندسان مراجعه می کنند، مهندسان برای دوخت و دوز به خیاط ها مراجعه می کنند. همین طور همه اقشار جامعه در رشته ای که تخصص ندارند به متخصص آن رشته مراجعه می کنند. هم پشتوانه عقلانی دارد، هم پشتوانه عرفی دارد. هم دین توصیه می کند.

قرآن می فرماید فسعلوا اهل الذکر ان کتم لا تعلمون. اگر نمی دانید از آنها که می دانند پرسید. خوب از کی پرسیم؟ از آنی که بهتر از همه می داند. چه کسی بهتر از همه دین را می داند؟ عالمی که عمری گذرانده، فقیه شده، یعنی عمیقاً مسائل دین را می تواند استخراج کند، استنباط کند، اگر چند نفر بودند چکار کنیم؟ اگر هم تراز هستند می توانیم به یکی از آنها مراجعه کنیم. اما اگر یکی از آنها سرآمد هست و اعلم است به او مراجعه می کنیم. تقلید می کنیم. از چه زمانی تقلید کردن در شیعه مرسوم شده؟ از زمان امام صادق (ع)، چون شیعیانی بودند در شهرهای دوردست، دسترسی به امام معصوم نداشتند، می پرسیدند ما مسائلمان را، احکام شرعی را، واجبات را، محرمات را از چه کسی پرسیم؟ امام معصوم نمایندگان را،

عالمانی که پیش خود امام درس خواندن، امام به آنها اعتماد داشت، آنها را معرفی می کرد. یعنی آن عالم معصوم بوده؟ نه، احتمال خطا هم بوده، احتمال اشتباه هم در کارش بوده، و اما امام به مردم فرموده که شما وظیفتان تقلید کردن است.

کسی می گوید من فوق لیسانس هستم درست نیست تقلید کنم، خوب فوق لیسانس چه رشته ای هستید شما؟ فوق لیسانس سنگ شناسی، کشاورزی، ولی خوب وقتی مریض می شود به دکتر مراجعه می کند. شما در زمینه طب اطلاعاتی ندارید، کسانی هم ممکن است بگویند من نمی خواهم تقلید کنم راه باز است خودم متخصص در دین بشوم؟ جواب می دهیم بله، مثل همه رشته ها، هر کس دوست ندارد تقلید کند باید برود یک فرآیندی را طی کند، علوم دینی را بخواند، از یک قدرتی هم برخوردار شود که بتواند احکام دین را استخراج کند، بقیه مردم وظیفه شان تقلید است، چه کسی گفته تقلید کنیم؟ قرآن، امام معصوم، از چه زمانی تقلید درست شده؟ از زمان غیبت امام زمان؟ نه قبل از آن، شاید صد سال قبل از غیبت امام زمان (ع) این رویه بوده، مراجعه به کارشناس دینی، حتی در زمان امام معصوم، اگر می خواهیم عبادتمان صحیح باشد، باید تقلید کنیم، بعضی هم از روی بی اطلاعی این را می گویند: من تابع قرآن هستم، کاری به مرجع تقلید ندارم. یا اگر مسئله ای را می شنود می گوید اگر این مسئله در قرآن باشد من تبعیت می کند. جواب ما این است که دین مجموعه ای است از قرآن و سنت پیامبر و ائمه، اگر ما بخواهیم فقط به قرآن تکیه کنیم حتی همین نماز را هم نمی توانیم بخوانیم. چطور قرآن گفته نماز بخوانیم چطور نماز بخوانیم که در قرآن نیامده است. اصلاً چه چیزهایی را نماز را باطل می کند در قرآن نیست، اوقات نماز از چه وقت تا چه وقت است؟ چند تا نماز باید بخوانیم؟ 3 تا یا 5 تا یا 7 تا، در قرآن نیست. جزئیات روزه در قرآن نیست. جزئیات خمس و زکات و حج و جهاد در قرآن نیست. قرآن مثل قانون اساسی است. حتماً نیازمند به سنت

هستیم در کنار قرآن و سنت را از پیامبر و امامان معصوم می گیریم که جزئیات مقررات و دستورات دینی است. امامان معصوم اون علوم را به شاگردانشان یاد دادند تا الان که هزار و چند صد سال از آغاز اسلام گذشته همین طور سینه به سینه گشته تا به روزگار ما رسیده است. از فقهای که عادل هستند، و عالم هستند، پیروی می کنیم. در چه مسائلی؟ در اعتقادات نه، در اعتقادات با عقلمان دلیل می آوریم، در اخلاقیات هم فطرت خدا در نهاد ما قرار داده. اما در احکام و دستورات دینی از فقیه جامع شرایط تقلید می کنیم تا عبادت ما صحیح باشد. سرخود نمی توانیم شکل عبادت را تغییر دهیم.

### «جلسه چهارم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط قبولی عبادات: گفتیم برای عبادات 4 مرحله شمرده اند، مرحله اول تکلیف، شرایط دارد. مرحله دوم صحت، شرایط دارد. در جلسه قبل شرایط این دو مرحله را گفتیم. در این قسمت دو مرحله دیگر را شرایطش را خواهیم گفت. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم و نماز و عبادت دیگرمان صحیح بود، حالا می رسیم به مرحله ای که چکار کنیم این عبادت قبول شود. اوج شاهکار اسلام در این مرحله است. اسلام عزیز همه مسایل زندگی را به عبادت گره زده است. می گوید اگر می خواهد عبادت قبول باشد باید همسر داریت خوب باشد. اگر می خواهید عبادت درست باشد بچه داریت درست باشد. اگر می خواهید عبادت قبول باشد باید کسب و کاسبیت حلال باشد. اگر می خواهید عبادت درست باشد باید روابط اجتماعی و تعاملت با دیگر انسان ها در چارچوب دین باشد. انقدر این مسایل دینی انسان ساز است که متأسفانه کم توجه می کنیم به این مرحله عبادت. روز قیامت از کسانی می پرسند نماز خوانده اید؟ می گوید بله، صحیح بوده نمازش اما رتبه ای نمی گیرد، اما قبول نشده. چکار کنیم عبادت ما قبول شود. حالا که



زحمت می کشیم، روزه می گیریم، خمس می دهیم، حج می رویم، نماز می خوانیم، چکار کنیم که نمازمان قبول شود؟ برای قبولی نماز و قبولی عبادات دیگر صدها حدیث آمده است. شرایط اعتقادی دارد، شرایط سیاسی دارد، شرایط اخلاقی دارد، شرایط اقتصادی دارد، شرایط بهداشتی دارد، شرایط اجتماعی دارد. به بعضی از آنها اشاره ای می کنیم.

حضرت امام خمینی فرمود: نماز کارخانه انسان سازی است. بخشی از آن در همین شرایط قبولی است.

امیرالمومنین (ع) فرمود: کونوا لقبول العمل أشد اهتماماً من العمل.

نسبت به قبولی بیشتر حساس شوید به خود کار. قبولی نماز از خود نماز برایتان مهم تر باشد. قبولی روزه از خود روزه برایتان مهم تر باشد. قبولی حج از خود حج برایتان مهم تر باشد. خوب چکار کنیم که قبول شود؟ اول شرایط اعتقادی را باید در نظر بگیریم. باید به خدا ایمان داشته باشید. ایمان از شرایط قبولی است. و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله هر که ایمان نداشته باشد عملش حبط است، ضایع است قبول نمی شود. حالا کسی دولا راست شود و یک نمازی هم بخواند، و به عربی صحیح بخواند. اما عقیده ندارد به خدا، عقیده ندارد به اسلام، عقیده ندارد به انبیاء این قبول نیست.

شرط دوم تقوا است. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ، خداوند قبول می کند از باتقواها، پس معلوم می شود گناه مانع قبولی است. مقابل تقوا آلودگی است، گناه است. این قصه را بسیاری از شما عزیزان شنیده باشید که زمان امام صادق (ع) اسم کسی سر زبان ها افتاده بود به عنوان یک فرد خیر و خدمت کار به افراد بیچاره. امام صادق فرمود: من می خواهم این را ببینم، نشان دادند. امام ایشان را تعقیب کرد. دیدند اون شخص رفت در مغازه ای دو تا انار دزدید، دو تا نان دزدید. و آمد محله فقرا در خانه ای را زد و آن 2 انار و 2 نان را داد به یک خانواده بیچاره. امام فرمود: تو چرا این کار را کردی؟ گفت کار من یک کار قرآنی است.

حضرت فرمود: کجای قرآن این رویه را به شما آموزش می‌دهد، گفت قرآن می‌گوید: که اگر گناه کنی یک برابر کیفر دارد، اگر ثواب بکنی ده برابر پاداش دارد. من 2 تا انار دزدیم این 2 تا گناه. 2 تا نان دزدیم این 2 تا گناه می‌شود 4 تا گناه. بعد اون 4 تا انار و نون را دادم به اون بیچاره 4×10 می‌شود 40، 4 تا گناه کردم 40 تا ثواب کردم پس از هم کم کنیم 36 ثواب برای من می‌ماند. امام عصبانی شدند و به او فرمودند: مادرت به عذایت بنشیند، مگر نخوانده ای این آیه قرآن را *إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ*، مگه با مال دزدی می‌شود مگه رفت، مگه با مال دزدی به هیئت کمک کنی، به فقیر کمی بکنی این ثواب دارد. اختلاس کرده، دزدی کرده و بعد می‌گوید من 50 درصدش را می‌دهم در راه خیر. این انفاق قبول نیست. مال حلال قبول است. آیات انفاق که در سوره بقره آمده *أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ* از مال حلال طیب انفاق بکنید.

پس شرط اول شرط اعتقادی است. شرط دوم شرط اخلاقی. یعنی فرد گنهکار اگر عبادتی انجام دهد عبادتش مورد اشکال است، قبولی عبادات شرط سیاسی دارد. در حدیث می‌خوانیم اگر کسی در همه عمر عبادت کند اما به رهبر سیاسی که خدا او را می‌پسندد اعتقاد نداشته باشد قبول نداشته باشد. عبادتش قبول نیست. امام باقر (ع) فرمود: *مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ غَيْرَ مَقْبُولٍ*، دین فقط بعد فردی ندارد، بعد اجتماعی سیاسی دارد. اعتقاد و همبستگی با رهبر عادل، در زمان پیامبر، پیامبر در زمان امام معصوم، جانشین پیامبر، در زمان غیبت امام عصر (ع)، ولی فقیه، مراجع بزرگوار تقلید، اینها سلسله ای هستند که ما را به خدا می‌رساند در قبولی عبادت ما تأثیر می‌گذارد بی‌اعتنایی ما نسبت به این امر سیاسی.

در حدیث می‌خوانیم فمن ام یتولنا لم یرفع الله له عملا ، هر که ولایت ما را نداشته باشد اعمال او بالا نمی‌رود به سمت آسمان نمی‌رود. امام باقر علیه السلام فرمود: وَ مَا تَنَالُ وَلَا تَنَالُ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَرَعِ به ولایت ما هم کسی نمی‌رسد مگر با پرهیز و دوری از گناه. مگر با اقدام.

شرط چهارمی برای قبولی عبادات شمرده اند امامان ما ، و آن شرط اقتصادی است. امام رضا (ع) فرمود: هر که زکات ندهد و نماز بخواند نمازش قبول نیست. من صلا و لم یزکل لم تقبل صلاته، هر که نماز بگذارد اما زکات ندهد، یعنی توجّه به بیچارگان، بینوایان، با عبادت گره خورده ، 28 جا در قران صلاه و زکات کنار هم آمده، عبادات شرط اجتماعی دارد. رسول خدا (ص) فرمود: مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً ، هر کس غیبت مرد مسلمان یا غیبت زن مسلمانی را بکند، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ ، خداوند نه نماز او را و نه روزه او را قبول نمی‌کند. تا چهل شبانه روز أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ ، مگر اینکه برای کسی که غیبتش را کرده طلب مغفرت بکند هم از خدا عذرخواهی بکند برای گناهی که کرده، هم از کسی که غیبتش را کرده طلب مغفرت بکند. پیامبر فرمود: یا اباذر! اياك و هجران اخيك نکنه با دوستت قهر کنی، قطع رابطه کنی. فان العمل لا يتقبل مع الهجران ، وقتی دو مسلمان با هم قطع رابطه می‌کنند عبادتشان قبول نیست. شما توجه کنید چقدر این مشکل در محیط ما وجود دارد، خواهر با خواهر، خواهر و برادر، فامیل با هم ، همسایه با هم، سر مسئله‌ای و بهانه‌ای با هم قطع رابطه می‌کنند. خوب عبادات آنها زیر سؤال می‌رود. امام صادق (ع) می‌فرماید : لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ مُضْمِرٌ عَلَى أَخِيهِ سُوءٌ ، خداوند عبادت مؤمنی که در دلش سوء نیت دارد برای مسلمانی را قبول نمی‌کند. باید موفقیت دیگران را بخواهیم، عزّت دیگران را بخواهیم، سلامت دیگران را بخواهیم، ببینید این عبادت اسلام است. جدای از بقیه زندگی نیست،

گره خورده به همه مسائل زندگی. قبولی عبادت، شرط خانوادگی دارد. پیامبر فرمود: مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوْزِعَ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَتًا مِنْ عَمَلِهَا، اگر مردی همسری دارد که او را اذیت می کند، نه نماز او و نه هیچ عمل خوب او قبول نمی شود. بعد فرمود: وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلَ زَالِكِ مرد هم همین طور است اگر همسرش ازش راضی نباشد نه عبادتش و نه نمازش و نه کار خویش قبول نمی شود. این است شاهکار اسلام. گره زده مسائل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را به عبادات.

در حدیثی می خوانیم که امام صادق(ع) فرمود: مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظَرَ مَاقَتٍ اگر کسی به صورت پدر و مادر نگاه خشم آلود کند، وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ، لَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ صَلَاةً. گرچه والدین بد کردند عبادات او قبول نمی شود. یک حدیثی داریم که اگر زنی تمام عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رود مال زیادی را در راه خدا انفاق کند اما شوهرش راضی نباشد عبادتش قبول نیست. همچنین اگر مردی همه عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رفته باشد و سالهای زیادی را در جهاد حضور پیدا کرده باشد همسرش راضی نباشد عبادتش قبول نیست. ما باید برای قبولی نماز یک بابی را باز کنیم، فکر کنیم برنامه ریزی کنیم، دغدغه داشته باشیم، قبولی نماز خیلی مهم است. به هم کمک کنیم، با هم مشورت کنیم این ایستگاه خیلی ایستگاه مهمی است.

## «جلسه پنجم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عبادت 4 مرحله دارد هر مرحله‌ای هم شرایطی دارد، مرحله تکلیف، مرحله صحت، مرحله قبولی و مرحله کمال. 3 مرحله را در برنامه‌های قبل گفتیم. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم، یعنی بالغ شدیم، عاقل شدیم و توانایی داشتیم به مرحله دوم می‌رسیم که آن صحت است، یعنی عبادت را صحیح باید انجام دهیم و عبادت صحیح را باید از یک مرجع تقلیدی که جامع شرایط است بپرسیم. و بعد از این مرحله کارهایی را باید انجام دهیم که قبول باشد، مرحله سوم قبولی است. شرایط زیادی داشت که در مرحله قبل گفتیم، شرایط اخلاقی، شرایط اجتماعی، شرایط اعتقادی، شرایط سیاسی، شرایط خانوادگی، بعد از این سه مرحله مرحله چهارم کمال عبادت است. اگر بخواهیم عبادت را به بنایی تشبیه بکنیم، بنا یک ارکانی دارد مثل ستون‌ها، مثل فونداسیون، یک واجباتی دارد مثل درب و پنجره، کولر، وسیله گرما، وسیله خنک کننده، بعد از اینکه ساختمان شکل گرفت این دفعه یک چیزهایی است برای آرایش بنا، مثل لوستر، مثل رنگ آمیزی، مثل تابلوها و نورپردازی. در مرحله چهارم می‌رسیم به جاییکه می‌توانیم کارهایی را انجام دهیم که عبادات ما نورباران بشوند، آرایش بشوند و به آسمان بروند. فرشته‌ها نشان دهند این عبادت ما را. مثل اینکه آن عبادت را در اول وقت انجام دهیم. نشان دهنده فرمانبری ما است. اگرچه وقت نماز ظهر توسعه دارد از زوال آفتاب تا چهار رکعت به مغرب وقت دارد. اما کسی که نمازش را زودتر می‌خواند نمازش کامل تر است. پیامبر فرمود: نماز اول وقت مثل من است و نمازهای با تأخیر مثل پیامبران دیگر است. و در حدیثی فرمود: نماز اول وقت مثل خورشید است و نمازهای دیرتر مثل ستاره‌ها.

مستحباتی را امام ما به ما آموخته اند. همه اینها مثل کمال عبادت است. مثل اینکه با لباس پاکیزه به عبادت برخیزیم. مسواک بزنیم، بوی خوش استفاده کنیم، در مسجد نماز بخوانیم، به جماعت آن عبادت را برگزار بکنیم. اینها عامل‌هایی هستند برای کمال عبادت. در احادیثی به ما گفته اند آنهایی که به ناچار عبادتشان را در یک موقعیت سختی انجام می‌دهند، نمازشان کامل تر از دیگران است. مثل جبهه جنگ. یا کسی که مریض است می‌خواهد عبادت انجام دهد به سختی انجام می‌دهد. امیرالمؤمنین فرمود: **أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**، برترین عمل‌ها، عملی است که خودت را به سختی بیندازی، یک کسی است نابینا، یا ناشنوا، یا از نظر اعضای بدن با دشواری روبرو شده، دستش شکسته، پایش شکسته و در بیمارستان بستری است اما در عین حال نمازش را به وقت انجام می‌دهد. او نمازش کامل تر است. پس یکی از شرایط کمال آن است که آن عبادت در موقعیت دشوار انجام شود. دوم اینکه سبقت داشته باشد، فراخوان عبادت که زده می‌شود اونی که زودتر به عبادت حرکت می‌کند نمازش کامل تر است، عبادتش کامل تر است، قرآن می‌فرماید: **لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلَ أُولَئِكَ أَكْبَرُ مِنْ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتِلُوا وَ كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى**، کسانی که قبل از فتح مکه به میدان جهاد آمدند با اونهایی که بعد از فتح مکه آمدند خیلی فرق می‌کنند. مثل آنهایی که قبل از 22 بهمن و 2، 3 ماه زودتر آمدند به میدان تظاهرات. خوب ریسک لازم داشت، خطر بیشتری بود. کسانی که سرعت دارند، سبقت دارند، عملشان کامل تر است در حدیث می‌خوانیم صبح جمعه که می‌شود فرشتگانی می‌آیند محل نماز جمعه، کاغذ و قلمی دستشان است و به ترتیب کسانی که به محل نماز جمعه می‌رسند را ثبت نام می‌کند. اول سختی، دوم سبقت، سوم کار مهم تر نشان دهنده کمال است.

پیغمبر فرمود: لا صدقه و زورهم محتاج، تا فامیل محتاج دارید صدقه به دیگران نمی‌رسد. نه اینکه اون صدقه ثواب نداشته باشد، ولی کامل نیست. صدقه کامل صدقه ای است که اولویت در آن لحاظ شود. قرآن می‌گوید اگر می‌خواهید انفاق کنید، اول والدین، بعد بستگان نزدیک، بعد یتیمان، بعد بیچاره ها. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: لا خیر فی النوافل إذا أضرت بالفرائض، اگر نماز های نافله آسیب می‌رساند، ضرر می‌رساند به واجبات آن را انجام ندهید. نماز واجب اولویت دارد. اگر می‌رود احیاء نماز صبحش قضا می‌شود. اگر می‌رود هیئت نماز صبحش قضا می‌شود. نباید به آن هیئت رود. این اولویت نشانه کمال است.

از نشانه های کمال: سبقت، اولویت، سختی، نشاط و دوام است. خیلی ها هستند عبادت می‌کنند اما موسمی است، مقطعی است. دوام داشته باشد نشان دهنده کمال است. قرآن می‌فرماید: و علی باستقامو الطریقه اسغیناهم ما انقدعا، اگر استقامت ورزیدن در راه خدا ما آب گوارا، باران گوارا برای آنها نازل می‌کنیم. امیر المومنین درباره استقامت فرمود: قلیل مدوم علیه، خیر من کثیر مملول منه، کم ادامه دار، بهتر است از زیاد مقطعی. عبادت هایمان را مستمر انجام دهیم، هر شب جمعه یک صفحه دعای کمیل بخوانیم. بهتر از این است که یک شب جمعه تمام دعای کمیل را بخوانیم و بقیه طول سال نخوانیم. دعای جوشن کبیر را از اول ماه رمضان هر شب یک مقدار آن را بخوانیم، اما ادامه داشته باشد، نمازهایمان را در مسجد بخوانیم، اذان بگوییم، بوی خوش استفاده کنیم، اینها نشانه کمال است، مثل ساختمانی که لوستر دارد، رنگ آمیزی دارد، نورپردازی دارد، نماز را با صدای خوش بخوانیم. سفارش شده، اینها از کمالات نماز است، با لحن عربی بخوانیم، سفارش شده است از شرایط کمال نماز، یکی اینکه با بصیرت باشد، از کار نمازی که می‌خوانیم با معنایش، با مفهومش با تفسیرش آشنایی پیدا کنیم، این مغضوبینی که در سوره حمد می‌

خوانیم چه کسانی هستند؟ ضالین چه کسانی هستند؟ انعمت علیهم چه کسانی هستند؟ صراط المستقیم چه راهی است؟ سوهان الله یعنی چه؟ اشهد برای چه می گوئیم؟ این نماز را به اوج می برد، کمال می دهد، نورپردازی می کند. از چیزهایی که نماز را کامل می کند یکی این است که ما مغرور نشویم به نمازمان، نماز و عبادت خودمان را کوچک حساب کنیم، کم حساب کنیم. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: **وَ لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ** . در عبادتی که اندیشه در آن نباشد، چرا من عبادت می کنم؟ من در این هستی چه جایگاهی دارم؟ از همسر پیامبر پرسیده اند: بهترین خاطره ای که از پیامبر سراغ دارید چه خاطره ای است. گفتند: شب زنده داری پیامبر، مقدار کمی که شب استراحت می کرد، از خواب بر می خاست، به حیاط منزل می آمد به ستاره ها چشم می دوخت و آیات 190 تا 195 سوره آل عمران را تلاوت می کرد: **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ** ، حقیقت این است که در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان. **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** ، خردمندان کسانی هستند که ذکر خدا را در هر حال دارند، ایستاده، نشسته و خوابیده. و علاوه بر ذکر فکر می کنند، **يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** ، در آفرینش آسمان ها و زمین و به دنبال این ذکر و فکر دست به دعا بر می دارند که **سَبِّحَانَكَ** و قنا عذاب النار ، پروردگارا تو منزهی از اینکه این جهان را بیهوده بیافرینی، حتماً مرا برای هدفی آفریده ای، پس دستم را بگیر و از آتش نجات بده. در حدیث می خوانیم: **ان العمل الدائم القليل على اليقين و البصيرة أفضل عند الله من العمل الكثير على غير اليقين و الجهد ، عبادت پیوسته کم، اما با یقین، با معرفت برتر است نزد خدا از عبادتی که زیاد باشد ولی یقین در آن نباشد.**





## «مجلسه ششم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به بحث ششم رسیدیم، فلسفه عبادات یا فلسفه احکام. زیاد سوال می شود از فلسفه احکام و سابقه هم دارد، از همان قرن های اول که اسلام جهانگیر می شد به خصوص از وقتی که غیرمسلمان ها وارد فضای جامعه اسلامی شدند پرسش می کردند که چرا خدا، چرا انبیاء باید بیایند؟ چرا انسان دوباره زنده می شود؟ چرا نماز؟ چرا روزه؟ چرا حجاب؟ چرا شراب حرام است؟ چرا ارث زن و مرد فرق دارد؟ در این برنامه خیلی مختصر می خواهیم راجع به فلسفه احکام با هم صحبت بکنیم. به چند سوال می خواهیم جواب دهیم، آیا احکام فلسفه دارد یا نه. سؤال دوم، اگر احکام فلسفه دارد آیا احکام بیان شده است یا نه؟ سوال سوم، چرا بعضی از احکام فلسفه شان بیان نشده است.

در مورد سؤال اول می خواهیم بگوییم که بله احکام فلسفه دارد، چرایی دارد، حکمت دارد، دلیل دارد، چرا؟ چون از جانب خدا آمده است. خداوند هیچ چیزی را بی هدف نمی آفریند و هیچ دستوری را بی هدف صادر نمی کند، یکی از اسم های خداوند، حکیم است، یعنی آفریده های او با حکمت است، دستوراتش با حکمت است، تمام عبادات، تمام احکام حکمت دارد، فلسفه دارد.

سوال دوم، آیا بیان شده فلسفه احکام، فلسفه عبادات، جوابش این است که غالباً بله، به آیات قرآن مراجعه کنیم، غالباً می بینیم به دنبال دستور، به دنبال امر، به دنبال نهی، فلسفه آن بیان شده است. ما گاهی بی دقتی می کنیم، روزه بگیرید تا تقوا داشته باشید، نماز بخوانید تا یاد خدا باشید، جهاد کنید تا عزیز باشید. فلسفه آن بیان شده است. ممکن است یک عبادتی یا یک حکمی چند فلسفه داشته باشد. مثل اینکه اطباء

گاهی یک دارو را برای چند منظور می‌دهند. برای همین می‌بینیم که در قرآن و حدیث گاهی برای یک حکم، سه یا چهار یا بیشتر حکمت بیان شده است.

امام رضا فرمود(ع) وضو چند حکمت دارد، یکی برای پاکیزگی است، یکی برای نشاط و شادابی است، یکی برای روشنایی دل است. نگاه کنید یک فلسفه بهداشتی، بهداشت جسمی. دوم فلسفه بهداشت روانی، سوم فلسفه معنوی است.

ما کتابهایی مستقل در دست داریم به نام علل الشرایع، یعنی فلسفه احکام، که امامان ما، مخصوصاً امامانی که فرصت‌های ویژه‌ای در اختیارشان قرار گرفته است، مثل امام صادق (ع)، مثل امام رضا (ع)، شاید هزاران مورد پاسخ فلسفه احکام را گفته‌اند، چرا نماز بخوانیم؟ چرا اینطور نماز بخوانیم؟ چرا رکوع، چرا سجده، چرا می‌ایستیم؟ چرا اذان می‌گوییم؟ چرا وضو می‌گیریم، چرا با خاک تیمم می‌کنیم، چرا یک رکوع، چرا دو سجده، چرا؟ چرا؟ فلسفه احکام در قرآن و در حدیث بیان شده است.

سوال سوم این بود که بعضی از احکام چرا فلسفه‌شان بیان نشده است؟ این هم یک دلیلش این است که امام معصوم فرمود در آخر زمان انسان وقتی که به رشد عقلانی می‌رسد راز این احکام را خواهد یافت، یک بستری است برای تنکاش و پژوهش انسان‌های وارسته.

یک مسئله دیگر هم هست و آن این است که گاهی فلسفه بعضی از احکام گفته نشده است برای آزمونی. مثل فرماندهی که پیداست دستوراتش حکیمانه است اما بعضی از دستوراتش را سربازها متوجه نمی‌شوند برای چیست؟ دستورات سختی است، ولی در پایان می‌فهمند که این مانور بود، این دستور برای شناسایی آنها بود. فرمانده می‌خواست برایش روشن بشود که اینهایی که ادعا می‌کنند آیا در سختی‌ها هم تابع هستند. ما چیزی در اسلام داریم به نام تعبد، تسلیم، چرا نماز می‌خوانیم؟ چون تسلیم خدا هستیم،

آفریدگار ما برای خوشبختی ما این دستور را صادر کرده است. چرا روزه می گیریم؟ چرا حجاب داریم؟ چرا شراب را حرام می دانیم؟ مطمئن هستیم در حرام ها فساد است، ضرری است. مطمئن هستیم در واجب ها، فایده ای برای انسان ها است، مصلحتی است، تبعیت می کنیم چه فلسفه آن را بدانیم و چه ندانیم، معطل نمی مانیم و بگوییم که ما تا فلسفه روزه را ندانیم روزه نمی گیریم. آنوقت می شویم اسیر فلسفه، نه ما عبد خداوند هستیم، همین اندازه که می دانیم خداوند این فرمان را داده تبعیت می کند، تسلیم هستیم، البتّه خودِ خدا ما را کنجکاو آفریده است، دوست داریم راز آن حکم را بدانیم و از همین جهت هم است که خداوند در کتابش اسرار عبادات را بیان فرموده است.

اما گاهی می فرماید ما عدد مأموران جهنم را 19 قرار دادیم تا ببینیم چه کسانی فضولی می کنند، اصلاً خود این عدد را قرار دادیم برای یک آزمون. وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً این عدد 19 را قرار ندادیم مگر برای آزمون.

در زمان قدیم می گفتند کسی در خیابان لاله زار تهران رد می شد و دید کسی ایستاده و مدام تکرار می کند 19، 19، 19، گفت آقا منظورتان چی است؟ او جواب نداد. یک نفر تازه ای رسید و گفت آقا چرا مدام تکرار می کنید 19، 19، و گفت: 20، 20، 20، و جواب نداد، و در آخر گفتند جان هرکسی که دوست داری بگو قصه اش چی هست؟ گفت من از صبح تا به حال فضول ها را می شمرم. تو فضول نوزدهمی هستی.

گاهی خداوند می خواهد به خود انسان ها نشان بدهد که واقعاً عبد خداوند هستند، سرتاپا تسلیم فرمان خداوند هستند، این یک آزمونی است، مثلاً پیامبر عزیز اسلام تا در مکه بود به سمت بیت المقدس نماز می خواند، دستور این بود، و در مدینه هم به سمت بیت المقدس نماز می خواندند. در یک نماز ظهری دستور

آمد که رویتان را از بیت المقدس به سمت کعبه بچرخانید یک ولوله ای در جامعه پیش آمد، برای چه چیزی؟ آیا قبله اولی درست بوده یا این درست است؟ اگر اولی درست بوده چرا عوض شده؟ اگر این قبله درست است پس این همه نماز خواندیم پس ثوابش چی شد؟ جواب آمد که خود این یک آزمون بود. هم قبله اول درست بود، هم این قبله درست است، هر دو فرمان خداوند است. و این تغییر قبله یک آزمونی بود برای شناسایی متعبد ها، برای شناسایی تسلیم ها.

ارث زن و مرد فرق دارد چرا؟ مگر ما انسان نیستیم، مگر دختر و پسر با هم فرق دارند؟ نه دختر و پسر از یک گوره آفریده شده اند ولی حکمتی در آن است.

دیه زن و مرد فرق دارد. حکمتش هم امام رضا بیان فرموده حالا فرض کنیم ما آن حکمت را ندانیم. می گوئیم که ما بنده خداوند هستیم هرچه خدا بفرماید. وظایف زنان، وظایف مردان، به هر گونه که خداوند امر فرموده اطاعت می کنیم، تسلیم هستیم.

در این جلسه گفتیم که آیا احکام فلسفه دارد؟ جواب دادیم بله. چون از جانب خداوند حکیم آمده، مگر می شود خداوند حکیم، دستوری را بی حکمت بفرستد.

سوال دوم - آیا فلسفه احکام بیان شده است؟ جواب دادیم بله بیش از 90 درصد احکام قرآن در قرآن در حدیث فلسفه شان بیان شده است. چرا روزه بگیریم، چرا حج کنیم، چرا روزه بگیریم، همه اینها فلسفه شان هست.

سوال سوم - بعضی از احکام چرا فلسفه شان بیان نشده است؟ 2 دلیل دارد. یکی از دلایلیش را امام (ع) فرمود که چون در آخر الزمان انسان ها به اوج عقل و اندیشه می رسند و خودشان فهم می کنند اسرار بعضی از احکام را. و دلیل دیگرش آزمونی است برای تعبد که معلوم شود ما برای چه چیزی عبادت می کنیم، ما

بنده خدا هستیم، بندگی کن تا که سلطنت کنم. اگر بزرگی می خواهی بندگی کن چه فلسفه اش را بدانیم و چه ندانیم. ما از آن اول پذیرفتیم که این جهان خدایی دارد، آن خدا بندگان را آفریده و جهان را در اختیار آنها قرار داده و برای خوشبختی آنها پیامبران را و کتاب هایی را به عنوان برنامه زندگی فرستاده است. ما تسلیم آن خدا هستیم و می توانیم تسلیم نباشیم و لج کنیم، مقابل خدا بایستیم و سرکشی کنیم، اما بندگی یعنی تسلیم دستورات خداوند بودن چه فلسفه آن احکام را بدانیم یا ندانیم، البته خداوند فلسفه احکامش را در قرآن بیان کرده و در زبان پیامبر و معصومین بیان شده، احکام، عبادات، تمامش اسرار دارد، فلسفه دارد، در طی این هزار و چند صد ساله کتاب های زیادی تحت عنوان اسرار الصلاة، اسرار الخمس، اسرار الحج، در روزگار خود ما کتاب های زیادی به زبان فارسی نوشته شده، عبادات و احکامی که در شریعت آمده اسرار دارد و بیان شده است آن اسرار در قرآن و حدیث تعدادش هم برای آزمون ما بیان نشده است.

## پ «جلسه هفتم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بین عبادات نماز از یک برجستگی برخوردار است. نماز، از وقتی که به تکلیف می‌رسیم تا از دنیا می‌رویم نماز هست، نمازهای شبانه روزی، نمازهای مستحبی، نمازهای به جماعت، جمعه، در اسلام 350 نوع نماز طراحی شده است، یعنی رابطه معنادار با خدا، پیغمبر فرمود: الصلاة عهد الله، نماز عهد خدا است. فرمود: قرته العين فی الصلاة، نور چشم من در نماز است.

در قرآن کریم نماز از مشترکات ادیان شمرده شده است. درباره نماز حضرت ابراهیم، نماز حضرت اسماعیل، نماز حضرت موسی، نماز حضرت عیسی، نماز حضرت زکریا، نماز حضرت مریم، نماز حضرت شعیب و نماز پیامبر اسلام آیه یا آیاتی آمده است. از مشترکات ادیان است. در همه ادیان آسمانی نماز بوده و هست. فرمود: روز قیامت اولین ایستگاه ایستگاه نماز است. اگر نماز مورد قبول واقع نشود بقیه اعمال قبول نمی‌شود. پیامبر اسلام به مدینه که آمد اولین کاری که کرد جایی برای نماز ساخت، مسجد. یکسال بعد جنگ‌ها شروع شد. اصرار داشت پیامبر در جنگ‌ها نماز باشد در پیشانی کار، معلوم شود جنگ ما با همه جنگ‌های دنیا متفاوت است. ما بندگان خدا هستیم، در این جبهه خداپرستان می‌جنگند. آیه 102 از سوره نساء پیامبر اسلام را موظف کرد نماز را با رزمندگان به جماعت بخوانند. اینها نشانه اهمیت نماز است در بین عبادات.

خود ما هم مشاهده کردیم اگر کسی نماز نخواند خیلی بعید است روزه بگیرد، خیلی بعید است اهل خمس دادن باشد. نماز ستون خیمه دین است. نماز چشم دین است. نماز سر دین است. نماز پرچم دین است. پیامبر فرمود: موضع الصلاة من الدین كموضع الرأس من الجسد. جایگاه نماز در دیدن شباهت

دارد به جایگاه سر در پیکر. سر را اگر از پیکر جدا کنیم یک لاشه متأفنی می شود، ممکن است یک پیکر دست نداشته باشد، چشم نداشته باشد، پا نداشته باشد اما بدون سر چه؟ اسلام حتی اگر اقتصادش باشد سیاستش باشد نمازش نباشد، نماز سر دین است.

وقتی پیامبر اسلام استانداری را به یمن به نام معاذ بن جبل، نامه ای را برای او نوشت. یک فراز آن نامه این است. ای استاندار، استاندار هم یک عالم دین نیست، کارهای اقتصادی عمرانی دارد و کارهای فرهنگی اما به معاذ فرمود، ای معاذ: اظهر أمر الاسلام كله، پیاده کن اسلام را تمامش را، صغیره و کبیره، مسائل کوچک اسلام را و مسائل کلان اسلام را، و لکن اکثر همك الصلوة، اما بیشترین دغدغه تو نماز باشد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه اش به استاندار مصر فرمود: اجعل أفضل أوقاتك للصلاة. گل وقت خود را، پربهاترین وقت شبانه روز خود را برای نماز قرار بده. به استانداران، به قاضیان، به فرماندهان نظامی پیامبر و امیرالمؤمنین امر می کردند خودتان امام جماعت بشوید. دغدغه برپایی نماز جماعت را داشته باشید. فرمود: نماز صورت دین شما است. سیمای دین شما است. نماز کلید بهشت است. نماز میزان وسیله سنجش مردم است.

وهی الآخر و صایل الانبیاء، آخرین دغدغه و وصیت انبیاء نماز بوده، ما دشمنی داریم که در قرآن 99 بار نامش آمده 88 بار به نام شیطان 11 بار به نام ابلیس، 14 خداوند در قرآن فرموده است: او دشمن است، مسلمانان بیدار باشید. فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا، او را دشمن حساب کنید. احادیث به ما می گوید شیطان با نماز مخالف است مواظب باشید.



إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ. شیطان اولین هدفش این است که می خواهد بین شما دودستگی و تفرقه ایجاد کند و هدف دوم یاد خدا را و اقامه نماز را می خواهد راهش را ببیندد. امروز هم شیاطین جنی و انسی، ابر قدرت ها، استکبار جهانی، در قالب فیلم در قالب رمان و قالب انیمیشن اینها هدفدار کار می کنند. یکی از هدف هایشان خاموش کردن فروغ نماز است. خلوت کردن مساجد از نوجوانان و جوانان است.

حضرت عیسی (ع) در گهواره که به زبان آمد یکی این را گفت : وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ، تا زنده ام خداوند مرا به نماز و زکات سفارش فرموده، آنقدر نماز اهمیت دارد که ابراهیم خلیل سرزمین خوش آب و هوای فلسطین را ترک کرد و به مکه آمد برای چی؟ برای حج؟ نه ، گفته برای نماز، رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ. من خانواده ام را اسکان دادم در سرزمین بی آب و علفی، نزدیکی خانه تو ای خدا ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، پروردگارا هدف من اقامه نماز است.

کسانی بودند حاضر بودند مسلمان شوند ولی نماز نخوانند. از جمله مردم طائف ، پس از فتح طائف طائفی ها مقاومت می کردند. جمعی از نمایندگان طائف نزد پیامبر آمدند که ما همه اسلام را می پذیریم ولی نماز نمی خوانیم، پیغمبر قبول نکرد مسلمانی آنها را . فرمود رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ لَهُ ، در دینی که همه چیز هست اما نماز نیست خیر نیست. ما گاهی این حدیث را می خوانیم نماز ستون دین است ولی قبول نداریم.

ستون را حساب می کنیم مثل ستون های ینولیتی که بچه ها در در سن تثاتر می گذارند و بعد از تمام شدن نمایش هم آن ستون ها را بر می دارند و هیچ سقفی هم فرود نمی آید. ما باید در عمل نشان بدهیم که نماز

ستون دین است. یک مدیر مدرسه، یک مدیر اداره وقتی به نماز اهتمام ندارد چطور می تواند ادعا کند که نماز ستون دین است. یک استاندار، یک فرماندار که صد روز می گذرد یک روز در نماز جماعت حضور پیدا نمی کند چطور می تواند ادعا کند که نماز ستون دین است؟

آن مرد نابینا وقتی به پیامبر گفت گاهی کسی نیست من را بیاورد مسجد من در خانه تنها نماز میخوانم قبول است؟ پیغمبر فرمود نه جماعت، یک طنابی از خانه به مسجد وصل کن حتی وقتی که کسی نیست دستت را به طناب بگیر و به مسجد بیا. حالا اگر وزیر باشد پیغمبر به او چه می گوید؟ وزیر جمهوری اسلامی ایران، مدیر، فرمانده، می گوید من نماز را در اتاق خودم می خوانم، قابل قبول نیست. در میدان جنگ آیه 102 از سوره نساء پیغمبر را موظف کرد با اینکه خطر داشت ممکن بود چند نفر کشته شوند، بعضی ها مجروح شوند، جماعت، فرادی نه. 3 نفر بودند مسلمان ها، پیامبر، امیرالمومنین، حضرت خدیجه. روبروی مشرکان به جماعت نماز می خواندند، این معنا دارد. کسانی که تاریخ اسلام نوشته اند گفته اند اولین خونی که در اسلام ریخته شده برای نماز بوده، مسلمان ها یک زمینی را گرفته اند در خارج از مکه می رفتند پنهانی نماز را به به جماعت می خواندند، مشرکان مطلع شدند درگیری پیش آمد، خونی ریخته شد، این ها نشانه اهمیت نماز است. پیامبر در لحظه آخر عمرش نگرانی اش از نماز نخواندن نبود از سبک شمردن نماز بود.

استخفاف یعنی چه؟ یعنی نماز می خوانم در اتاق خودم. نماز می خوانم آخر وقت. اینها استخفاف نماز است. امیرالمومنین می دانسته استاندار تراکم کار دارد، اشتغالاتش زیاد است به او فرموده اول وقت نماز بخوان، اینها معنادار هستند.

حکومت هم از نظر رهنمودهای پیامبر و ائمه کارهایی که باید برای نماز بکند مجبور کردن نماز نیست ولی تبلیغات برای نماز، آموزش برای نماز، تمهیدات برای نماز، تشویق برای نماز، اینها کار حکومت است.

مطمئنأً هیچ کس طرفدار نماز اجباری، نماز تشریفاتی، نماز ریایی نیست. اینها که همه می‌دانند خاصیت ندارد. اما خودِ قرآن فرموده: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ. خداپرستان کسانی که وقتی به قدرت می‌رسند، حکومت را در دست می‌گیرند اولین اقدامشان این است که نماز را به پا می‌دارند، وَآتُوا الزَّكَاةَ، بازار زکات را گرم نگه می‌دارند وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، در رأسش اقامه نماز است. الان این بیداری اسلامی که خبرش دنیا را گرفته، ایران اعلام می‌کند که این بیداری اسلامی اسمش است نه بهار عربی از کجا؟ از همان نماز، این نماز را که منها کنیم، وقتی در میدان الله اکبر می‌گویند همه در کنارهم خدا را می‌پرستند این لقب بیداری اسلامی پیدا می‌کند.

از خداوند می‌خواهیم که همه ما را نسبت به نمازی که قرآن از ما خواسته و پیامبر عزیز و امام زمان از مان انتظار دارند هم آگاه و هم عامل قرار بفرماید.

## «جلسه هشتم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم به ما می فرماید: شخصیت پیامبر را اسوه و الگوی خودتان قرار دهید. در این برنامه می خواهیم نگاهی بکنیم به نماز معصومین و الهام بگیریم از کیفیت نماز آنها و نمازهای خودمان را عمیق تر و خوشرنگ تر بکنیم. درباره نماز پیامبر و ائمه کتابهای مستقلى تألیف شده است. صدها حدیث درباره سیره عبادی پیامبر به ما رسیده است. درباره سیره عبادی ائمه به ما رسیده است. در کتابهای حدیثی قالباً یک بابی از سیره عبادی معصومین آمده است. ما می دانیم که نماز شب بر پیامبر اسلام واجب بوده است. در سوره های مدثر، مزمل، فرمان نماز شب بر پیغمبر آمده. پیامبر فرمود گرسنه با غذا سیر می شود، تشنه با آب سیراب می شود. اما من از نماز هرگز سیر و سیراب نمی شوم. یک نوع عطش و تشنگی نسبت به نماز حس می کرد. خانواده پیامبر گفته اند وقت نماز که می رسید رنگ از رخس می پرید یک هیجان و حالتی پیدا می کرد که نه او ما را می شناخت و نه ما حضرت را. اشتیاق داشت برای نماز، از بس پیامبر نماز می خواند آیه نازل شد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى، خودش را به رنج می انداخت، زیاد در پیشگاه خداوند می ایستاد و وقتی سؤال می کردند یا رسول الله چرا انقدر عبادت می کنید، شما که معصوم هستید، خداوند وعده بهشت را به شما داده حضرت جواب می داد: «أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»، آیا بنده سپاسگذاری نباشم. پیامبر نسبت به نماز خیلی شیفته بود. حتی در آخرین روزهای عمرش می فرمود زیر کتف هایم را بگیرید به مسجد ببرید تا نماز را به جماعت بخوانم آیه نازل شد، وَ أُمِرُّ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا، خانواده ات را به نماز سفارش کن و بر این کار شکیا باش. 6 ماه یا 9 ماه هر روز صبح می آمد در خانه دخترش در می زد و می فرمود: الصلاة یرحکم الله، رحمت خدا بر شما باد.

بخصوص جوان ها را به نماز سفارش می کرد. حتی گفتند جوانی است که نماز می خواند و گناه هم می کند، فرمود: همان نماز او را از گناه باز خواهد داشت.

صیغه عبادی پیامبر، نمازهایی که در میدان های جنگ می خواند، اصلاً حرکت رزمندگان از مسجد شروع می شد. پیامبر کسی را در بین رزمندگان می گماشت که وقت نماز را اعلام کند، اذان بگوید، اگر شب می خوابیدند برای نماز صبح کسی دیگران را بیدار کند که خواب نماند. یادگارهایی را در میدان های جنگ حضرت دستور می داد به عنوان مصلی بسازند که در آینده معلوم شود خداپرستان از اینجا عبور کرده اند. به بلال می فرمود: ارشنا یا بلال، بلال ما را راحت کن، اذان بگو، وقت نماز را اعلام کن. در لحظه جان دادن حضرت علی فرمود سر پیامبر بر سینه من بود. دغدغه نماز مردم را داشت. که نکند سبک بشمارند نماز را. در سیره امیرالمومنین آمده، امیرالمومنین افتخارات خودش را که می شمرد می فرمود من اولین نماز گزار هستم، من اولین مسلمان هستم. بعضی از شب ها تا هزار رکعت نماز می گذارد. عاشق نماز بود. وقت نماز که می رسید می فرمود: جاء وقت الصلاة وقت نماز رسیده، إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ وقت همان امانتی که خدا عرضه کرد به آسمان ها، زمین و کوه ها و آنها نتوانستند آن امانت را بپذیرند.

امیرالمومنین (ع) که در حدیث آمده که محور نماز است، پایان عمرش، شهادتش، در محراب عبادت انجام شد. در مسجد، بعد از اینکه به بام مسجد رفت، در ماه رمضان اذان گفت، آمد خواب ها را بیدار کرد، امام حسن و امام حسین خواستند پدرشان را که ضربت خورده به خانه ببرند، فرمود دیگرانی هستند که مرا به خانه ببرند، حسن جان نماز را ادامه بده و در وصیت نامه اش که با فراز های کوتاه کوتاه جمع شده، یک

فرازش را درباره نماز قرار داد **وَ اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ**، شما را به خدا، شما را به خدا ای حسن و ای حسین و ای تمام کسانی که وصیت علی به دست شما می‌رسد، نماز نماز، که ستون دین است.

امام مجتبی (ع) سالار شهیدان اینها تمامشان صیغه عبادی دارند، تمام زندگیشان خلاصه می‌شد در بندگی خدا و آن هم به شکل این نمازی که خدا می‌پسندد. ابی عبدالله (ع) که دعای عرفه اش در دنیا پیچیده، روز عاشورا، شب عاشورا چه نمازی اقامه کرد. گزارش گران دشمن گفته اند وقتی آمدیم بین خیمه های حسینی گزارش تهیه کنیم دیدیم صدایی شبیه صدای زنبورهای عسل به گوش می‌رسد، همه در حال راز و نیاز و نیایش هستند، بعضی در حال رکوع و بعضی در حال سجده. و صبح عاشورا ابی عبدالله (ع) نماز را به جماعت خواندن، خطبه خواندن. از مکه که راه افتادند کسی را به عنوان موذن اعلام فرمودند به نام حجاج ابن مسروق، بین راه خطبه های امام همه پس از نماز ها برگزار شده. و اوج بندگی ابی عبدالله حسین (ع) در ظهر عاشورا با اینکه شاید بیش از ده نفر از یاران امام نمانده بودند، چند نفر جلو ایستادند حضرت فرصتی خواستند که دشمن آتش بس را قبول کند، قبول نکردند. علیرغم این نماز را در مقابل دشمن به جماعت در اول وقت با اذانی که جوان رشیدش، حضرت علی اکبر (ع) آن اذان را گفتند. کسی که وقت نماز را اعلام می‌کند ابو ثمامه سیداوی، امام حسین (ع) به او دعا می‌کند که خداوند تورا از نماز گزاران قرار دهد. به امام سجاد (ع) می‌رسیم، زینت عبادت کنندگان، سرور سجده کنندگان، کتاب صحیفه سجادیه امام سجاد سیره عبادی خدا پرستان است. یک وقتی از خیابان شریعتی تهران می‌گذشتیم یک دوستی کنار من نشسته بود و مسجدی را نشان داد و گفت من هرگز در این مسجد نماز نمی‌خوانم فکر کردم با امام جماعت این مسجد خورده حسابی دارد گفتم چرا؟ گفت امام جماعت این مسجد ذکر سجده را 3 بار می‌گوید طول می‌دهد. من گفتم برادر عزیز درسته امام جماعت باید خلاصه بکند اما تو انقدر از سجده طولانی بیزار

هستی. امام سجاد (ع) به کوهستان می رفت، پیشانی اش را به سنگ های تیزی می گذاشت، 500 بار ذکر را تکرار می کرد، سجاده اش از اشک چشمانش خیس می شد، جمعی از علویون آمدند احساس خطر کردند برای جان امام سجاد (ع) گفتند آقا به زودی شما از دنیا می روید با این همه عبادت. فرمود: عبادت من کجا عبادتِ جدم علی کجا، اینها رهبران ما هستند. نماز نافله نمی خوانیم سختمان است، نماز صبح را اول وقت نمی خوانیم سختمان است، نماز را به جماعت نمی خوانیم سخت است. پس زندگی برای چیست؟ وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون، بندگی خدا، امام سجاد (ع) گریه می کرد و از خدا می خواست شیرینی عبادت را به او بچشبانند. ابن عباس مفسر قرآن است، انسان فرهیخته ای است، فرمودند: در جنگ صفین دیدیم علی ابن ابیطالب شمشیر می زند و به آسمان نگاه می کند. پرسیدم: یا ابوالحسن برای چی به آسمان نگاه می کنید، آقا فرمودند مراقب هستم وقت نماز ظهر رسیده یا نرسیده، من گفتم الان جنگ است نماز اول وقت برای شرایط عادی است. فرمود: ابن عباس جنگ ما هم برای نماز است. اینها رهبران ما هستند. خدا رحمت کند صیاد شیرازی را، ایشان این خاطره را تعریف کردند که در زمان جنگ رؤسای سه قوه و فرماندهان جنگ در جماران خدمت حضرت امام رسیدیم، یکی از فرماندهان داشت گزارش جنگ را می داد. وسط گزارش او امام جلسه را ترک کرد، شهید صیاد می گوید کنار من آقای رفسنجانی بود، از ایشان پرسیدم چی شد؟ ایشان هم متوجه نشدند، گفتم فکر کنم قلب امام گرفته، آمدیم این اتفاق دیدیم امام دارد ادکلن می زند و برای نماز آماده می شود. این چیست که ما به بلوغ نرسیدیم ولی ائمه ما به این بلوغ رسیدند. همه ما شنیده ایم که وقتی شاه فرار کرد، حضرت امام در فرانسه بود. خبرنگاران آمدند دور امام دیدیم حساس ترین گزارشی بود که از رهبر انقلاب به دنیا مخابره کنند، حضرت امام سوال چند خبرنگار را جواب دادند و بعد فرمودند: احمد وقت نماز شده، و حاج احمد آقا گفتند

بله الان وقت نماز است امام از آن صندلی پایین آمدند و سراغ نمازشان رفتند. کدام سیاستمداری این کار را می کند. این است راه و رسم ائمه، همه امامان ما بندگیشان در پیشانی کارشان بوده. امام رضا (ع) شنیدند که جمعی از بستگانشان به دیدنشان می آیند، آمدند به دروازه شهر پیشواز آنها، وقت نماز رسید فرمود نماز می خوانیم گفتند آقا صبر کنید بستگانتان، فرمودند ما الان موظف هستیم به وظیفه عمل کنیم. یکی از رهبران گروه های منحرف سابعی ها، به نام امران سابعی با امام رضا (ع) مباحثه می کرد، بحث به یک جای قشنگی رسیده بود، وقت نماز شد، امام رضا فرمود من باید برم نماز بخوانم، امران صانعی گفت آقا الان دل من نرم شده برای پذیرفتن مکتب شما، امام رضا می دانست که وقت نماز وسیع است اما فرمود: نه نماز اول وقت، رفتند نماز اول وقت خواندند و برگشتند مباحثه را ادامه دادند، عمران هم شیعه شد و به سجده افتاد و شکر کرد خدا را که الحمدلله به دست چنین شخصیتی هدایت شدم. وقتی زیارت امام زمان (ع) را می خوانیم، آن زیارتی که مقام معظم رهبری به دوستانشان خیلی سفارش می کنند بخوانید زیارت آل یاسین، چگونه سلام می دهیم، یک زیارت متفاوتی است. می گوییم سلام بر قنوت، سلام بر رکوع، سلام بر تشهد، این معلوم است که نماز اوج خداگرایی و خداپرستی یک انسان است.



## «جلسه نهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا رحمت کند حضرت امام خمینی را فرمود: نماز معجونی است الهی که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت تضمین می کند، نماز کارخانه انسان سازی است. در این برنامه ها یکبار این بسته را می خواهیم توضیح دهیم. بسته ای که با وضو شروع می شود با تعقیبات خاتمه پیدا می کند. اولین پله نماز طهارت است در فقه ما به وضو، و غسل و تیمم، طهارت گفته می شود. ما می خواهیم به دیدار پروردگارمان برویم، باید پاکیزه باشیم، هم بدنمان، هم لباسمان، هم مکانمان، هم فکرمان، هم روحمان، هم دلمان طاهر باشد. خیلی قیمت دارد. پیامبر فرمود کلید بهشت نماز است و کلید نماز وضو است. گاهی درباره وضو کم کاری می کنیم در آموزش های نماز در ایستگاه وضو خیلی باید بایستیم، ایستگاه وضو ایستگاه مهمی است. باید فکر کنیم، فلسفه وضو چیست؟ چه وضویی از ما خواسته اند؟ چه آدابی در وضو به کار رفته است؟ در مدارس ما نباید با عجله اکتفا کنیم به شستن دست و صورت و تمام کنیم قصه را. باید یک موقعی توضیح دهیم، فکرها را درگیر کنیم. از امام حسن مجتبی پرسیدند که چرا ما در نماز نمی توانیم حضور قلب داشته باشیم، فرمود: برگردید به ایستگاه وضو، یک مقداری با آرامش از آن ایستگاه بیایید به سمت نماز، نه اینکه آب اصراف کنید و زیاده روی کنید در مصرف آب نکنیم، توجه کنید که می خواهیم چکار کنیم؟ به دیدن چه کسی می خواهیم برویم؟ با چه کسی می خواهیم ملاقات کنیم. در حدیث می خوانیم امام باقر (ع) فرمود: لا صلاة الا بطهور، نماز بدون طهارت نداریم، نماز بدون وضو، غسل، تیمم نداریم، امام رضا (ع) درباره فلسفه وضو فرمود: لَا يَكُونُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِلَّا طَاهِرًا. علت اینکه نماز گزار باید وضو داشته باشد این است که بنده باید پاکیزه باشد. اذا قام بين يدي الجبار و عند مناجاته، وقتی می خواهد در پیشگاه خدا مناجات کند باید

طاهر و پاکیزه باشد. نفياً من الادناس و النجاسه از آلودگی ها، پلیدی ها، نجاسات باید پاک باشد. مع ما فيه من ذهاب الكسل و طرد النعاس یک علت دیگر وضو این است که آب بخصوص اگر خنک باشد با پوست صورت دلمردگی، افسردگی، کسالت و خواب آلودگی را از بین می برد و به جایش شادابی و نشاط می آورد. امام رضا (ع) فرمود: وَتَرْكِیَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ دل را هم این وضو گرفتن حکمتی دارد که پاکیزه و آماده می کند انسان را هم ظاهرش را و هم باطنش را برای دیدار با پروردگار. سفارشات زیادی رسیده که سعی کنید در همه حال وضو داشته باشید برای غیر نماز هم حتی می خواهید بخوابید و غذا بخورید وضو بگیرید.

در حدیث داریم که روزی پیامبر عزیز ما (ص) در خیابان شیطان را درد، خیلی عصبانی، از او پرسید چی شده؟ گفت عصبانی هستم، پیامبر پرسید: از کی؟ گفت از 16 گروه، اولش خود شما هستید. بعد 15 نفر دیگر را اسم برد یکی کسی که دوست دارد همیشه با وضو باشد. معلوم شیطان طرفدار آلودگی، گناه و پلیدی است. کسی که وضو می گیرد یک احساسی پیدا می کند و میل ندارد به سمت آلودگی گرایش پیدا کند. با وضو بخوابیم چون در خواب هم پیامک برای ما می رسد. یا از طرف شیطان ها یا از طرف فرشته ها. مثل کسی که از خواب بیدار می شود و موبایلش را نگاه می کند که 7-8 تا پیامک برای او رسیده. اگر ما می خواهیم خواب خوب و آرامی داشته باشیم و هم شیطان ها با ما تماس نگیرند، روایت دارد، با وضو بخوانید، قرآن بخوانید بخوابید، وضو، خداوند دوست دارد إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، خداوند باوضوها و پاکیزه ها را دوست دارد. وَ يُحِبُّ التَّوَّائِينَ، یک نکته ای که باید درباره وضو در عرض چند ثانیه بیان کنیم اسراف در آب وضو است. پیامبر فرمود: الوضوء مدن آب وضو به اندازه 10 سیر باید باشد و اگر به لیتر

بگویم دو سوم یک لیتر باید باشد. والغسل ساء، آب غسل هم در حد 3 لیتر باید باشد. وسیعتی اقوام، در آینده مسلمانانی خواهند آمد یستغلون ذلک، میگویند این اندازه آب برای وضو یا غسل کم است. واولئک علی خلاف سنتی، آنها مخالف سنت من هستند. وضوی شاداب داشته باشیم ولی اسراف در آب نکنیم.

یک قصه ای را می خواهیم بیان کنیم خیلی آموزنده است مخصوصاً برای معلم ها و پدر و مادرها. امیرالمومنین (ع) پسری داشت به نام محمد حنفیه، چون مادرش حنفیه نام دارد او را به نام مادرش صدا می زنند. 12، 13 سالش بود. یک روزی دست این پسر را گرفت و آورد کنار آب. فرمود: عزیزم پسرم اینطوری وضو بگیر در این وضو احکام وضو نیست اما آداب وضو است.

خواهشی داریم از همه عزیزان از الان تا شبانه روز دیگر یک وضوی این گونه بگیرید و امتحان کنید. چطور؟ همین که نگاهت به آب افتاد از نعمت آب تشکر کن. عجب نعمتی است آب، اگر نباشد، اگر کم شود، زندگی انسان ها مختل میشود، بهداشت و سلامت چه می شود؟ حیات انسانی چه می شود.

2- پسر قبل از اینکه وضو بگیری دست هایت را تا مچ بشور و این را بگو خدایا مرا از پاکیزه ها و توبه کن ها قرار بده، اللهم جعلني من التوايين وجعلني من المطهرين، پسر، عزیزم صورتت را که می شوری برای وضو این را بگو: خدایا مرا از روسفیدان در قیامت قرار بده از روسیاهان قرار مده. این چقدر سازندگی دارد در هر وضو یاد قیامت کنیم. در قیامت انسان ها 2 دسته اند. وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ، بعضی ها صورت هایشان سفید و درخشان است. ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ، خندان و شاداب است و وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ یک صورت هایی همه سیاه و ناراحت است. در وضو کسی که وضو می گیرد یاد کند از قیامت در رفتارش تاثیر می گذارد. پسرم وقتی دست راست را مسح می کنی بگو: خدایا کارنامه عملم را در قیامت به دست راستم بده. دست چپ را می شویی بگو، خدایا کارنامه عملم را به

دست چپم نده. قرآن می گوید: روز قیامت آنهایی که عملکرد قابل قبولی دارند فرشته‌ها از جلو می آیند و کارنامه‌هایشان را دست راستشان می دهند. آنهایی که عملکرد ضعیفی دارند مردود هستند، فرشته‌ها از عقب توهین آموز می آیند و کارنامه‌هایشان را در دست چپشان می دهند، قرآن می گوید: فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ، آنی که کارنامه اش دست راستش است. فَيَقُولُ، می گوید: هاؤوم اقروا کتابیه، ای اهل محشر بیایید کارنامه من را بخوانید. فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ، در رضایت مندی و شادمانی به سر می برد بر بلندای بهشت مستقر می شود، میوه‌ها آماده و آویزان گفته می شود، کلوا و اشربوا هنيئاً بما اسلفتم فی الايام الخالية، بفرمایید میل کنید این مزد کاری است که در دنیا وقت داشتید و انجام دادید، وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ، اما اونی که کارنامه اش دست چپش است، می گوید: فَيَقُولُ، می گوید: یا لیتني لم أوت کتابیه، کاش این مایه بدبختی را نمی دادند دست من. یا لیتها کانت القاضیه، خضوه، دستگیرش کنید فقولوه، دستبند به دستش بنزید ثم جهنم سلوه، بندازیدش در جهنم. در هر وضو اگر این صحنه را بیاوریم مقابل چشمانمان.

پسرم، محمد جان وقتی سرت را مسح می کنی این را بگو خدایا سرتاپا مرا غرق در رحمت کن. و وقتی پاها را مسح می کنی بگو، خدایا قدم هایم را در پل صراط نلرزان روی جهنم پل باریکی است هرکس از آن پل بتواند رد شود به بهشت وارد می شود. موقف سختی است در هر وضو اگر انسان این احساس به او دست بدهد، وضو کلید نماز است، نماز کلید بهشت است. بعضی از وقت‌ها ما نمی توانیم وضو بگیریم یا اگر بر کسانی غسل جنابت یا غسل‌های واجب دیگری است نمی توانند از آب استفاده کنند. مثل اینکه آب

نیست، وقت نیست یا آب ضرر دارد. آنوقت تیمم میکنند . ما در مجموع هم به وضو هم به غسل و هم به تیمم می گوئیم طهارت. طهارت آغاز این عبادت است.

## «جلسه دهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما درباره وقت است. حضرت امام خمینی فرمود: نماز کارخانه انسان سازی است اگر به همه اجزاء نماز با دقت نگاه کنیم معنای این جمله را خواهیم فهمید. علامه طباطبایی می فرماید: خداوند در قرآن به چیزهایی قسم خورده، نظرش این بوده به ما بفرماید اینها مهم هستند. بیشترین قسم های خدا در قرآن به وقت است. معلوم می شود که گران ترین گوهر در این عالم وقت است. خداوند در قرآن به اجزای وقت به صبح، به چاشت، به ظهر، به عصر، به روز، به سحر قسم خورده است. وَاللَّيْلِ وَالضُّحَى، همین گوهری که ما خروار، خروار به رایگان از دست می دهیم. حدیث داریم هر روز صبح فرشته ای پیش ما می آید و می گوید: مواظب باش امروز هم یک روز تازه است مفت از دست ندهی استفاده کن، نماز یک جوری طراحی شده است که با وقت آمیخته است. قرآن می فرماید: إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا. نماز واجب است وقت دارچرا؟ به خاطر اینکه نماز گزار قدر آن وقت را بداند. حدیث داریم: الدنيا ساعه فاجعلها طاعة، دنیا ساعتی بیش نیست آن را در مسیر طاعت خدا به کار ببرد. نمازها هر کدام وقتی دارند، نماز قبل از وقت باطل است، اول وقت بهترین است، با تأخیر ثوابش کم می شود، قبل از وقت گناه دارد. مگر ما در نماز چه می گوییم، یا شکر خدا را می گوییم یا ستایش می کنیم خدا را، یا از خدا چیزی می خواهیم، این معلوم می شود پدیده وقت خیلی اهمیت دارد.

دست کم وقت برای نماز گزار 2 پیام دارد، پیام اولش برنامه ریزی است. مسلمان ها بی نظم نباشید، بی انضباط نباشید، برای همه نیازهایتان برنامه ریزی کنید. موسی ابن جعفر (ع) فرمود: سعی کنید وقت

خودتان را به 4 قسمت تقسیم کنید، یک قسمت را بگذارید برای خدا، یک قسمت را برای کار، یک قسمت برای دید و بازدید رفت و آمد با افراد مطمئن، یک قسمت هم برای تفریحات حلال و سالم. اما برنامه داشته باشید چه ساعتی نماز، چه ساعتی کار، چه ساعتی تفریح، چه ساعتی خواب، وقت نماز پیام مهمش برنامه ریزی است. یهودی‌ها و مسیحی‌ها در طی این هزار و چند صد سال، فهمیدند مسلمان‌ها برنامه دارند، اصلاً علم نجوم چرا در بین مسلمان‌ها پیشرفت پرشتابی داشت به خاطر 2 مسئله فقهی، یکی وقت نماز، یکی قبله نماز. مسلمان‌ها رفتند دنبال اینکه شبانه روز را به چند ساعت و دقیقه تقسیم کنند، آنقدر که وقت برایشان مهم بود. موضوع دوم در وقت نماز مسئله توجه به آیات الهی است. وقت ترکیب شده است با آیات الهی، با خورشید، با ماه، با روز، شب، طلوع و غروب. متأسفانه از وقتی که رادیو و تلویزیون میدان دار شده اند نماز گزاران هیچ توجهی به زیبایی‌های آیات الهی ندارند. اسلام خواسته هر روز چند بار مردم به طبیعت، آسمان، خورشید و به طلوع و غروب نگاه کنند. وقت نماز صبح آغازش فجر صادق است. فجر یعنی سپیده، صادق یعنی راست. معنیش این است که یک سپیده دروغ هم است حدود بیست دقیقه قبل از اذان صبح یک روشنایی عمودی در سمت مشرق پدیدار می‌شود آنهم خیلی زیبا است ولی هنوز وقت نماز صبح نرسیده است. شب زنده داران در آن وقت نماز شب می‌خوانند بعدش یک سپیدی افقی، پهنه افق را پر می‌کند. ما اصلاً تماشا نمی‌کنیم. خود ما، بچه‌های ما، دوستان ما همه در خواب هستیم، اسلام گفته از خواب برخیزید این شگفتی‌های هستی را که این ستاره‌ها و سیاره‌ها با چه نظمی حرکت می‌کنند تا این زیبایی‌ها را می‌آفرینند. سازنده کیست؟ طراح کیست؟ نقاش کیست؟ ما در این میدان چکاره هستیم؟ این را رادیو اعلام می‌کند، ما هم ساعتان را برای نماز 5 دقیقه به طلوع آفتاب کوک می‌کنیم. اسلام خواسته برخیزیم، نگاه کنیم به عظمت خورشید، نگاه کنیم به زیبایی طلوع آفتاب.

وقت نماز ظهر تمام شدن سایه خورشید است، در مناطقی مثل منطقه ای که ما هستیم کشور ایران سایه شاخص تمام نمی شود به کمترین حدش می رسد. همین را باید بچه های ما تماشا کنند. این سایه که شاخصی از طرف خورشید نوری به آن می تابد و این طرفش سایه دارد اوایل صبح سایه طولانی است، کم می شود، کم می شود، کم می شود به کمترین حدش که می رسد سایه می افتد آنطرف شاخص. این وقت نماز ظهر است. نگاه کنید چه نظم و دقتی در حرکت زمین و خورشید برقرار است.

اکنون دانشمندان و اساتید دانشگاه های تهران پیشگویی می کنند که تحویل سال 90 سال دیگر مثلاً در چه روز و در چه دقیقه و در چه ثانیه ای خواهد بود. این نظم حاکم بر هستی است. نماز گزار باید توجه بکند به اینها، غروب آفتاب، مغرب، نصف شب.

امامان ما نسبت به وقت نماز خیلی حساس بودند. می آمدند تماشا می کردند، مردم ما فقط در روز رمضان که می شود نسبت به حلال ماه حساس هستند. اما ائمه ما هر 12 ماه سال را به حلال ماه حساس بودند. چه دعاهایی را به ما یاد می دادند. وقتی حلال اول ماه را می بینید چه دعایی بخوانید، چه احساسی پیدا بکنید، یکی از نماز هایی که واجب است، نماز آیات است، نماز آیات یعنی آیات الهی، ماه و خورشید، باد و رگبار و طوفان، اینها آیات خدا هستند که به غلط در زمان جاهلیت فکر می کردند اینها خدایان هستند. وقتی حوادثی مثل کسوف و خسوف پیش بیاید وضو بگیرید به نماز بایستید در پیشگاه آفریدگار ماه و خورشید، نه در پیشگاه خود خورشید.

یکی دیگر از مقدمات نماز مکان است. جایی که ما می ایستیم نماز بخوانیم، آن هم شرایطی دارد و آن هم در تربیت ما نقش دارد. جایی که ما می ایستیم مهمترین شرطش این است که مباح باشد یعنی غصبی نباشد، حقوق مردم و نارضایتی مردم در آن نباشد. همان شرطی که در لباس نماز گزار هم است، جایی که ما



می ایستیم نماز بخوانیم، چون ما در نماز احتیاج به تمرکز داریم نباید شیبدار باشد به سمت بالا و پایین، پستی و بلندی داشته باشد، سقف کوتاه باشد، اینها نباشد باشد. سقفش باید به اندازه ای باشد که نمازگذار بتواند بایستد و آرام باشد. سربالایی و سرپایینی و لغزنده، مثلاً روی تشکی که که ابرش زیاد است و ابری است و نمازگذار نمی تواند روی آن قرار بگیرد، یا در قطار، هواپیما، ماشین. مگر در اوقات استثنایی و شرایط عادی نمی تواند نماز بخواند چون یکی از ارکان نماز، نیت و تمرکز است و اینها تمرکز را از بین می برد.

لباس نماز نباید غضبی باشد. حتی اگر نخ دکمه نمازگذار غضبی باشد نماز او باطل است. کسی که به حقوق مردم توجه ندارد، کسی که قشری معامله می کند، کسی که دروغ می گوید در معامله. کسی که می داند معامله اش از نظر شرعی غلط است در آن پول تصرف می کند نماز هم می خواند چطور آن نماز برای او قابل قبول است. لباس نمازگذار از نظر تمیزی باید پاک و تمیز باشد. حتی الامکان رنگ روشن باشد. دکمه هایش بسته و مرتب باشد.

امامان ما می فرمودند: سعی کنید یک لباسی مخصوص نماز داشته باشید و وصیت کنید جزء گفتن قرار بدهد. در آن دنیا لباس نمازگذار به کارتان می آید. الان ما بانوان و دختران در کشورمان چادر نماز دارند خیلی خوب است اما پسران و مردان ندارند، خوشا به حال کسی که یک ابداع و اختراعی را فرهنگ سازی بکنند، یک پیراهن و لباسی را طراحی بکنند، مخصوصاً مدل سازان لباس می توانند این کار را بکنند و تا دنیا هست هرکس از آن لباس به عنوان لباس نماز استفاده می کند آنها در ثوابش شریک باشند، رسم کنیم اینها را، اینها از رهنمودهای امامان ما است. لباس خاص و پیراهن خاص نماز با رنگ روشن و دوخت

جذاب و دل پسند، اینها سازندگی های نماز است، لباس، مکان، وقت. از خداوند می خواهیم در این کارخانه ای که ما را برای تربیت و انسان سازی فرستاده بتوانیم بهره لازم را ببریم.

## «جلسه یازدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به درس 11 که عنوان آن قبله است. این جمله را زیاد از حضرت امام خمینی تکرار کردیم، فرمود: نماز کارخانه انسان سازی است. وقتی به اجزاء نماز دقت می کنیم این را فهم می کنیم، یکی از مقدمات نماز قبله است، قبله به معنای جهت است. قرآن کریم می فرماید: ما برای همه امت ها یک قبله قرار دادیم، ما قرار دادیم، وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلَّىٰهَا، برای هر امتی قبله ای است، جهتی است، خداوند تعیین کننده آن قبله است، قبله به این معنا نیست که خداوند به این سمت است چون خدا همه جا است. أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ، به هر سو رو کنید خدا به همان سو هست. پس قبله برای چیست؟ برای اینکه در برنامه هایمان نظم و جهت داشته باشیم. در عبادت های دسته جمعی نظم داشته باشیم، وقتی تصویربرداری می کنند یک عده ای از نمازگذار، اگر بنا بود هرکسی به هر سمت دلخواه نماز بخواند یک جمعی متشتت به چشم می آمدند، مسخره می کردند غیرمسلمان ها، اما الان وقتی نگاه می کنند هر مسلمانی در هر کجای کره زمین بخواهد نماز بخواند به سمت کعبه، دایره های فوق العاده زیبایی تشکیل می شود همه به یک نقطه، آن نقطه کجاست، سرزمین بندگی منادی توحید ابراهیم، منادی تسلیم اسماعیل، مادر نمونه هاجر، هر وقت به نماز می ایستد یاد می کند از این شخصیت های بزرگ، ابراهیمی که خداوند فرمود او اسوه و الگوی خداپرستان است. ابراهیمی که به خاطر خدا از آسایش خودش گذشت، از منطقه خوش آب و هوای حاشیه دریای مدیترانه آمد به سرزمین بی آب و علف مکه، به خاطر اینکه فرمان خدا را اطاعت کند. خداوند به او فرمود: همسر و کودک را همین جا بگذار و برو، ما وقتی نماز می خوانیم به اینها باید دقت کنیم، قبله کجاست؟ چرا به این سمت می ایستیم؟ هاجر و کودک ماندند و ابراهیم به دنبال مأموریت الهی است. مادر دید

کودک تشنه است پرپر می زند، دوید تا این بلندی، برگشت تا بلندی دیگر، 7 بار این مسافت سیصد و چند متری صفا و مروه را رفت و برگشت، این دفعه پریشانی این مادر به اوج رسیده بود که یک وقت نگاه کرد زیر پاهای طفل آب می جوشد. و بعدها که این مادر از دنیا رفت کنار کعبه به خاک سپرده شد و خدا پرستان و حاجیان مأمور شدند همان طور که دور کعبه طواف می کنند، دور قبر این مادر هم طواف کنند، چه معانی در قبله است، قبله مسلمان ها در مکه بیت المقدس بود، بیت المقدس هم جای مقدسی است، همیشه بوده و همیشه خواهد بود. چرا همیشه از روزاول به سمت کعبه نماز نخوانده اند؟ به خاطر اینکه کعبه پر بود از بت ها، هم داخل کعبه، هم بام کعبه هم دورتادور کعبه، به تعداد روزهای سال بت بود، اگر مسلمان ها به سمت کعبه می ایستادند متهم می شدند به بت پرستی، تا 13 سالی که مسلمان ها در مکه بودند به سمت بیت المقدس نماز می خواندند، در مدینه هم تا چند سالی به سمت بیت المقدس نماز می خواندند تا اینکه یهودیان طعنه می زدند و می گفتند اسلام یک شاخه ای از یهود است دین مستقلی نیست دلش این است که قبله مستقلی ندارند. پیامبر عظیم اسلام هم غصه می خورد و شبها می آمد به آسمان نگاه می کرد و سخنی نمی گفت. آیه نازل شد قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ، ما می بینیم نگاه کردنت را به آسمان، می دانیم نظرت این است که یک قبله مستقل می خواهی، فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا، به زودی یک قبله ای که تو را راضی کند به تو خواهیم داد. در یک نماز ظهری که پیامبر 2 رکعت از نماز ظهر را خوانده بود، جبرئیل را خداوند فرستاد و کتف های از سمت بیت المقدس به سمت کعبه چرخاند زائران بیت الله حرام وقتی به مدینه می روند از جاهایی که بازدید می کنند یکی مسجد 2 قبله ای است مسجد قبلتین. و آیه نازل شد ای پیامبر از این به بعد به سمت کعبه نماز بخوان و ای مسلمان ها در هر کجایی که هستید به سمت مسجد الحرام نماز بخوانید. علاوه بر نماز خواندن هم مستحب است که مسلمان ها وقتی می خواهند

غذا بخورند یا بخوابند به سمت قبله باشد. این جهت داشتن در زندگی را از آن غافل نباشند. معنای قبله این است که من رنگ دارم، جهت دارم، خنثی نیستند بعضی از اوقات انتخابات که می شود یا در مسائل سیاسی می گوید من بیرنگ هستم برای من فرقی نمی کند حسین یا یزید. فکر می کند جهت ندارند او هم جهت دارد، کسی نیست در این دنیا مگر اینکه جهت دارد. ولی قرآن می خواهد از ما یک جهت شفاف روشنی را اعلام بکنیم همین که می ایستیم به سمت قبله یعنی سمت و سوی ما ابراهیمی است. سمت و سوی ما اسماعیلی است. سمت و سوی ما هاجری است. ما مخالف مشرکان هستیم. در احکام فقهی آمده بعضی از کارها مثل دستشویی رفتن رو به قبله و پشت به قبله گناه است و حرام است. یک حرمتی دارد کعبه و قبله، درباره آموزش قبله هم بد نیست چیزهایی را بدانید، بخصوص کسانی که به مسافرت می روند برای پیدا کردن قبله، می توانند قبله نما همراه داشته باشند. اگر نمی توانند داشته باشند، 6، 7 نوع راه وجود دارد برای پیدا کردن قبله. در شب، در روز، در رساله های عملیه آمده مثلاً از راه محراب مساجد، از راه قبرهایی که در قبرستان های مسلمانها است چون آنها را به سمت قبله می خواباند و یا از راه شیری که در ستاره ها، کهکشان راه شیری بالای سر ما هست به سمت قبله است یا ستاره قطبی، یا در روز از طلوع و غروب خورشید اگر بتوانیم مشرق و مغرب را تشخیص دهیم قاعدتاً شمال و جنوب را هم می توانیم تشخیص دهیم و قبله ایرانی ها به سمت جنوب غرب است. دقتی هم که به صورت قبله نما باشد لازم نیست حدوداً به سمت قبله بایستیم نماز ما درست است. باید پرسش بکنیم قبله را و مطمئن بشویم به چه سمتی است به همان سمت نماز بخوانیم. و اگر کسی پرس و جو کرد قبله را و بعد از نماز متوجه شد نمازهایی که خوانده به سمت قبله درست نبوده از نظر فقهی حکمش این است که حالا که پرس و جو کرده اگر تا 90 درجه به سمت راست و 90 درجه به سمت چپ انحراف داشته آن نمازش قضا ندارد، اما اگر بیش از این

اندازه با قبله ای که باید به سمتش نماز میخواند اختلاف دارد مجدداً آن نمازها را باید قضا بکند و همسرش هاجر در هر نمازی یاد می کنیم جهت ما جهت ابراهیم است. همان شخصیتی که با بت ها مبارزه کرد، شخصیتی که تنهای تنها بود و قرآن اسم او را گذاشته یک ملت و ابراهیم یک امت بود، یک ملت بود. حتی خانواده خودش، بستگانش، فامیلش با او مخالفت می کردند، با آنها بحث می کرد، احتجاج می کرد، مناظره می کرد و وقتی تنهای تنها شد مبارزه را رها نکرد، روز تعطیل به بتخانه آمد، بتها را شکست و تبر را به گردن بت بزرگ انداخت. و وقتی آمدند گفتند که چه کسی ممکن است این کار را کرده باشد. گفتند یک جوانی که نامش ابراهیم است. ما در هر نمازی اینها را باید یادآوری کنیم.

به این سمت نماز بخوان یعنی این شخص را این، شخصیت او را، زندگی او را، آرمانهای او را فراموش نکن، مسلمانان باید در عبادت رو به کعبه بایستند، حتی کارهای خودشان را، خورد و خوراک خودشان را، حتی غذایی که مسلمانها می خورند گوسفندی ذبح می کنند، گاوی ذبح می کنند به سمت قبله باید باشد تا گوشتش حلال باشد و قابل خوردن باشد. آری کعبه یادگار مبارزات، ابراهیم، اسماعیل، هاجر، محمد(ص) و حضرت مهدی (عج) امام زمان از این نقطه ظهور خواهد کرد، امام زمان(ع) در ظهری بعد از اینکه نماز را می خواند آن پیام جهانی خودش را در حالی که هم تصویرش در همه دنیا دیده می شود و هم سخنش شنیده می شود از این نقطه امام زمان (ع) حرکتش را آغاز خواهد کرد یکی دیگر از مقدمات نماز اذان است که بعد به آن می پردازیم.

## «مجلسه دوازدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به بحث اذان، مدتی بود مسلمان ها نزد پیامبر رفت و آمد می کردند و می گفتند مسیحی ها برای فراخوان و اجتماعشان یک علامتی دارند به نام ناقوس، یهودی ها هم یک علامت دیگری دارند به نام طبل، زرتشتی ها هم برای فراخوان از آتش استفاده می کنند، ما مسلمان ها یک آرم، نشانی یا نمادی باید داشته باشیم، رسول خدا (ص) فرمود: باید از آسمان دستورش بیاید، یک روزی استراحت می کرد پیامبر سرش بر دامن امیرالمومنین (ع) بود که جبرئیل نازل شد و اذان را آورد، اولین کسی که بعد از پیامبر اذان را آموخت امیرالمومنین بود، پیامبر چشمانش را باز کرد و گفت علی جان شنیدی؟ عرضه داشت: بله رسول الله، یاد گرفتی؟ بله یا رسول الله، فرمود: برو بلال را خبر کن و اذان را به او بیاموز او باید موزن من باشد، که در این حرکت پیامبر خیلی حرف است، چرا این شخصیت را انتخاب کرد؟ چرا بلال را انتخاب کرد؟ آیا می خواست به برده ها شخصیت بدهد؟ آیا می خواست به سیاهان شخصیت بدهد؟ آیا می خواست به کتک خورده ها و کسانی که در انقلاب زجر کشیده بودند کرامت قائل شود، آیا می خواست متکبران را سیلی بزند، آیا می خواست بفهماند ایمان و تقوا شاخص هستند و تا پایان عمرش فرمود فقط بلال باید اذان گوی من باشد، گاهی که به سفر جهاد یا سفر دیگری می رفت بلال را با خودش می برد در شهر موزن دیگری را می گماشت، اذان چیست؟ اذان سرودی است سکوت شکن، موزون، کوتاه، پرمحتوا، سازنده که دربردارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی مسلمانان است.

چند سال قبل نمایندگان همه ادیان در سازمان ملل متحد جمع شدند، حدود 700 نفر بودند، از ایران هم یک گروهی به سرپرستی آیت الله جوادی آملی و همراهی آقای دکتر حداد عادل حضور پیدا کردند،

می‌خواستند افتتاحیه را داشته باشند برای اجتماع نمایندگان ادیان، همه‌ادیان، ادیان آسمانی و زمینی، بالاخره تصمیم گرفتند افتتاحیه را بدهند به مسلمان‌ها. مسلمان‌ها هم نمایندگانشان نشستند فکر کردند، چه مراسمی؟ چه حرفی بزنیم؟ به این نتیجه رسیدند که یک سیاهی اذانی بگویند یادآور اذان بلال حبشی، و افتتاحیه مجمع نمایندگان ادیان در سازمان ملل با اذان شروع شد، حدیث داریم تنها سرودی که از زمین به آسمانیان می‌رسد اذان است، اذان گوها در روز قیامت با قامتی بلند، بلندتر از دیگران وارد محشر می‌شوند، افتخار می‌کنند به اذان گو بودنشان، اذان صدایی است که طبق حدیث شیطان‌ها را به فرار دلهره وامي دارد، سفارش شده در خانه‌ها پسران نماز بخوانند و اذان بگویند و پدر و مادرها آنها را تشویق کنند، در ایران هزاران هزار مجتمع داریم اگر صدای نوجوان‌های پسر به اذان بلند شود، ما گاهی می‌بینیم که مسابقات اذان هم در بین دانش‌آموزان است اما وقتی از آنها می‌پرسیم که در خانه تان اذان می‌گویید می‌خندند، می‌گویند نه رسم نیست اگر ما اذان بگوییم به ما می‌خندند. اذان گویی در جامعه ما کم است. حدیث داریم در آخرالزمان یک روزگاری می‌رسد که مردم اذان گفتن را ترک می‌کنند و به عهده طبقات پایین می‌گذارند، عار می‌دانند اذان گفتن را، امیر المومنین (ع) افتخار می‌کرد به اینکه بنده خدا است، خودش اذان می‌گفت.

فرازهایی که در اذان است 4 مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**، **اللَّهُ أَكْبَرُ** از شعارهایی است که در صدر اسلام قدرت و قوت و وحدت می‌بخشید، در هنگامه شادی و غم اذان می‌گفتند، در پیروزی‌ها اذان می‌گفتند، دشمن که حمله می‌کرد مسلمان‌ها کم بودند با **اللَّهُ أَكْبَرُ** به خودشان روحیه می‌دادند، **اللَّهُ أَكْبَرُ**، خدا بزرگ است بزرگتر از هرکس و هرچیز. هرچه وصف شود. **اشهد ان لا اله الا الله**، سه فراز اذان گواهی دادن است. یعنی مسلمان‌ها، هر روز و هر شب اعتقادات خودشان را به زبان جاری می‌کنند، هم به خودشان تلقین



می‌کنند و هم برای دینشان تبلیغ می‌کنند به دیگران اعلام می‌کنند، خجالت نمی‌کشد بگویند من مسلمان هستم، آی مردم دنیا بدانید من مسلمان هستم، به خدای یکتا و پیامبر اسلام و امیرالمومنین عقیده دارم، با صدای بلند. چون ذکرها را به ما توصیه شده که با صدای متوسط باید گفته شود اما بعضی از ذکرها که حالت شعار دارد مثل اذان یا تکبیر با صدای بلند باید باشد. امیرالمومنین در مسجد اذان می‌گفتند به علی الصلاة، یعنی به بلندترین صدای خودش.

مایه تاسف بعضی از همسایه‌های مسجدها گلایه می‌کنند، با اینکه صدای اذان هم صدای نرمی است که شاید تا چند تا خانه هم آنورتر نمی‌رود. چرا آن مساجدی که صدای گوش‌خراش و اذیت‌کن دارد باید صدا را آرام کنند. ولی اذان باید در جامعه اسلامی شبانه روز چند بار منتشر شود بعد در 3 فراز می‌گوییم حی، خود و دیگران را به نماز سفارش می‌کنیم، حی علی الصلاة، بشتابید به سوی نماز، حی علی الفلاح بشتابید مسلمان‌ها به سوی رستگاری، حی علی خیر العمل، بشتابید به سوی بهترین کار، باز می‌گوییم الله اکبر، الله اکبر و با کلمه توحید که در حدیث داریم هیچ چیزی در روز قیامت وزن اعمال صالح را بیش از لا اله الا الله سنگین نمی‌کند و اذان به پایان می‌رسد.

زندگی نامه اولین مؤذن اسلام را برایتان نقل می‌کنیم، شاید یک فیلم سازی این را بشنود و آنرا تبدیل به فیلم کند. از اینجا شروع می‌کنیم که لشکر ابرهه وقتی به خانه خدا حمله کرد با لشکریان خدا تار و مار شدند یک تعدادی گفته اند که از آن لشکر توانستند فرار بکنند. روستاها و شهرهایی که بین راه بودند خبر متلاشی شدن لشکر ابرهه را شنیده بودند و شنیده بودند یک جمعی هم فرار کردند می‌آمدند در مسیر راه قرار می‌گرفتند و یک ضربه ای به آنها می‌زدند. تا اینکه یک روستایی در بین راه بود در آن روستا مردی

زندگی می کرد به نام مرد خوش شانس، در آن روستا اسمش به خوش شانشی سر زبان ها افتاده بود، این مرد هم آمده در مسیر لشکر شکست خورده ابرهه، آن قافله رسید و جلوی یک شتر بود، روی شتر کجاوه ای بود و افسار شتر هم به دست برده سیاهی بود. این مرد خوش شانس گفت که این سهم من از غنائم، بقیه هم گفتند قبول است. این شتر را آورد و نرسیده به خانه گفت ببینیم که در آن کجاوه چیست؟ آن پرده کجاوه را کنار زد و دید که یک دختر زیبا رو در آن نشسته، گفت تو کی هستی؟ گفت من حمامه هستم یعنی کبوتر، گفت چه کسی هستی؟ گفت دختر برادر ابرهه هستم. مرد خوش شانس هم اون خانم زیبا رو و شتر و برده سیاه را آورد به خانه خودش همسرش وقتی نگاهش افتاد به این دختر زیبا خلش تنگ شد و به همسرش گفت خانم ناراحت نباش من این را فردا می برم به مکه و بفروشم و با پول آن زندگی خودم را سامان بدهم، فردای آن روز دختر را برد به مکه یک ثروتمندی بود در مکه به نام خلف، به او گفت یک همچین چیزی برایت آورده ام می خری؟ گفت بله که می خرم، چقدر می فروشی؟ به تفاهم رسیدند و پول دختر را داد به مرد خوش شانس، مرد خوش شانس وقتی داشت خداحافظی می کرد گفت: ببخشید میخواهی با این دختر چکار کنی؟ گفت به تو چه، تو دیگر این را فروختی، می خواهم این را بکشم، به بدترین شکل می خواهم شکنجه اش دهم تا انتقامم را از ابرهه گرفته باشد. گفت: این دختر که گناهی ندارد اگر مرد بودی باید با ابرهه می جنگیدی، گفت تو دیگر فضولی نکن. آقای خلف بردگانی داشت، رئیس بردگانش جوانی بود به اسم رباح، در کوهستان زندگی می کرد او را صدا کرد و به او گفت این دختر را ببر و هر صبح و شام او را تازیانه بزن تا بمیرد، رباح هم گفت باشد. غروب بود که رباح و حمامه رسیدند به کوهستان آنجا کشاورزی می کرد و خیمه ای هم داشت در آن زندگی می کرد، زندگی ساده ای داشت. به خانم گفت که تو در خیمه بخواب من هم در سینه کش کوه می خوابم تا ببینیم چه

می‌شود، هیچ کدام خوابشان نمی‌برد، دختر خوابش نمی‌برد و میگفت ما چی فکر می‌کردیم، چی شد، فکر می‌کردیم این سرزمین را فتح می‌کنیم و یمن گسترش پیدا می‌کند اما شکست خوردیم، رباح هم به ستاره‌ها نگاه می‌کرد و برده‌درستکار و امینی بود. گریه می‌کرد، می‌گفت خدایا یک عمری من پاک بودم الان وقت آلوده شدنم رسیده این دختر نزدیک من است و کمکم کن پاک بمانم. بالاخره هردو خوابشان برد. فردا صبح آقای رباح آمد پیش خانم و گفت من یک جایی را برای تو آماده می‌کنم دورتر از اینجا، تو آنجا زندگی کن من هم برای تو غذا می‌آورم، هرچه فکر کردم می‌بینم نباید من تو را بزنم البته اگر ارباب آمد بگو که من را می‌زند، ۶ ماه از این ماجرا گذشت مهر این برده سیاه آمد بر دل آن دختر زیبا روی کاخ نشین و پیشنهاد ازدواج داد خانم به آقا و بر اساس همان آداب و رسوم همان وقت با هم ازدواج کردند و ۹ ماه گذشت که آقای خلف پسر دار نمی‌شد و نذر کرده بود که اگر صاحب پسر شود یک جشن تولدی برای پسرش بگیرد و همه اهل مکه را دعوت کند. یک پسری پیدا کرد به نام أمیه بن خلف، جشن تولدی برایش گرفت یکی از دعوت شونده‌ها هم رباح بود رئیس بردگان بود. رباح آن شب خیلی دیر آمد، ارباب از او پرسید تو آدم منظمی بودی چرا امشب دیر آمدی؟ گفت آقای ارباب شما دیروز و پریروز چه احساسی داشتی؟ گفت دیروز و پریروز در انتظار تولد یک فرزند بودم. گفت خوب من اکنون همچین حالتی دارم. فردای آن روز در آن کوهستان پسری به دنیا آمد که نامش را بلال گذاشتند. بلال امانت داری و پاک دامنی را از پدر، سواد و علم را از مادر به ارث برد. روزگاری گذشت، خلف از دنیا رفت و به جایش پسرش أمیه جایش را گرفت، رباح هم رفت و به جای آن پسرش شد رئیس بردگان، یک روزی آمد مکه دید یک جوانی را خوابانده اند و شلاق می‌زنند، از یک نفر پرسید این کیست؟ گفت او عمار یاسر است، پرسید چرا کتکش می‌زنند؟ گفت او مسلمان است، پرسید مسلمان چیست؟ گفت مگر نشنیدی که یک

پیامبری تازه ظهور کرده به نام محمد (ص)، گفت آدرسش را می شود به من بدهی، گفت بله و او آدرسش را داد، آن شب بلال برنگشت به کوهستان و آن آدرس را پیدا کرد و وقتی در زد خیلی زود در رویش باز شد و آمد خدمت پیامبر و اسلام را شنید و پذیرفت و مسلمان شد. اربابش وقتی شنید که او مسلمان شده آمد سراغش گفت که خبرِ مسلمانی تو در شهر پخش شده، میدونم شایعه است و تو مسلمان نشدی، گفت یک هفته به تو وقت می دهم، گفت نه یک هفته وقت نمی خواهد من مسلمان شدم تو هرکاری که می خواهی بکن. چه نقشه هایی اُمیة برای بلال ریخت، دستور داد در میدان شهر لباس هایش را از تنش در بیاورند تمام بدنش را شیره خرما بمالند، یک پارچه توری روی بدنش بکشند، کندوهای زنبور را زیر آن تور رها کنند بعد از لحظه ای تمام بدنش را گزیدند، آب صورتش ریختند تا به هوش آمد، ریگ های داغ بیابان را آماده کردند به دست هایش طناب بستند از صورت این بدن تاول زده را روی این ریگ ها می کشاندند و هرچه به او می گفتند بگو صنم یعنی بت می گفت احد یا می گفت صمد.

## «مجلسه سیزدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به درس 13 که موضوع آن نیت است. آغاز نماز، از قلب شروع می‌شود، حدیث داریم القلب حرم

الله، قلب حرم خدا است، فلا تسکن حرم الله غیر الله، در حرم خدا جز خدا را راه ندهید، نماز برای

ارتباط با خدا است، برای انس با خدا است، از دل شروع می‌شود، جوهر انسان، دل انسان است، قلب

انسان است، نیت که در تمام عبادات است، در وضو، در غسل، در تیمم، در نماز، در روزه، در

خمس، در زکات، در حج، در جهاد هر جا عبادتی باشد نیت، رکن آن است، اساس آن است، نیت به

پرنده ای می ماند که 2 بال دارد، یک بال آن، یعنی توجه دارم که چکار می کنم، مثلاً اگر کسی

پرسید چکار می کنید؟ می گوید وضو می گیرم، شما چکار می کنید؟ نماز می خوانم، شما چکار

می کنید؟ غسل می کنم. انقدر سرگردان و حیران نیست که شک داشته باشد که نمی دانم داشتم

وضو می گرفتم یا دست و صورت را می شستم. یک بال نیت یعنی توجه به عمل است، آقا چکار می

کنید؟ نماز می خوانم، چه نمازی؟ نماز ظهر، در حضر یا سفر؟ نه چهار رکعتی است در حضر هستم،

قضا یا ادا؟ اینها را توجه داریم، به اینها می گوئیم نیت، یعنی توجه داشتن به اینکه چه می کنیم، بال

دیگر نیت راجع به قصد ما است، برای چه این کار را انجام دهیم؟ قربه الی الله، این نماز را می

خوانم برای نزدیک شدن به خدا، برای جلب رضایت خدا، برای اطاعت فرمان خدا، انگیزه دیگری

ندارم، برای خنکی و گرم شدن به مسجد نیامده ام. برای خوش آیند رئیس و فرمانده و مدیر نماز

نمی خوانم. از ترس نماز نمی خوانم، برای خودنمایی و نشان دادن خود نماز نمی خوانم، نه انگیزه

ای جز خدا ندارم، فقط برای خدا. اگر نماز و عبادت برای خدا یا دیگران باشد شرک می‌شود، فقط برای دیگران باشد کفر می‌شود. فقط برای خدا، اخلاص است.

پس نیت 2 بال دارد، بال اول توجه به اینکه چه می‌کنیم، بال دوم توجه به اینکه به چه قصدی این کار را انجام می‌دهیم. نماز می‌خوانم قربه الی الله، این نیت اولین واجب نماز است. در نماز واجب های زیادی است. اولش از دل شروع می‌شود. قبل از نیت، وضو، اذان، قبله و لباس و مقدماتی بود. اما نماز که آغاز می‌شود از دل شروع می‌شود. خدایا رو به تو آورده ام می‌خواهم با تو حرف بزنم، می‌خواهم تو را ستایش کنم، می‌خواهم از نعمت های تو قدردانی کنم، می‌خواهم در زندگی از تو کمک بگیرم و قصدی جز تو ندارم. نیت اگر با اخلاص همراه باشد الطاف الهی را جذب می‌کند، قرآن می‌فرماید: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا، کسانی که در راه ما، به خاطر ما تلاش می‌کنند ما راه های خودمان را به آنها نشان می‌دهیم.

در قرآن کریم حدود 70 بار کلمه فی سبیل الله آمده، در راه خدا. امام صادق (ع) فرمود: نیتِ خالص شرط قبولی عمل است. فرمود از قول خداوند متعال: لَمْ أَقْبَلْ إِلَى مَا كَانَ خَالِصًا لِي. جز عمل خالص را من قبول نمی‌کنم. در حدیث دیگری امام صادق (ع) فرمود: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِالْقَلِيلِ مِنْ عَمَلِهِ أَظْهَرَ اللَّهُ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا أَرَادَ، هر که ولو کار کوچکی را به خاطر خدا انجام دهد خداوند آن کار کوچک را بزرگ جلوه می‌دهد و مَنْ أَرَادَ النَّاسُ بِالْكَثِيرِ مِنْ عَمَلِهِ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَقْلُلَهُ فِي عَيْنِ مَنْ سَمِعَهُ؛ اما اگر کسی کار زیادی را ولی به خاطر مردم، به خاطر سخن مردم، به خاطر ستایش مردم انجام دهد خداوند آن کار را در چشم و گوش شنودگان و بینندگان کوچک و قلیل می‌کند، حتی روایات به ما می‌گویند: شما می‌توانید با نیتان در کارهای زیادی سهیم و شریک باشید. همین اندازه در نیت، که راضی هستیم به راه امام حسین (ع)، به کار امیرالمومنین (ع) می‌توانیم با همین نیت در ثواب شهدای جمل یا شهدای کربلا شریک شویم، نیت یعنی یک حرکت قلبی انقدر برای ما سرمایه می‌آورد در جنگ جمل یکی از یاران امیرالمومنین (ع) ناراحت بود، امام از او پرسید ما که پیروز شدیم چرا ناراحتی؟ گفت به خاطر اینکه یکی از دوستانم توفیق پیدا نکرد در شرکت

کند، امام این سوال را از او پرسید: أَهْوَىٰ أَحَبُّكَ مَعَنَا؟ آیا دل برادر تو با جبهه ما است یا با جبهه مقابل ما است. گفت نه آقا با قبله ما است. از دوست داران شماس، فرمود نه تنها این دوست تو بلکه تمام کسانی که در آینده ها خواهند آمد الان در شکم مادران یا پشت پدران هستند ولی چون راضی به کار ما هستند، نیتشان این است که راه ما را، کار ما را دوست می دارند آنها نامشان در این عملیات ثبت شده است. و لقد شهدنا فی عسکرنا هذا قوم فی أصلا بالرجال و أرحام النساء سیرعف بهم الزمان ، و یقوی بهم الإیمان ، نیت خیلی مهم است.

حدیث داریم روز قیامت آن نمازهایی را که ما نیت درست داشتیم مورد قبول واقع می شود، حتی از نماز مقداری که ما توجه داشتیم و نیت داشتیم مورد قبول قرار می گیرد. امیر المومنین فرمود: أَخْلَصُ لِلَّهِ عَمَلُكَ وَ عِلْمُكَ وَ بُغْضُكَ وَ اخْذُكَ وَ تَرْكُكَ وَ كَلَامُكَ وَ صُمْتُكَ نه تنها نمازت را، تمام کارهای خودت را رنگ الهی بزن. کارت را، دانشت را، کینه ات را، گرفتنت را، نگرفتنت را، سخن گفتن را ، سکوت کردنت همه برای خدا باشد. این می ماند برای تو، روز قیامت کاری که ما برای خدا کردیم می ماند، عبادتی که ما برای خدا کردیم می ماند، خدمتی که ما برای خدا کردیم می ماند، قرآن می فرماید: انفقو فی سبیل الله، جاهدوا فی سبیل الله ، هاجرو فی سبیل الله، قاتلو فی سبیل الله، قتلو فی سبیل الله، جهاد در راه خدا، قتال در راه خدا، هجرت در راه خدا، انفاق در راه خدا، اینها نیت هستند.

نیت یک بعد دیگری هم دارد و آن تمرکز است. یعنی نماز گزار از آغاز تا پایان نماز باید تمرکز داشته باشد، توجه داشته باشد، نه اینکه زبانش الفاظی را تکرار بکند اما دلش جای دیگری باشد. معروف است خیلی ها می گویند: در نماز گمشده ها را پیدا می کنیم، در نماز برنامه ریزی می کنیم، در نماز تصمیم گیری می کنیم. روز قیامت تاسف خواهیم خورد. در خدمت استاد عزیز جناب آقای قرائتی می رفتیم کربلا، غروب هنگام رسیدیم کرمانشاه، ایشون فرمودند که خوب بریم یک مسجدی در کرمانشاه نماز بخوانیم،

یک پسری داشت در حیاط مسجد وضو می گرفت، تا دید آقای قرائتی آمد وضو را نیمه تمام گذاشت و آمد پیش حاجی آقا و پرسید حاج آقا یک سوال، چه کنیم تا که در نماز حضور قلب داشته باشیم، گفتند برو وضویت را بگیر من بعد از نماز با شما صحبت می کنم. وارد مسجد شدیم و امام جماعت به استقبال آمد و گفت آقای قرائتی من 2 سال دنبال شما می گردم و یک سوالی دارم، گفت محرمانه است. ولی انقدر بلند پرسید که من فهمیدم، گفت چه کنیم که در نماز حضور قلب داشته باشیم؟ معلوم شد مشکل معلم و شاگرد یکی است، مشکل امام و ماموم یکی است. خیلی از ما ها به این مسئله مبتلا هستیم، نماز می خوانیم توجه و تمرکز نداریم، حضور قلب نداریم به قول قرآن می گوید فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، وای بر نمازگزاران که از نماز خود غافل هستند، آقای قرائتی گفتند: باشد من بعد از نماز برای شما صحبت می کنم، بعد از نماز نشستند و تشکر کردند گفتند یکی از ویژگی های مسجد شما این است که مشکل امام و ماموم و سخنرانان یکی است و خندیدند یعنی با این طنز گفتند که یعنی مشکل من هم همین است. بعد 7،8 تا راه گفتند برای تمرکز در نماز و حضور قلب در نماز، این راه ها را هم امامان ما به ما یاد داده اند، یا از آیات قرآن فهمیده می شود، قرآن می فرماید قبل از نماز قرآن بخوانید، اُنْزِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ، خود همین تمرکز می آورد، یا رهنمودهایی به ما رسیده است که اگر می توانید قبل از نماز چند دقیقه سکوت کنید ولو یک دقیقه، سکوت این تمرکز می آورد.

امام مجتبی (ع) فرمود: برای حضور قلب در ایستگاه وضو دقت کنید، پرشتاب، با عجله، با حواس پرتی وضو نگیرید و یک مقداری توجه کنید که می خواهید چکار کنید؟ به پیشگاه خدا می خواهید بروید. امامان ما در وضو گریه می کردند رنگشان زرد می شده، از آنها می پرسیدند چرا؟ می گفتند الان وقت امانت الهی رسیده، همان امانتی که خدا به آسمان ها و زمین عرضه کرد و آنها گفتند نه ما طاقت نداریم. در احکام



فقهی آمده است که نماز را در جایی بخوانید که حواستان پرت نشود. نماز در آشپزخانه کراهت دارد. چون در آشپزخانه چه خبر است؟ خانم منزل غذایی پخته که تمرکز را از بین می‌برد و این دنبال این است که نماز را زود تمام کند و سر سفره بنشیند. روبروی آتش کراهت دارد. روبروی انسانی که خوابیده، روبروی انسانی که نشسته. محیطی که عکس در آن باشد، روبروی تلویزیون کراهت دارد، یعنی عامل هایی را که حضور قلب را از بین می‌برد و نمی‌گذارد ما با خدا یک خلوت لذت بخشی داشته باشیم، اینها را باید از بین ببریم و تمرین کنیم، حضور قلب هم یک چیزی نیست که صددرصد به آن برسیم، نسبی است اما باید تلاش کنیم که توجه داشته باشیم به نمازهایمان هم به خاطر خدا و هم با حضور قلب.

## «جلسه چهاردهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث ما درباره نیت است، خیلی نیت اهمیت دارد همان چیزی است که به نماز ما قیمت می دهد به قول استاد عزیز حاج آقا قرائتی می فرماید: اسکناس یک نخ در آن است که اگر آن نخ را بردارید دیگر قیمتی ندارد. آن نخ اسکناس نماز یا عبادات همان نیت است. در این برنامه می خواهیم بگوییم که چه کنیم که عبادات ما به اخلاص نزدیک تر شود و ریا از ما دور شود و ناخالصی از عبادات ما دور شود. اولین رهنمودی که به ما داده اند این است که فکر کنیم که هرچه داریم از خدا است دیگران کاری برای ما نکرده اند و چیزی به ما نداده اند. نعمت هایی که در اختیار ما است، امکاناتی که در اختیار ما است. هستی ما، حافظه ما، سلامت ما از خدا است. پس چرا از دیگران بترسیم. چرا به طمع دیگران کار کنیم. این به ما کمک می کند که کار را با اخلاص انجام بدهیم. همچنین بی ارزشی دنیا، آنهایی که برای دنیا کار می کنند روز قیامت حدیث داریم که به بعضی ها گفته می شود شما برای دنیا کار کردید در دنیا هم اسمتان را به خیابان ها زده اند، بنر زده اند، در تلویزیون و رادیو هورا کشیدند. آنی که برای آخرت کار می کند باید منتظر باشد که در آخرت دستش را بگیرند. کار برای دنیا، کار برای خوشایند در اینجا تمام می شود و خیلی زود ختم می شود. و این هم به ما کمک می کند که به اخلاص نزدیک شویم. قرآن می فرماید: فَمَا رَبِّحَتْ تِجَارَتُهُمْ، کسانی که برای غیر خدا کار می کنند تجارتشان سود ندارد. در حدیث امیرالمومنین می فرماید: لَيْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا، این خیلی بازرگانی بدی است که دنیا را پول کالای خودت بدانی، برای دنیا کار کردن خیلی زود می پرد، خیلی زود تمام می شود، از جمله آیاتی که در قرآن آمده برای بی وفایی دنیا، قرآن می گوید: زهره حیاط دنیا، زهره یعنی غنچه، بعضی معنا کرده اند غنچه

زندگی دنیا، این غنچه برای کسی گل نمی کند به محض اینکه می خواهد بهره برداری کند یک دفعه سخته می کند. تازه حالا که خانه خرید و قسط ها را داد به یک درآمدی رسید حالا می خواهد کیف دنیا را ببرد، لذت ببرد، بیماری ها به سراغش می آید، حوادث به سراغش می آید، دنیا چیزی نیست، قرآن می فرماید: متاع الغرور، دنیای فریب کار، لعب، لهو، بازیگر، بازیخانه، متاع الدنیا، قلیل، بهره کم، اما آخرت چی؟ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ کسی که آخرت را بخواد وَ سَعَى لَهَا سَعْيَهَا، برای آخرت تلاش کند وَ هُوَ مُؤْمِنٌ در حالی که ایمان دارد فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا، چنین کسانی پاداش تلاششان حفظ شده است.

یک راه دیگری هم ما را به اخلاص نزدیک می کند و آن عبرت از دیگران است. گذشته ها بعضی ها برای خدا کار کرده اند و بعضی ها برای غیر خدا و همه شان هم رفته اند و باید درس بگیریم. آنی که برای خدا کار کرد الان از دنیا رفته و آنی که برای غیر خدا کار کرد هم از دنیا رفته، کدام برنده هستند؟ عبرت بگیریم پس نوح با این که پدرش پیغمبر بود رفت سراغ غیر خدا، می گفت: سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي، کوه مرا نجات می دهد و مرا حفظ می کند. نجات داد؟ عبرت بگیریم از کسانی که دنبال غیر خدا رفته اند و الهام بگیریم از کسانی که به خاطر خدا خدمت کرده اند. سرانجام ریاکاران چه شد؟ و کسانی که نیت های پاک داشتند چه سرانجامی پیدا کردند.

پس از نیت می رسیم به تکبیر الاحرام می رسیم، تکبیر یعنی الله اکبر گفتن، اشرام مثل لباس احرام می ماند، از هر راهی بخواهید وارد مکه شوید ایستگاه هایی وجود دارد به نام میقات، لباس هایمان را در می آوریم و لباس دیگری می پوشیم به نام لباس احرام، یعنی لباسی که احترام دارد و با گفتن لبیک، اللهم لبیک وارد حرم خدا می شویم، یک فضایی است که مرز دارد، وارد آن فضا می شویم چیزهایی بر ما ممنوع می شود. حکمت هایی دارد، مثل در آینه نگاه کردن، یا زینت کردن، کشتن حیوان، صید کردن حیوان،

کشمکش، جر و بحث، تعدادی چیزی است که بر ما ممنوع می شود. نماز هم همین طور است تا قبل از الله اکبر می توانستیم هر کاری بکنیم، اما اول نماز را که می گوئیم تکبیر الاحرام با بقیه الله اکبرهایی که قبل از رکوع و بعد از رکوع می گوئیم فرق دارد، تکبیره الاحرام یعنی الله اکبری که با گفتنش ما وارد حرم خدا می شویم، از این به بعد روبرگردان به سمت چپ و راست ممنوع است، حرف زدن ممنوع است، خندیدن ممنوع است، گریستن ممنوع است، غذا خوردن ممنوع است، فقط الان در حرم خدا با پروردگاران باید حرف بزنیم، چه می گوئیم : الله اکبر، الله بزرگتر است، بزرگتر از چی؟ بزرگتر از هرچه، بزرگتر از همه معبودها، بزرگتر از همه معشوق ها، بزرگتر از همه قدرت ها، هرچه فکرش را بکنیم خدا از آن بزرگتر است. رکن نماز است و آغاز نماز است. با بزرگی خدا و با تکبیر شروع می شود. موسی ابن جعفر فرمود: اذا کبرت، وقتی تکبیر می گویی، تکبیر واقعی این است، فاذا کبرت فاستصغر ما بین الارض والسماء تمام چیزهایی که بین زمین و آسمان هست را باید حقیر بشماریم فقط خدا در نزد تو باید بزرگ باشد، امیرالمومنین (ع) در وصف پرهیزگاران می فرماید : عظم الخالق فی انفسهم فصغر مادونه فی اعینهم ، چون خدا در چشم آنها بزرگ است دیگر موجودات، دیگر قدرت ها در دل آنها جایگاهی ندارند. الله اکبر. الله اکبر در نماز زیاد گفته می شود مستحب است قبل از رکوع، بعد از رکوع، قبل از سجده، بعد از سجده، می نشینیم، می ایستیم ، بعد از نماز هم 34 بار الله اکبر، در رکعت سوم و چهارم باز الله اکبر داریم، سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر، الله اکبر شعاری است که در صدر اسلام، در شادی ها در غم ها در پیروزی های نظامی می گفتند و شعار می دادند با صدای بلند می گفتند الله اکبر. از شعائر اسلام است. خاطره ای از امام حسین در این برنامه بگوئیم، امام حسین (ع) خیلی دیر به زبان آمد حضرت فاطمه (س) دلواپس بود. روز عیدی بود که پیامبر عظیم اسلام به نماز عید می رفت و این طفل را روی دوش خود سوار

کرد. پیغمبر نوه هایش را زیاد به مسجد می برد، یا اگر می آمدند مسجد نهی نمی کرد پیامبر، حتی گاهی در مسجد در سجده روی کمر پیامبر بازی می کردند و پیغمبر سجده هایش را طول می داد تا بچه ها بازیشان را بکنند. یک یهودی به خاطر همین منظره مسلمان شد. پیامبر این بچه را روی کتف خودش سوار کرد و حرکت کرد به سمت مصلی نمازگزارانی که می خواستند نماز عید بخوانند تکبیر می گفتند : الله اکبر، بعد زبان این بچه به الله اکبر باز شد. یعنی امام حسین (ع) در این جهان اولین کلمه ای که به زبانش جاری شده الله اکبر است و آخرین کلمه ای که در گودال قتلگاه آن حضرت بر زبان جاری کرد و روح پاکش به آسمان ها پر کشید عرضه داشت پروردگارا راضیم به رضای تو . تکبیر الاحرام (الله اکبر) را باید به زبان عربی صحیح جاری بکنیم. کاری ندارد نوار آموزشی و سی دی آموزشی دارد. باید کاری کنیم که نمازی که عاشقانه و با اخلاص می خوانیم قرائتش را درست جاری کنیم.

## «جلسه پانزدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به سوره مبارکه حمد، ما در نماز که حضرت امام خمینی فرمود: معجونی الهی که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت تضمین می کند، اذکاری را به زبان جاری می کنیم، اولش الله اکبر بود، بعد سوره حمد، مادر قرآن، ام الكتاب، عصاره و چکیده کتابهای آسمانی، امیرالمومنین (ع) فرمود: خداوند کتابهای آسمانی را خلاصه کرده در قرآن و قرآن را خلاصه کرده است در سوره حمد، 7 آیه دارد، به تعداد 7 آسمان، به تعداد روزهای هفته، به تعداد طواف های دور خانه خدا، و به تعداد سعی و صفا و مروه، و رملی که حاجیان در سرزمین منا می کنند، حکمتی در این عدد است. سوره حمد شفاء است، شفاء دردهای جسمی، دردهای روحی، دردهای فردی، اجتماعی، حدیث داریم اگر سوره حمد را بر مرده ای خواندید زنده شد تعجب نکنید. این سوره انسان را زنده می کند. ولی متأسفانه ما با مفاهیم و معانی این آیات خیلی آشنایی نداریم. ابتدا می خواهیم بگوییم قرائت نمازگزار باید به عربی صحیح باشد. در کتاب های رساله های عملیه آمده اگر نمازگزار یک جمله را، یا یک کلمه را، یا یک حرف را، یا یک حرکت را اشتباه ادا کند نماز او باطل است. تلاش کنیم قرائت نمازمان را صحیح و حتی الامکان زیبا بکنیم، قرائت صحیح واجب است برای ما و قرائت زیبا مستحب است. احادیث زیادی داریم که پیامبر و امامان ما فرمودند: قرائت های زیبا داشته باشید در نماز، امام سجاد (ع) فرمود: اگر پیامبر آن قرائتی را که در توانش بود در نماز می خواند مردم غش می کردند. آنقدر جذاب می خواند. ما باید وقت بگذاریم، ما که خدا را دوست داریم، دینمان را دوست داریم، زیبایی را هم که دوست داریم. خودمان خوشمان می آید وقتی یک قرائت زیبا را می شنویم، قرائت صحیح واجب است و قرائت زیبا مستحب است. اکنون هم نوارهای صوتی و cd در بازار

موجود است و در همه مساجد کشور عزیز ما هم استاد قرآن است و روحانیون عزیز هستند و یک مقداری وقت بگذاریم التماس کنیم و شاگردی کنیم 10 جلسه، 15 جلسه قرائت هایمان اگر غلط دارد تصحیح کنیم و اگر نازیبا هست زیبا بخوانیم. همین جا به یک سوال دیگری هم باید جواب دهیم که می گویند چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟ خوب دین ما دین اسلام است و در سرزمین عرب نازل شده. قاعدتاً هر کتابی از آسمان در هر سرزمینی نازل می شود به زبان همان مردم است آن دین برای اون مردم نیست و برای همه اهالی کره زمین است ولی به زبان آنها نازل شده. خداوند حکمتی دانسته که کامل ترین و آخرین دینش را به زبان عربی مبین فرستاده و حدیث داریم که زبان اهل بهشت هم عربی است. عربی زبانی است فصیح، بسیار زیبا، این زبان را اگر می توانیم بیاموزیم و کسانی که زبانشان غیر عربی است مثل فارس زبانها، ترک زبانها، انگلیسی زبانها، باید آشنایی پیدا کنند به زبان دینشان. آیات قرآن که 6236 آیه دارد باید به مفاهیمش فکر کنیم. چگونه فکر کنیم؟ قبل از آن یک حلقه ای وجود دارد، باید بفهمیم، ما ابتدا روی قرائت باید پافشاری کنیم و بعد چرا ما نماز را به عربی می خوانیم؟ دستور دین ما است. نمی شود ترجمه قرآن را بخوانیم، ترجمه قرآن آن گویایی عربی را ندارد علاوه بر اینکه اگر رسم بشود این ترجمه معلوم نیست در دهه های بعد چه بلایی سر نسل های بعد پیش می آید. این کلام، کلام خدا است، کامل و جامع و زیبا و جذاب است.

و یکی از ایده های مترقی اسلام این زبان بین المللی است. الان همین اذانی که ما در دو برنامه قبل گفتیم که اسلامی گوید همه جا به زبان عربی باید اذان گفته شود. اگر قرار بود چینی ها به زبان چینی الله اکبر بگویند، این را می گویند: چینگ چانگ چونگ، خوب یک ایرانی برود چین اگر اذان پخش شود چیزی متوجه نمی شود. اما وقتی گفته شد هر مسلمان در هر کجای دنیا الله اکبر گفت، می گوید اینجا مسلمان ها

هستند و اینجا حتماً مسجد است. چه نظریه متری اسلام در هزار و چند صد سال، الان دنیا به فکر این است که یک ایده ای به نام جهانی سازی در سر دارد. اسلام هزار و چند صد سال می گفته جهان باید یکپارچه شود با یک زبان، چه زبانی؟ همان زبانی که کامل ترین کتابی که از آسمان آمده به آن زبان است. یک زبان مشترک، نمیشود با خدا به غیر عربی صحبت کرد؟ چرا، به ترکی، به فرانسوی، به افغانی، به ایرانی، اما در جاهایی ایستگاه هایی به عربی، همه با هم و در کنار هم. خوب سوره حمد، هفت آیه دارد، آیه اول چکیده هفت آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، امیرالمومنین (ع) فرمود: این خلاصه قرآن است. چهار کلمه بیشتر ندارد اما یک دنیایی حرف در آن است. تعبیر ما این است که انرژی متراکم معنویت در بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ است، به نام خداوند بخشنده مهربان. بِسْمِ اللَّهِ 10 تا معنا دارد ما به 2، 3 تای آن اشاره می کنیم. معنای اولش این است کارم را با کمک خدا آغاز می کنم، فکر کردم و برنامه ریزی کردم نمی دانم در این کار موفق خواهم شد یا نه، اما دلم آرام است به مدد الهی که مرا می شناسد و کارم را می شناسد و دوستم دارد حتماً کمکم می کند. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یعنی به کمک خدا و با توکل بر خدا. یک معنای دیگر آن یعنی به رنگ خدا و به خاطر خدا. خوب به نظر شما ممکن است کسی به خاطر خدا دزدی بکند، به خاطر خدا جنایت بکند. این جمله یک جوری است که در آغاز کارهای مسلمان ها آمده انسان ها را از ناهمواری ها، کثافت کاری ها، از پلیدی ها دور می کند. یک دزد موقع شکستن قفل مردم که نمی آید بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، همه به او می خندند. همین اندازه که می گوید بِسْمِ اللَّهِ حیا می کند، یعنی کار من برای خدا است، به نام خدا است، به جز نام خدا نام چه کسی را ببریم؟ نام پادشاهان را، نام سلاطین را، نام رئیس



جمهور را، آنها همه موجودات ضعیف و محتاجی هستند. یک معنای دیگر بِسْمِ اللَّهِ، چون اسم از سم می آید، یعنی نشانه، می فرماید یک سرویس چینی شما می خرید که 120 پارچه است تمام قطعه های این چینی آرم کارخانه را دارد، از آن نمک پاش کوچولو تا آن دیس، بشقاب، قوری تمامش آرم آن کارخانه را دارد، بِسْمِ اللَّهِ یعنی من بنده خدا هستم. ای اهالی دنیا بدانید من مسلمان هستم، من مومن هستم، من نمازخوان هستم، پیغمبر فرمود در آغاز تمام کارهایتان بِسْمِ اللَّهِ بگوئید کوچک باشد یا بزرگ، پیدا باشد یا پنهان، مادی باشد یا معنوی، می خواهی بخوابی بگو بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، می خواهی غذا بخوری بگو بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، می خواهد کتاب بخواند بگوئید بِسْمِ اللَّهِ، کسب و کارش را می خواهد شروع کند بگوئید بِسْمِ اللَّهِ، حتی فرمودند یک بیت شعر که می خواهد بخواند بگوئید بِسْمِ اللَّهِ. این آرم بندگی است، انسان غصه می خورد گاهی بعضی ها به خاطر چند کلمه چیزی که بلد هستند و یا هنری که آموخته اند مصاحبه می کند عارش می آید بِسْمِ اللَّهِ بگوئید. خبرنگار از او سوالی می پرسد و او بدون بِسْمِ اللَّهِ جواب می دهد. بی کلاسی می داند بِسْمِ اللَّهِ گفتن را. چه خبر است آقا؟ فوق لیسانس است، مگر فوق لیسانس چقدر سواد است. یا بازیگری است در 2 تا فیلم بازی کرده و تصویرش در سایت ها منتشر شده. قوی ترین مرد جهان آقای حسین رضازاده با یک سرماخوردگی می افتد. ما هرچه داریم از خدا است. هستی ما از خدا است، آغاز ما از خدا است. پایان ما از خدا است، سروکار ما با خدا است. افتخار کنیم. امیرالمومنین می فرمود: کافی است برای من این افتخار که من بنده تو باشم.

## «جلسه شانزدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به آیه دوم سوره حمد. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. تمام سپاس ها و تمام ستایش ها مخصوص الله است، چرا؟ یک کس دیگر خدمت کرده و ما باید خدا را ستایش بکنیم؟ چون همه نعمت ها، زیبایی ها و بزرگی ها برای خدا است. این نقاش هم که این نقاشی را به تصویر کشیده، حافظه او، سلامت او، مغز او، اندیشه او، دست او، چشم او از خدا است. این نگاه یک خداپرست است. الْحَمْدُ لِلَّهِ تمام ستایش ها مخصوص خدا است، تمام سپاس ها مخصوص خدا است. رَبِّ الْعَالَمِينَ، پرورش دهنده جهانیان، بیشترین اسمی که از خدا در قرآن آمده است الله است. الله یعنی تمام دعای جوشن کبیر را در یک کلمه خلاصه کنیم آن الله است. در دعای جوشن کبیر 1001 صفت خدا آمده تمام این 1001 صفت در کلمه الله بکار گنجانده شده، الله بیش از 3000 بار در قرآن به کار رفته است. رب چیست؟ رَبُّ نهصد و چند بار در قرآن به کار رفته است و یکی از اسم های زیبای خدا است به معنای صاحب، به معنای پرورش دهنده، به معنای مدبر، به معنای مدیر، خداوند تدبیر امور عالم را به عهده دارند.

بعضی ها در زمان جاهلیت به غلط این طور فکر می کردند که خداوند جهان را آفریده و کنار رفته است. اما انبیاء می گفتند که نه خداوند جهان را آفریده و الان حاکمیت و مدیریت دارد و تدبیر می کند، لحظه ای نظر خداوند از این جهان کنار زده شود همه جهان در هم فرو می ریزند. خداوند پرورش دهنده همه هستی است. ستاره ها، پروانه ها، گنجشک ها، دریاها، آب ها، سنگ ها، خاک ها، کوه ها و انسان، ما سوره حمد را با بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدا شروع کردیم، رسیدیم به شکر خدا، اینها سازندگی های نماز

است، در هر نماز باید فکر کنیم خدا به ما چه نعمت هایی داده و چند نعمت به ما داده است. قرآن می فرماید: و ان تعدوا نعمه الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم اگر بخواهید نعمت های خدا را بشمارید نمی توانید. پس شکر بکنید خدا را، سپاس بگویید خدا را، خدایی که پرورش ما و پرورش دیگر انسان ها و پرورش حیوانات و درختان و بقیه موجودات به دست او است. اوست که برای موجودات اهدافی قرار می دهد و آنها را رهبری می دهد تا به سمت هدف حرکت کند. اما انسان چیست؟ افسوس که انسان ناسپاس است قرآن می فرماید: قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ، مرگ بر انسان، چقدر ناسپاس است. وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا، سوره اسراء آیه 67، انسان ناسپاس است، وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ، ما به انسان نعمت می دهیم رو می گرداند، یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ، چقدر انسان شکایت کرده از ناسپاسی انسان ها، می گوئیم عزیزم نماز خواندی، می گوید قرصش را خوردم، مسخره می کند. خدا نیازی به نماز ما ندارد. او یک کلیدی دست ما داده تا هدایایش را زیاد کند خداوند بیشمار به ما هدیه داده است، اگر بیشتر می خواهیم باید تشکر کنیم قرآن می گوید: لئن شكرتم لازيدنكم، اگر شکر کنید خدا نعمت هایش را می افزاید: لان كفرتم ان عذابی لشديد اگر ناسپاسی کنید عذاب من شدید است. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، آیه بعد الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، 2 اسم از اسم های خدا است. رحمان و رحیم، ریشه اش همان مهرورزی است اما معنای متفاوت است. رحمان یعنی خدا همه را دوست دارد، مسلمان و غیرمسلمان، کمونیسم، شرقی، غربی، سیاه، سفید، همه را دوست دارد این رحمانیت خدا است.

برای همه باران می فرستد، برای همه رزق می فرستد، برای همه گیاهان را می رویاند، برای همه خورشید را می آورد. این رحمانیت خدا است.

رحیم چیست؟ رحیم یعنی یک عده خاصی را که مومنان باشند برای همیشه دوست دارد. رحمان یعنی همه، رحیم یعنی همیشه،<sup>2</sup> جور مهر دارد خداوند، یک مهری نسبت به همه، یک مهری نسبت به جمعی اما برای همیشه. مومنان را خداوند برای همیشه تا صحنه رستاخیز دوستشان دارد. یک مهر خاصی دارد، شما ها هم خیلی هایتان همین طور هستید، یک علاقه عمومی به همه مردم و همه شهروندان دارید و احترام می گذارید، کمک می کنید این می شود رحمانیت. اما یک دوستان خصوصی دارید، فرزندان است، همسران است، برادران است، دوست خصوصیتان است به او یک علاقه خاصی دارید این رحیمیت است، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ امام حسن مجتبی فرمود: پدرم وقتی نماز می خواند وقتی به این آیه می رسید گاهی صد بار تکرار می کرد و می گریست، صاحب روز جزا، خداوند هم مهر داد و هم قهر، البته مهرش بیش از قهرش است. آدم ها اگر فقط به مهر خدا توجه کنند لوس می شوند و به قهر خدا فکر کنند مایوس می شوند. یک توازن و تعادلی بین این دو لازم است.

آیه قبل خواندیم الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، یک مقداری امید پیدا کردیم این آیه ما را می ترساند مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، صاحب روز جزا، ما یک روزی در پیش داریم که همه انبیاء خبر آمدنش را دادند مطمئناً آن روز را خواهد آمد اسمش هست يوم الحساب، يَوْمِ الدِّينِ. پنجاه هزار سال طول آن روز است. انسان ها باید در آن روز عملکرد خودشان را پاسخگو باشند دادگاهی برگزار خواهد شد، میزانی، ترازویی است حاکمی می آید و از ما سوال می کند فکر در آن روز ما را از گناه دور می کند. مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، خداوند مالک دنیا هم هست اما چون در اینجا به ما اختیاری داده و ما فکر می کنیم که کاره ای هستیم، آنجا حقیقتاً ما می

فهیمن که خدا مالک ما و آخرت است. الله واحد قهار، روز قیامت گفته می شود که کار دست کیست؟ همه می گویند که دست خدای مقتدر است.

ما در نماز یاد قیامت می کنیم حدود 1500 آیه در قرآن راجع به قیامت است. یاد قیامت سازندگی دارد، یاد حساب، یاد کتاب، یاد صراط، یاد میزان، بهشت، جهنم، پیامبر عزیز سلام در 13 سالی که در مکه مسلمان تربیت می کردند و خیلی هم دشوار بود با همین آیات سوره های جزء 28، 29 و 30 که غالباً درباره آخرت و قیامت است. لرزه به اندام مسلمان ها می افتاد می گریستند، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، آیه ای درباره جهنم نازل شد، پیامبر گریه کرد نمازگزاران هم گریه کردند گریه مردم خیلی زود تمام شد اما گریه پیامبر ادامه پیدا کرد. گفتند چکار کنیم که گریه ایشان تمام شود، سلمان فارسی گفت: دختری دارد به نام فاطمه که خیلی دوستشان دارد. گفتند برویم و از ایشان بخواهیم تا از پدر بخواهد که گریه را تمام کند. حضرت فاطمه قبول کرد از خانه به مسجد آمد و پرسید پدرجان چرا اینگونه جان سوز گریه می کنی؟ فرمود دخترم، عزیزم، فاطمه جان، امروز جبرئیل این آیه ها را آورد. فاطمه زهرا تا این آیه ها را شنید افتاد و غش کرد، گفتند مشکل 2 تا شد خواستیم پدر را آرام کنیم دختر هم غش کرد. این چه احساسی بوده که اینها راجع به قیامت داشته اند و ما نداریم. ما قرآن می خوانیم اصلاً برایمان فرقی ندارد. آیه بهشت، آیه جهنم، یاسین، الرحمن، چرا ما اینطور شدیم؟ مثل این ماشین های فرسوده ای است که اعلام می کنند 1/5 میلیون می دهند و یک ماشین تازه می دهند با قسط می دهند. نگاه می کنی یک ماشین فرسوده که اصلاً عقربه هایش کار نمی کند، نه عقربه برق، نه عقربه باطری، نه عقربه کیلومتر شمار، روح ما هم گاهی آنقدر می میرد که هیچکدام از این عقربه هایش کار نمی کند چطور امیرالمومنین مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ را

صدبار تکرار می کند اما ما خیلی راحت از کنارش می گذریم اینها سازندگی های نماز است. به نام خدا،

شکر خدا، مهر خدا، قهر خدا.

تا اینجا امام صادق (ع) فرمود سوره حمد 2 قسمت دارد . یک قسمتش اوصاف خدا است که ما به زبان

جاری می کنیم قسمت دومش درخواست های ما از خدا است که ما در برنامه بعد با هم گفتگو خواهیم

کرد.

## «جلسه هفدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به آیات سوره حمد که فرمود اگر سوره حمد را بر مرده ای خواندند زنده شد تعجب نکنید. شفای دردهای انسان است. دردهای جسمی و روحی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، رسیدیم به این آیه **وَإِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**، تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم پروردگارا، امیرالمومنین (ع) فرمود: پیامبران که آمده اند، آمدند انسان را از عبادت غیر خدا به عبادت خدا منتقل کنند، انسان بخواهد یا نخواهد جذب کسی می شود. عشق به کسی یا چیزی می ورزد، کسی را می ستاید، می پرستد، اما اشتباه می کند، انبیاء آمدند بگویند که این پستانک است تغذیه درست نیست برای تو، شیر مادر را انبیاء معرفی کرده اند. بالاخره انسان ها کسی را چیزی را می پرستد، یا ستاره می پرستد، یا خورشید می پرستد، یا طاغوت می پرستد، خودش را می پرستد، پول می پرستد، زن می پرستد، شهوت می پرستد، انبیا آمدند گفتند که ای انسان تو جواهر قیمتی هستی باید خدا را پرستش کنی تا شبیه خدا شوی. پرستش خدا و دیگران کنار هم نه، آن شرک است فقط پرستش خدا، خدایا تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم. ما تا تورا داریم غصه نداریم تو پشتیبان و خالق ما هستی. تو رازق ما هستی، مددکار ما هستی. بعد از این آیه می رسیم به یک دعا، دعایی که در شبانه روز واجب است که هر نمازگزار 10 بار بگوید، **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**، پروردگارا ما را به راه مستقیم راهنمایی بفرما، قرآن برای هدایت آمده، هدی للمتقین، هدی للناس، انبیاء برای هدایت آمده اند و شیاطین کمر می بندند برای گمراهی انسان، این است که ما در انتخاب راه هر روز و شب احتیاج داریم از خدا کمک بگیریم و این دعا را در نمازمان می خوانیم خدایا ما را

به راه راست هدایت کن. در زندگی در انتخاب ها می رسیم به 2 راهی ، 3 راهی ، 4 راهی، انتخاب شغل، انتخاب رشته، انتخاب سفر، انتخاب رفیق، همه اینها خداوند باید دست ما را بگیرد تا درست انتخاب کنیم، در مقابل راه مستقیم راه های غیر مستقیم آنها چه چیزهایی هستند؟ راه هوس ها، یا هوس خودم یا هوس دیگران، در مقابل راه مستقیم که راه میانه و معتدل است راه افراط و تفریط قرار دارد بعضی ها زیاده روی می کنند، بعضی ها کندروی می کنند به بعضی از مسائل و نیازهای زندگیشان توجه دارند از بعضی غافل هستند، ورزش می کند درس نمی خواند، درس می خواند به نماز توجه ندارد، نماز می خواند به خانواده بی توجه است. خانواده غرق می شود در شغل و کسب درآمد کوتاهی می کند. نه به همه نیازها وقتی برسیم این صراط مستقیم است. انسان متوازن و انسان متعادل، راه غیرمستقیم راه وسوسه های شیطانی است. راه غیر مستقیم راه طاغوت ها است راه دنیا طلبی است، راه بدون دلیل و منطق است، راهی است که بجز راه مغضوبان و گمراهان است. پس بالاخره راه مستقیم از نظر قرآن چه راهی است؟ پروردگارا نشانه ای به ما بده.

سوره هود آیه 56 پاسخ می دهد. **إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** پروردگار من بر راه مستقیم استوار است. **انک علی صراط مستقیم** پس معلوم می شود راه مستقیم یعنی راه خدا، راه مستقیم یعنی راه پیامبر، ای پیامبر حقیقت این است که تو بر صراط مستقیم هستی. سوره یاسین آیه 61 **وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ** عبادت من راه مستقیم است. امام صادق (ع) فرمود: **والله نحن الصراط المستقیم** به خدا راه مستقیمی که شما در نماز از خدا می خواهید ما هستیم.



پیغمبر فرمود: بعد از من امت اسلامی 73 فرقه می شود، بعد از حضرت موسی (ع) یهودی ها 71 فرقه شدند. 1 حرفه اهل نجات بودند بقیه به انحراف رفتند. بعد از حضرت عیسی (ع) مسیحی ها 72 فرقه شدند. یک فرقه اهل نجات بودند و بقیه گمراه بودند و در دین من مسلمان ها 73 فرقه خواهند شد و تنها 1 فرقه اهل نجات هستند و آن فرقه را هم پیغمبر توصیف کرده و تعریف کرده و نشانه هایش را بیان کرده فرمود: ان مثل اهل بیتی فی امتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق، مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هر که سوار شد نجات می یابد و هر که ترک کرد نابود خواهد شد امام صادق (ع) این صراط مستقیم ما هستیم نه گروهک ها و گروه های غیر ما، که آنها هم حرف از قرآن و اسلام می زدند ولی در انحراف بودند. جا دارد که در پایان این برنامه در مورد صراط مستقیم تذکراتی را عرض کنیم، تذکر اول این است که راه مستقیم نسبت به اشخاص و زمان ها و شرایط متفاوت است. نمی توانیم یک جمله خاصی را مثل یک نسخه ثابت صادر کنیم. گاهی ممکن است راه مستقیم سکوت باشد. گاهی سخن، گاهی ممکن است بذل مال باشد و گاهی نگهداری، گاهی نثار جان باشد گاهی تحصیل علم باشد. صراط مستقیم در موقعیت های مختلف فرق می کند. یک روزگاری روزگار جهاد است، یک روزگاری روزگار انفاق است. یک روزگاری روزگار عبادت و اعتکاف است.

نکته دوم آنان که در صراط مستقیم هستند و از شرایط و امکانات ویژه ای برخوردارند نباید دیگران را تحقیر کنند پیغمبر فرمود: ایمان 10 درجه دارد بعضی ها در درجه اول، بعضی درجه دوم، بعضی درجه سوم، ظرفیت افراد مختلف است. آنهایی که در درجات بالا هستند مراقب درجات پایین باشند و غرور نداشته باشند.

نکته سوم اینکه بودن در صراط مستقیم مهم است و مهم تر از آن استمرارش هست. به قول قدیمی ها می گفتند انقلابی بودن مهم است اما انقلابی ماندن مهم تر است. یک کسی از امیرالمومنین (ع) پرسید مگر شما در صراط مستقیم نیستید ، فرمود چرا؟ گفت پس چرا باز می گوئید: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؟ فرمود: برای از این به بعد. ما بندگان خدا همیشه محتاج این کمک خواهی از خدا هستیم ، پروردگارا دستم را بگیر و راه را به من نشان بده، چقدر بودن کسانی که در میانه راه ، راه را گم کرده اند و به بیراهه رفته اند.

نکته چهارم این است که تشخیص صراط مستقیم خیلی دشوار است، دشمن می آید راه های مشابه را پیش روی ما می گذارد، گزینه های مشابه، راه های مشابه، این است که ما زیاد باید از خداوند مدد بخواهیم، به امامان توسل پیدا بکنیم، از توکل، توسل برای راه مستقیم زیاد باید کمک بگیریم. در احادیث جملات زیادی آمده که صراط مستقیم را توضیح داده اند امامان ما، می فرمودند که تند روی نکنید، افراط و تفریط نکنید، اینها به دور از صراط مستقیم هستند، بعضی اینگونه هستند که در آرزوها چنان تند می روند که هیچ وقت از این دنیا نمی روند، گاهی دنبال دنیا طلبی می گردند به اندازه ای که حرص تمام وجود آن را می گیرد بعضی تمام وجودشان را امید، بعضی تمام وجودشان را یاس و بعضی شادی و بدمستی، بعضی یاغی گری و سرکشی، نه انسان باید یک توازنی و تعادلی از خوف و رجا ، امید و ترس در آن باشد و در کارهایش نه افراط داشته باشد و نه تفریط ، حتی قرآن کریم می فرماید : عباد رحمان کسانی هستند که إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا بندگان خوب خدا اینگونه هستند که وقتی پول خرج می کنند نه زیاده روی می کنند و نه خساست به خرج می دهد.

بلکه بینابین یک حالت متوازن و متعادلی دارند. همه شما شنیدید که مردی از دنیا رفت اموالی از او به جا مانده بود همه را بخشیده بود به دیگران، فکر می کردند که کار خوبی کرده ، این را به پیغمبر گزارش

دادند، پیغمبر فرمود اگر من میدانستم این خبر را، اجازه نمی دادم ایشون را در قبرستان مسلمان ها خاک کنند. پس برای زن و بچه اش چه چیزی گذاشته است؟ نه بخشش اندازه دارد، انفاق اندازه دارد، ایثار اندازه دارد. توجه به خود، توجه به خانواده، توجه به دنیا و توجه به آخرت، مجموعه اینها اگر متوازن و متعادل باشد این صراط مستقیم است.

## «جلسه هجدهم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات سوره حمد را سوره‌ای که قرآن لقب داده به آن مادر قرآن، سرچشمه قرآن، عصاره قرآن، ام الكتاب، در سوره حمد 2 آیه است آیاتی که ما واجب است در شبانه روز 10 بار حداقل بگوییم. اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ خدا یا ما را به راه راست هدایت فرما، راه راست چه راهی است؟ توضیح می دهد، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ راه آنان که نعمت ویژه ای به آنها مرحمت فرموده، خداوند به همه بندگان نعمت داده اما این موضوع هدایت نعمت ویژه ای است، هدیه خاصی است که خدا به بعضی از بندگان که بخواهند می دهد، أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، کسانی که نعمت ویژه ای را دریافت کرده اند، روشن تر می شود فهمید که چه کسانی هستند؟ سوره نساء آیه 69 پاسخ می دهد، می فرماید: چهار گروه هستند وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ هر که از خدا و رسوب اطاعت می کند با أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ خواهد بود. چه کسانی هستند؟ مِّنَ النَّبِيِّينَ پیامبران وَالصَّادِقِينَ راستان، وَالشُّهَدَاءَ شهیدان وَالصَّالِحِينَ صالحان، وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا عجب رهروانی، عجب رفیقانی، نگاه کنید نماز گزار در هر روز و شب یاد می کند از راه انبیاء، راه شهدا، راه صدیقین، راه صالحان، خودش را چک می کند، خودش را هماهنگ می کند، راه راست است. راهبران چه کسانی هستند؟ پیامبران، صدیقان، شهیدان، صالحان، ما در هر نمازی از این نخبه ها یاد می کنیم، ادامه آیات این است که غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ نه راه آنان که غضب شدگانند و نه راه گمراهان.

در قرآن کریم درباره کسانی آمده که اینها مورد غضب خدا واقع شده اند باید آیاتش را پیدا کنیم چون این یک کلمه است مصداقش را در جامعه در هر روزگاری باید پیدا بکنیم. نکند این جمله را ما هر روز و شب به زبان جاری می کنیم اما خودمان از غضب شده ها و گمراه ها هستیم. باید کلمه گمراه و کلمه غضب شده را در قرآن رصد کنیم و ببینیم که کجاها و درباره چه کسی به کار رفته است. یک امتی بودند که خداوند به آنها عزت و سروری داد، به آنها آقایی داد اما بد کردند مورد غضب خداوند واقع شدند. این را باید در نماز مدنظر بگیریم، بنی اسرائیل چه کار کردند؟ بازاریاشون رباخوار شدند، علماشان رشوه خوار شدند، جوان هایشان بیغیرت شدند، زنانشان هوسران شدند. خداوند به آنها غضب کرد. رفتند دنبال تجملات و دنبال توقعات بیجا و خداوند به آنها غضب کرد. غضب شده ها را در قرآن پیدا بکنیم، در کدام قصه این کلمه آمده غضبه، این کلمه آمده مقت یعنی خشم، این بار برای ما روشن می شود که اقوامی مثل قوم یهود، قوم لوط، پیروان طاغوت ها، منافقان، اینها را قرآن جزء مغضوبین شمرده و همچنین ظالین، گمراهان کسانی که هم خودشان گمراهند و هم دیگران را گمراه می کنند. چطور امکان دارد یک انسان که در مسیر درست حرکت می کند گمراه شود. یک کسی هست که در قرآن 88 بار نامش به عنوان شیطان و 11 بار نامش به عنوان ابلیس آمده، 14 بار خداوند در قرآن فرموده که او دشمن شما است، یکی از کارهای شیطان این است گمراه کردن شیطان قسم خورده به خداوند گفته پروردگارا من در صراط مستقیم کمین می کنم و بندگان را بدبخت می کنم.

خداوند هم فرموده بندگان من آنهایی که خالص باشند فریب تو را نمی خورند، معلوم است اخلاص یک کیمیایی است که نزد هرکس باشد شیطان نمی تواند در آن نفوذ بکند. بعد از سوره حمد می رسیم به سوره دیگر. نمازگزار حتماً سوره حمد را باید در هر نماز رکعت اول و دوم بخواند. حدیث داریم لا صلاة الا

بفاتحة الكتاب، نماز بدون سوره حمد نداریم. اما بعد از سوره حمد یک سوره دیگر را می تواند خودش انتخاب کند البته محدودیت هم دارد، 4 سوره در قرآن است بر اساس فقه شیعه که آیه ای در این 4 سوره است که سجده واجب دارد، نمازگذار در نمازش حق ندارد این 4 سوره را بخواند، 4 سوره دیگر هم در جزء سی ام هستند که اینها را باید 2 تا 2 تا خواند. سوره حمد را هم که الان خوانده ایم و دیگر نمی توانیم تکرار کنیم. به جز این چند محدودیت نمازگزاران می توانند هر سوره ای که می خواهند بخوانند. سوره ای که ما در نماز می خواهیم پیامش قرآن خواندن است. امام صادق (ع) فرمود: فلسفه نماز احیاء قرآن است. امام رضا (ع) فلسفه نماز احیاء قرآن است، مسلمان ها قرآن را کنار نگذارند و زیاد بخوانند لااقل در نماز واجب شده سوره ای را بخوانند، سوره های متنوعی را حفظ کنیم، سوره های طولانی تری را در نماز بخوانیم با قرآن انس پیدا کنید. ولی آن سوره ای را که ما بیشتر می خواهیم سوره توحید یا سوره اخلاص است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ای پیامبر به کسانی که از تو می پرسند خدای اسلام کیست چون یهودی ها، مسیحی ها مشرکان آمدند و از پیامبر پرسیدند خدای خودت را تعریف کن. پیغمبر فرمود صبر می کنیم تا از آسمان جواب برسد. این سوره آمد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، بگو او الله یکتا است. اللَّهُ الصَّمَدُ، الله بی نیاز است. الله صمد است یعنی همه به او میل می کنند، همه به او شوق دارند. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. مسیحی ها می گفتند: عیسی پسر خدا است. یهودی ها می گفتند: عزیر پسر خدا است. مشرکان می گفتند: بت ها دختران خدا هستند. این آیه همه را رد کرده است. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ نه زائیده و نه زائیده شده است. خداوند از ازل بوده و تا ابد خواهد بود. از کسی متولد نشده است متفاوت

است با ممکنات، واجب الوجود است و کسی هم از خدا زاییده نشده همه مخلوقات خدا هستند، مولود خدا نیستند. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ این افکار انحرافی و نادرست مشرکان، مسیحی ها و یهودیها را تصحیح می کند و لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ و برای خدا هیچ نظیری و شریکی وجود ندارد.

سوره اخلاص خیلی سوره مهمی است درست است کوتاه است. امیرالمومنین (ع) زیاد این سوره را در نمازهایش می خواند. یکی از اصحاب پیامبر از دنیا رفت، پیامبر فرمود 90 هزار فرشته در تشییع جنازه او حاضر بودند، پرسیدند چرا؟ فرمود او قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ زیاد می خواند در بعضی از شب های ماه مبارک رمضان 1000 بار خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سفارش شده است. یکتایی خدا، توحید خالصانه خدا در این سوره آمده است. پس نمازگزار سوره حمد را و سوره دیگر را به انتخاب خودش می خواند. امامان ما سوره هایی را پیشنهاد کرده اند حتی به تفکیک روزهای هفته، شنبه ها چه سوره ای بخوانیم، یکشنبه چه سوره ای بخوانیم، حتی به تفکیک نمازها، شنبه صبح در رکعت اول چه سوره هایی را باید بخوانیم و همینطور در رکعت دوم. به اینها مراجعه کنیم در کتاب شریف مفاتیح الجنان است، در بعضی از کتابهای احکام است و این شیرینی آیات قرآن را در کام خودمان ایجاد بکنیم، نتیجه اش این بشود در طی زندگی شبانه روزی انس خودمان را با قرآن بیشتر کنیم.

آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام

والمسلمین سید جواد بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به قول حضرت امام خمینی، نماز "کارخانه انسان سازی" است. ما انسان ها وقتی زیبایی و بزرگی را می بینیم در برابرش تعظیم می کنیم، زیبایی را می ستاییم، بزرگی و عظمت را می ستاییم، در مقابلش کرنش می کنیم یک بنای بلند، یک دستگاه عظیم، یک کشتی بزرگ ما را به کرنش وا می دارد. دو رکن از ارکان نماز رکوع و سجده است، خداوند خالق بزرگی ها و زیبایی هاست پس از آن که در دلمان خدا را قصد کردیم و خدا را به بزرگی یاد کردیم، الله اکبر، و اولین سوره کتابش را خواندیم سوره حمد و یک سوره انتخابی را خواندیم این دفعه به رکوع می رویم، در شریعت اسلام رکوع و سجده برای غیر خدا حرام است. در مقابل پادشاهان، در مقابل بزرگان حرام است فقط در برابر خدا، الان هم مرسوم است در دنیا مال قدیم ها نیست، بعضی ها برای ادعای احترام تا رکوع خم می شوند این حرمت دارد چون دیگران مثل خود ما هستند هرچه بزرگی و زیبایی هست مخصوص خدا است.



گفتیم در اول سورة حمد، الحمد لله، یعنی تمام سپاس ها و تمام ستایش ها به خدا بر می گردد جوانی بود که نامه پیامبر را به کاخ امپراطور روم آورد به نام دحیه کلبی جوان دیگری نامه پیامبر را به کاخ پادشاه ایران آورد، همه جا انتظار این می رفت که آنها در مقابل شاه تعظیم بکنند به سجده بیفتند یا خم شوند اما دحیه کلبی آن جوان پارسایی که قاصد پیامبر است ایستاد از او پرسیدند چرا تو به سجده نمی افتی، گفت من خداپرست و یکتاپرست هستم فقط در پیشگاه خالق رکوع می کنم و به سجده می افتم. منطق خودش را بیان کرد، قرآن کریم نشانه های رهروان راه پیامبر را، همراهان پیامبر را وقتی می شمرد اینگونه بیان می کند مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا، محمدی ها کسانی که رنگ پیامبر را دارند یکی از نشانه هایشان این است زیاد رکوع می کنند، زیاد سجده می کنند، زیاد در برابر خالق کرنش می کنند، قرآن کریم وقتی رزمندگان اسلام را توصیف می کند ۲ تا از ویژگی هایشان الراكعون، الساجدون، رزمنده مسلمان، نظامی مسلمان اهل رکوع ، اهل سجده هستند.

در حدیث می خوانیم که امام صادق (ع) ذکر رکوع و سجده را بیش از ۳۰ بار تکرار می کرد. امام سجاد (ع) ذکر سجده را گاهی ۵۰۰ بار تکرار می کرد و اشک می ریخت. وقتی این آیه نازل شده فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ تسبیح بود نام پروردگار بزرگت را ، پیغمبر دستور داد مسلمان ها از این به بعد در رکوع این ذکر را بگویند سبحان ربی

العظیم و بحمدہ تسبیح می گویم پروردگارم را همراه با ستایش او. فرشتگان خدا یکی از اوصافشان این است که رکوع می کنند، سجدہ می کنند، سجدہ اوج تذلل و خاکساری انسان است، سجدہ ۲ تا، رکوع یکی.

شخصی از امیرالمومنین (ع) پرسید: این فلسفہ ۲ سجدہ چیست؟ فرمود معنایش این است که ما از خاک آفریدہ شدہ ایم بہ سمت خاک می رویم، مجدداً از خاک زندہ می شویم، باز از خاک برمی خیزیم. یعنی در ہر نمازی چند بار ما این فرایند آغاز تا انجام کار خودمان را مرور می کنیم، امام سجاد در بین امامان ما یعنی زیاد سجدہ کنندہ. قرآن می فرماید: *ہمۃ ہستی خدا را سجدہ می کند و للہ یسجدو من فی سماءات و من فی الارض، ہمہ سجدہ می کنند یعنی ہمہ کرنش می کنند در پیشگاہ خالق خودشان، مثل این کہ بگوییم این نقاشی دارد نقاش خودش را ستایش می کند بہ ہر کجای ہستی نگاہ می کنی ہمہ تسبیح گویند ہمہ سجدہ کن ہستند، حالا نوبت بہ ما کہ رسیدہ می پرسیم آقا نماز می خوانی؟ می گوید فلسفۂ نماز چیست؟ زورش می آید پیشانی بہ سجدہ بگذارد. در پیش ہر کس و ناکسی خم می شود و بہ خدا کہ می رسد سرکشی می کند. اصلاً قصۂ شیطان از ہمین جا شروع شد، خداوند بہ شیطانی کہ ۶۰۰۰ سال سابقۂ عبادت داشت در حضور فرشتگان بود، بہ آن جمعیت فرمود: سجدہ کنید، بہ فرمان من و بہ آدم، فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ہمہ فرشتہ ہا سجدہ کردند الا ابلیس، ابلیس بعدہا خاطرات خود را برای بعضی ہا تعریف کردہ، گفتہ راز بدبخت شدن من ہمین بود*

که حاضر نشدم سجده کنم، تکبر، غرور، این آدم ها چرا اینگونه هستند؟ به محض اینکه یک مقداری زور در بازویشان می آید، یا پول در جیب هایشان می آید یا موقعیت اجتماعی پیدا می کنند، نامی و آوازه ای پیدا می کنند، این دفعه دیگران را مثل گالیور می بینند، دیگران را ذره می بینند و خودشان را بزرگ می بینند نماز را بی کلاسی می دانند. دین داری را بی کلاسی می بینند، چرا؟ فاطمه زهرا (س) خطبه ای دارد در فلسفه احکام ، فرمود فلسفه نماز این است که انسان را از تکبر به دور بدارد ، فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَزْيِهَاً عَنِ الْكِبْرِ خداوند واجب فرمود نماز را برای پاک کردن شما از تکبر. سجده نشانه عبودیت انسان است. سجده برای غیر خدا لازم نیست. سجده برای غیر خدا حرام است. قرآن بخوانیم سوره حج آیه ۱۸ ، أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ، ۳۱ بار در قرآن این جمله آمده. أَلَمْ تَرَ نَدِيدِي؟ چشم هایت را باز کن ببین. آیا ندیدی، خورشید، ماه، ستاره، کوه، درخت، ستاره، چرنده اینها سجده می کنند نمی خواهی سجده کنی؟ در تاریخ می خوانیم که اولیاء خدا چه سجده هایی داشته اند، درباره سجده های پیامبر ،سجده های امیرالمومنین، سجده های ائمه ، زندانبان موسی ابن جعفر می گوید، آقا نماز عشاء را می خواند به سجده می رفت تا اذان صبح، چه لذتی می بردند آنها از سجده؟

یک زمانی سوار ماشین بودم از خیابان شریعتی می گذشتم یک کسی کنار من نشسته بود و گفت من در این مسجد هیچ وقت نماز نمی خوانم ، گفتم چرا؟ گفت امام جماعت اینجا ۳ بار ذکر سجده را می گوید یعنی طول می گوید، من گفتم درست است امام جماعت باید خلاصه بخواند اما تو انقدر باید بیزار باشی از ذکر سجده؟ امامان ما سجده های چند ساعته انجام می دادند پیشانی از سجده برمی داشتند سجاده شان از اشک چشمانشان خیس می شده.

حدیث داریم یکی از رازهایی که خداوند ابراهیم را برای خلیل اللهی انتخاب کرد سجده های طولانی بود، سلمان فارسی می گوید: اگر سجده نبود من آرزوی مرگ می کردم. موسی کریم الله می گوید: بعد از هر نماز این سمت راست صورت را بعد سمت چپ صورت را آنقدر به خاک می مالید تا ثابت کند من بنده خدا هستم، من عبد هستم. شخصی می گوید امام صادق (ع) دیدم در حال سجده ۵۰۰ بار سبحان الله را تکرار کرد. قرآن می گوید : سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ. حزب اللهی ها پیشونی هایشان باید از اثر سجده پیدا باشد. حدیث داریم سجده کمر شیطان را می شکند، انسان را بهشتی میکند. شخصی خدمت پیغمبر رسید گفت من گناهان بسیاری مرتکب شده ام، خدمات کمی هم دارم، فرمود سجده های خود را زیاد کن. زیرا با سجده گناهان مثل برگ درختان می ریزند.

گروهی خدمت پیغمبر رسیدند تقاضای ضمانت بهشت رفتن خود را داشتند. پیغمبر فرمود به شرط آنکه با سجده های طولانی مرا کمک کنید. پیامبر عزیز اسلام در جمعه آخر ماه شعبان خطبه ای خواندند که مردم ما در ماه رمضان بخصوص روزها و شبهای اول ماه رمضان زیاد می شنوند، فرمودند: سجده هایتان را طولانی کنید، رکوع هایتان را طولانی کنید.

پیامبر به یکی از یارانش فرمود : اذا اردت عن یحشرک الله معی . اگر می خواهی خدا روز قیامت تو را با من محشور کند سجده ات را طولانی کن در پیشگاه خدا و اینجا جا دارد که چند ثانیه هم از سجده بر تربت ابی عبدالله حسین(ع) یاد کنیم چقدر حدیث داریم که مستحب است انسان بر خاک قبر سید الشهداء سجده کند چرا که سجده بر تربت ابی عبدالله یادآور حماسه های کربلا است . انسان را با فرهنگ جهاد و شهادت آشنا می کند. امام صادق (ع) فرمود : جز بر قبر امام حسین من سجده نمی کنم و می فرمود سجده بر خاک حسین نورانیتی دارد که پرده های مانع را پاره می کند.

داریم می رسیم به پله های آخر نماز، چند برنامه دیگر باقی نمانده، چه شد این گفتگوهایی که کردیم نمازهایمان در این روزها فرق کرده یا نه؟ مرور کنیم کار خودمان را.

آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام

والمسلمین سید جواد بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به قنوت نماز، پیغمبر فرمود: ای اباذر میدانی چه نمازی از همه نمازها بهتر است، نمازی که قنوتش طولانی باشد. قنوت چیست؟ ما در قنوت دستهایمان را به شکل گدایان می گیریم ، این علامت گدایی است ، علامت نداری و علامت فقر و نیاز است. قرآن می فرماید: انتم الفقراء الى الله، آی آدم ها همه تان نیازمند خدا هستید، بیاید به در خانه خدا، دست نیاز بلند کنید. از جاهایی که در نماز می شود به زبان مادری حرف زد قنوت است، یعنی فارس ها به فارسی ، ترک ها به ترکی، فرانسوی ها به فرانسوی . اجازه داده اند در این ایستگاه به زبان مادری با خدا حرف بزنیم. درد و دل کنیم، مشکلاتمان را مطرح کنیم. از خدا کمک بخواهیم. دعایی که ما بلد هستیم و مردم ایران زیاد تو قنوتشان می گویند : آیه ۲۰۱ از سوره بقره است. رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ معنایش این است که خدایا ما هم دنیای خوب می خواهیم و هم آخرت خوب می خواهیم . آیه قبلش این است فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا

بعضی از مردم فقط دنبال دنیا هستند اما در مقابلشان مَنْ يَقُولُ بعضی دیگر می گویند  
 رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ یعنی پروردگارا ما هم دنیای  
 خوب می خواهیم و هم آخرت خوب به ما بده. خدا هم فرمود بخواهید من می دهم، امام  
 صادق فرمود اگر می توانید در قنوت گریه کنید، اگر در قنوت به گریه افتادید به من دعا  
 کنید. بهترین دعا در قنوت همین دعاهایی است که در قرآن آمده. در قرآن ۱۶۰ دعا  
 هست. همان چیزی که حضرت ابراهیم از خداوند خواسته بخواهیم. حضرت مریم و  
 صالحان از خدا خواسته اند بخواهیم. کتاب هایی چاپ شده است در بازار هست بنام  
 دعا‌های قرآن، این دعاها را حفظ کنیم، در قنوت نمازمان بخوانیم بعد از آن بهترین دعا  
 در قنوت دعا‌های پیامبر و ائمه است در کتاب شریف مفاتیح الجنان فهرستش را نگاه  
 کنید نوشته قنوت های ائمه امام جواد در قنوت چه می خواند، امام زمان در قنوت چه  
 می خواند امام رضا در قنوت این دعا را می خواندند: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا  
 تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ یک دعای یک خطی است ولی خیلی اوج دارد. قنوت ،  
 قنوت مستحب است نمازگزار قنوت را هم انجام ندهد نمازش درست است، ولی خیلی  
 تاکید شده است. شیعیان بخصوص قنوت را در نمازهایشان دارند بعد از سوره حمد  
 رکعت دوم قنوت می گیریم. قنوت به معنای فروتنی است، به معنای افتادگی و خاکساری  
 است. قرآن می فرماید: قُولُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ ، یعنی در پیشگاه خدا فروتنانه حضور پیدا کنید.

قانتین، قانتات در قرآن آمده مردان متواضع ، زنان متواضع، نحوه گرفتن دست ها هم درستش این است آن ادبی که به ما یاد داده اند. چون مردم ما این حرکات را درست انجام نمی دهند، ناهمرنگ است، مثلاً در تلویزیون وقتی فیلمبرداری می کنند یک ناظر بیرونی نگاه می کنند می بینند که معنای این چیست، بعضی ها دستشان را پایین گرفته اند، بعضی ها بالا گرفته اند، بعضی ها دستانشان به هم چسبیده اند، بعضی انگشتان فاصله دارد ، بعضی ها ندارد. ادب درستش این است انگشتان دست بسته، انگشت های شست باز، دست ها به هم چسبیده . کف دست ها به سمت آسمان باید باشد به سمت صورت نباید باشد. ارتفاعش هم به اندازه ای که ما با چشمانمان کف دست را ببینیم مقابل صورت این ادب درست قنوت است.

قنوت هایمان را زود از آن نگذریم یک مقداری طول دهیم مخصوصاً ماههایی مثل ماه رمضان قنوت طولانی را تمرین بگیریم، نمازهایمان را تایم بگیریم یک نماز چهار رکعتی چقدر می شود. برای بعضی ها ۲ دقیقه می شود. حیف است این فرصت، یک فرصت طلایی است آنقدر وقت نماز طلایی است خداوند فرشتگان را می فرستد طواف می کنند دور نمازگزار، فرشتگانی را می فرستد بعد از نماز می نشینند اینطرف و آنطرف نمازگزار ببینند که چیزی از خداوند می خواهد می بیند که نه زود پرید در رختخواب یا می روند می نشینند سر سفره غذا، غصه هایی است که ما در قیامت خواهیم خورد و حسرت خواهیم خورد، مثل اینکه ما را ببرند در خزانه های بانک مرکزی و در



گاو صندوق ها را باز کنند و بگویند این پنجاه تومانی است، این صد تومانی است، این سکه ربع است، این نیم است، این تمام است و هرچه می خواهی بردار ، ما آنجا به جوک گفتن زمان را بگذرانیم و وقتی بیایم بیرون می بینیم که زمان تمام شد.

بعد از قنوت در رکعت های سوم و چهارم ما تسبیحات اربعه داریم. یعنی تسبیحات چهارگانه، چهار تا ذکر است. **سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر** ، ۴ قسمت دارد به آن می گویند اربعه، حدیث داریم، شبیه کعبه که در مسجد حرام است و چهار ضلع دارد در عرش خدا چنین چیزی است. یک ضلعش سبحان الله است. یک ضلعش **الحمد لله است** . یک ضلعش **ولا إله إلا الله** است. یک ضلعش الله اکبر است. یعنی همه عصاره معارف انبیاء در این چهار جمله می گنجد. منتها یک عالمی و یک عارفی باید بیاید تفسیر کند این جمله را برای ما . سبحان الله یعنی چه؟ الحمد لله یعنی چه؟ لا اله الا الله یعنی چه؟ الله اکبر یعنی چه؟ ۳ بار می گوییم در رکعت سوم و در رکعت چهارم . خیلی خلاصه می خواهیم توضیح دهیم. سبحان الله یعنی خداوند نقصی ندارد و مشکلات همه سر انسان ها است. سبحان ربی العظیم وبحمده یعنی من عقیده ام این است که خداوند نقص ندارد. خداوند مشکل ندارد، ما در برنامه ریزی و عملکرد مشکل داریم. می گوید چرا بچه من ناقص شده؟ حتماً شما در مسائل آمیزشی کوتاهی کرده ایم، بهداشتی مراعات نکردید ، شراب خورده و بعد نزدیکی کرده و این بچه ناقص العقل به دنیا آمده، می گوید چرا من مردود شدم؟ چون درس نخوندی، چرا من تصادف کردم؟ چون بدون گواهی نامه رانندگی

کردی. چرا مسموم شدم؟ پرخوری کردی، چرا من ذلیل شدم؟ خوب کار نکردی ، فعالیت نکردی، سنت خدا این است که هرکه کار بکند سود می برد، نابرده رنج گنج میسر نمی شود. سبحان الله معنایش این است که خداوند نقصی ندارد، نقص هایمان را در زمین باید دنبال کنیم، نقص ها برای مدیران است، نقص ها برای برنامه ریزان است، نقص ها برای انسان ها است. به خداوند نسبت ندهید. خدا به غیر از مهربانی برای بندگانش چیزی ندارد. خدا چه ظلمی می کند کسی که نیازی به ظلم ندارد. خدا نیاز ندارد کم بگذارد، او غیر از زیبایی و غیر از رحمت و غیر از مهرورری کار دیگری نمی کند.

در هر نمازی خودمان را تصحیح می کنیم ،فکرخودمان را ، رفتار خودمان را ، عواطف خودمان را، کجی ها برای خودم است. بدی ها برای خودم است. شکست ها برای خودم است. به خدا برای چه نسبت دهم. می گوئیم سبحان الله وقنا عذاب النار، پروردگارا مرا از آتش نجات بده. سبحان الله هم در قرآن زیاد آمده، بیشترین دستور خدا به پیامبر خداوند سبحه است. هفت سوره داریم در قرآن با تسبیح شروع می شود مستحب است وقت خواب مسلمان ها قرآن بخوانند. در خانه ها وقت خواب کسی قرآن نمی خواند. مادر، پدر به بچه ها بگویند عزیزانم بروید قرآن هایتان را بخوانید بعد بخوابید. نه همچنین چیزی نیست. الان رسم نیست. ولی صدها حدیث داریم که وقت خواب قرآن بخوانیم بعد بخوابید چون وقتی ما می خوابیم روح ما تعطیل نمی شود .شیاطین پیامک می فرستند برای ما، فرشته ها هم پیامک می فرستند. مثل اینکه شما می خوابید و بعد

بیدار می‌شوید می‌بینید که ۷ تا پیام رسیده. خواب هم همین طور است. حدیث داریم اگر می‌خواهید شیاطین با شما تماس نگیرند در خواب، با وضو بخوابید، قرآن بخوانید و بخوابید، چه سوره‌هایی را بخوانیم؟ مثل آیت الکرسی، مثل آمن الرسول، مثل چهار قل و سوره‌هایی که با تسبیح خداوند شروع می‌شود. یکی سوره جمعه است، بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ. کوچکترین آنها سوره الاعلی است. کوچکترین سوره که با تسبیح شروع می‌شود سوره الاعلی است. و از همین امشب تصمیم بگیریم این سوره را هنگام خواب بخوانیم.

آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام

والمسلمین سید جواد بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به تشهد و سلام ، با وضو به سمت قبله، با لباس پاک، با سرود آسمانی، با نیت پاک نماز را آغاز کردیم، سوره حمد خواندیم یک سوره انتخابی خواندیم، رکوع و سجده کردیم خدا را تسبیح گفتیم و الان می نشینیم و دوباره اعتقادات خود را تکرار می کنیم. می گوییم: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مَا مَنْظُورُ مَا مِنْ أَشْهَدِ چسیت؟ گواهی می دهم برای چه می گوییم؟ تبلیغ است یا تلقین است. این چندتا معنی دارد یک معنایش این است که وسوسه گران همیشه در صدد این هستند که اعتقادات ما را سست کنند ما در مقابل آنها پی در پی باید اعتقادات خود را علنی به زبان جاری کنیم. أَشْهَدُ ای اطرافیان من، ای موافقان، مخالفان، همه مردم بدانید عقیده من این است. در اذان هم با صدای بلند اعلام می کنیم هم تبلیغ است در اذان و هم تکرار و تثبیت و تلقین است در تشهد. همه نماز خداگرایی است، خداپرستی است، یکتاپرستی است گواهی می دهم. زیاد ما باید تکرار کنیم اعتقاداتمان را . حتی حدیث داریم وصیت نامه خودتان را بنویسید. کسی که وصیت نامه می نویسد پاداش شهید دارد. در وصیت نامه اینها بیان می شود

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله گواهی می دهم به یکتایی خدا، گواهی می دهم به رسالت پیامبر، گواهی می دهم به اینکه مرگ حق است، صراط حق است اعتقاداتمان را تکرار کنیم به زبان جاری کنیم. اول از خدا شروع می کنیم ، یکتایی خدا، اولین شعاری است که در اسلام به سر زبان ها افتاد. قولوا لا اله الا الله تفلحوا ای انسان ها بگوئید لا اله الا الله تا رستگار شوید مثل دانه ای که در دل زمین کاشته می شود و آن دانه وقتی با شرایط مناسب قرار می گیرد جوانه می زند و سنگ ها را از مسیر راه خودش کنار می زدند و خاک را می شکافد و در فضای باز می آید عرب می گوید فلح یعنی راحت شد و رستگار شد انسان هم اگر بخواهد از این جهان مادی رها شود و وارد یک فضای لایتنهای معنوی شود باید موحد شود، یکتا پرست شود. بگوئید جز الله معبودی، معشوقی نیست تا رستگار شوید. أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له جز خدای یکتا، خدایی نیست. شریکی ندارد و أشهد أن محمدا عبده و رسوله گواهی می دهم که محمد بنده خدا و فرستاده خدا است. کلمه عبد در قرآن خیلی منزلت دارد، مقام دارد. وقتی که می خواهیم به کسی ترحم کنیم می گوییم به بنده خدا یک کمکی بکنیم، اما قرآن می گوید بالاترین شخصیت را وقتی می خواست به معراج ببرد لقب عبد به او داد. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى بندگی کن تا که سلطانت کنم. در حدیث قدسی می خوانیم عبدي اطعني حتي اجعلك مثلي

بندۀ من اطاعت کن از من تا تو را همچون خودم قرار دهم من اراده می کنم نیست هست می شود، توهم می توانی در سایۀ بندگی به این مقام برسی.

پیامبر اسلام ، امیرالمومنین ، امام حسین بالاترین افتخارشان این بوده که بندگان خدا بوده اند آن کج فکریایی که متهم می کنند شیعه را در موضوع توسل و چه بسا به عمد این شتباه را می کنند نمی دانند که شیعه از نظر توحید در قله قرار دارد. همه احترام شیعه برای امام حسین (ع) این است که امام حسین عبد خدا است و همه هستیش را در راه توحید داد، شب عاشورا تا به صبح با خدا راز و نیاز می کرد. روز عاشورا در مقابل تیرهای دشمن نماز جماعت خواند. این امام حسین را ما واسطه قرار می دهیم در پیشگاه خدا. خود خدا به ما فرمان داده یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسيلة وسیله، ای کسانی که ایمان آورده ایم یک وسیله پیدا کنید برای نزدیک شدن به خدا.

پرسیدند از پیغمبر این وسیله که در دین آمده چیست؟ فرمود وسیله قرآن است. وسیله من هستم، علی، فاطمه، حسن و حسین است. چه وسایلی از اینها بهتر. اول گواهی می دهیم به بندگی پیامبر، عیسی مسیح وقتی در گهواره به سخن آمد می خواست خودش را معرفی کند. اول این طور معرفی کرد من بندۀ خدا هستم بعد من فرستادۀ خدا هستم . قال انی عبد الله آتانی الكتاب و جعلنی نبیا. افتخار کنیم به اینکه بندۀ خدا هستیم. گواهی می دهیم که محمد بندۀ خدا و فرستادۀ خدا است. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد ، ذکر شریف صلوات خداوند در قرآن می فرماید: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. خدا و فرشته ها درود می فرستند بر پیامبر. ای مردان و زنان با ایمان شما هم درود بفرستید بر پیامبر، صلوات بفرستید و تسلیم پیامبر باشید. حدیث داریم در وزنه اعمال روز قیامت چیزی جز لا إله إلا الله و ذکر صلوات سنگین تر نمی کند وزن اعمال صالح را. چرا؟ به خاطر اینکه راه نجات ما و پیامبر اسلام و اهل بیت است، راه حیات ما و تحول در ما پیامبر و اهل بیت هستند. پیامبر فرمود: صلوات ابتر بر من نفرستید. گفتند صلوات ابتر یا ناقص یعنی چه؟ فرمود اون صلواتی که به من درود بفرستید اما آل را به زبان جاری نکنید که بگوئید اللهم صلی علی محمد و سلم ، صلوات کاملی که پیغمبر یاد داد و در کتب درجه یک اهل سنت مثل "صحیفه بخاری" آمده این است اللهم صلی علی محمد و آل محمد. به ناروا این کلمه آل را از صلوات برداشتند. صلوات شعاری است دشمن شکن در اسلام . شعاری است که پیوند امت و رهبر را محکم می کند ، خدا لعنت کند حجاج بن یوسف الثقفی را ، او اولین کسی است که در مسجد حرام صلوات بلند را ممنوع کرد میگفت در دلتان صلوات بفرستید. جلوی این شعائر و تعظیم شعائر را گرفت. پایان تشهد با صلوات تمام می شود. بعد از صلوات آخرین نماز سلام است. سه سلام می دهیم، دو سلام مستحب و یک سلام واجب. اول به رسول خدا ، آن پیامبری که هدایت ما مرهون زحمات او است. ای رسول رحمت سلام بر تو، السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته. سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، ادای احترام به پیشگاه رهبر، هادی، راهنما، سلام دوم به خودمان سلام

می دهیم، نماز گزاران، مومنان، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین، سلام بر ما و بندگان صالح خدا. و سلام سوم به همه کسانی که از انسان ها و فرشته ها و جنی ها در حوزه بندگی خدا بندگی می کنند. السلام علیکم ورحمة الله و برکات. سلام چیست؟ یکی از اسم های خدا است. سلام چیست؟ اسم بهشت است دار السلام. امام صادق فرمود: أَجَلُ النَّاسِ مِنْ بَجْلِ بِالسَّلَامِ بخیل ترین مردم آنی است که از سلام کردن دریغ می کند وقتی سلام می کنیم یعنی ما در صلح و صفا هستیم . ما جنگ را نمی پسندیم. ما صلح را نیکو می دانیم. سلام می کنیم یعنی خوشبختی شما را می خواهیم. سلامت شما را می خواهیم، عزت شما را می خواهیم.

بعضی گفته اند که دلیل اینکه در پایان نماز سلام می کنیم. گویا ما یک پروازی را داشته ایم به عالم معنا. الان که بر می گردیم به زمینیان سلام می کنیم. سلام ای پیامبر رحمت و سلام ای همه بندگان صالح خدا . یعنی یک نوع اعلام همبستگی می کنیم، تشکل ایجاد می کنیم در ذهن خودمان و سلام بر شما ای همه عبادت کنندگان به هر شکل، فرشته، جنی، انسان ، السلام علیکم ورحمة الله و برکات پیامبر اسلام یکی از ویژگی هایش این بود که تقدم در سلام داشت، حتی به بچه ها سلام می کرد. ما نماز را با سلام پایان می بخشیم و پس از نماز مستحب است که تعقیبات داشته باشیم.



آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام

والمسلمین سید جواد بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس از سلام نماز قرآن کریم و امامان معصوم به ما فرموده اند زود باب این گفتگو را نبندید یک مقداری ادامه دهیم که نشانه این باشد که خدایا ما دوست نداریم این دیدار زود تمام بشود. بعد از نماز تعقیبات یعنی نیایش های بعد از نماز را داشته باشیم، پیامبر عزیز اسلام و امامان معصوم به ما نیایش هایی را یاد داده اند تعقیبات مشترک برای همه نمازها یا تعقیبات مختص بعضی از نمازها. اینها نشان دهنده ادب ما است که به خدا می خواهیم بگوییم که خدایا دوستت داریم، بهترین تعقیب پس از نمازها ذکر تسبیحات حضرت فاطمه زهرا(س) است که طبق حدیث ثواب هزار رکعت نماز مستحبی را دارد. به جز این تعقیبات دعاهایی که در کتاب شریف مفاتیح آمده تسبیحات حضرت فاطمه زهرا را هم بلد هستید، پیامبر عزیز اسلام به دخترش که آمده بود کمک کار بگیرد چون خیلی در زندگی در زحمت بود فرمود عزیزم هروقت به سختی افتادی و بعد از نمازها و هنگام خواب این ذکرها را بگو ۳۴ بار الله اکبر ۳۳ بار الحمد لله ۳۳ بار سبحان الله . حضرت فاطمه زهرا وقتی به خانه آمد برای شوهرش اینها را تعریف کرد،

امیرالمومنین(ع) می فرماید از آن به بعد همیشه این ذکرها را وقت خواب و بعد از نمازها می خواندم. حضرت فاطمه با یک نخ پشمی که صد تا گره زده بود به این نخ یک تسبیحی درست کرد و این ذکرها را با این تسبیح می گفت تا اینکه واقعه احد پیش آمد، این بار از خاک تربت حضرت حمزه سید الشهداء یک تسبیح تربت درست کرد دیگران هم یاد گرفتند تا اینکه واقعه کربلا پیش آمد از آن به بعد امامان ما تسبیحاشان را از خاک کربلا درست می کردند که چقدر رهنمود به ما دادند که تسبیح تربت امام حسین (ع) دست کسی باشد حتی اگر ذکر نگوید، ذکر برای او ثبت می شود. از تعقیباتی که خیلی به ما توصیه شده سجده شکر است، یعنی نماز تمام شد باز پیشانی را به سجده بگذاریم خدا را شکر کنیم که توفیقی پیدا کردیم. ما با او دیداری داشته باشیم، گفتگویی داشته باشیم، نمازی خوانده باشیم .

همینجا نمازهای نافله را هم بگوییم. ما نمازهای واجب داریم در شبانه روز که ۱۷ رکعت است، نماز صبح ۲ رکعت. نماز ظهر ۴ رکعت، نماز عصر ۴ رکعت، نماز مغرب ۳ رکت و نماز عشاء ۴ رکعت، ۲ برابر این ۱۷ یعنی ۳۴ رکعت نماز نافله یعنی اضافه بر آن برنامه سازمانی مستحب است ولی نشان دهنده عشق ما به نماز است. بعضی ها اضافه کاری را دوست دارند می گویند من عاشق کار هستم ، آنهایی که دوست دارند نماز مستحبی بخوانند نافله نماز صبح ۴ رکعت است . ۲ تا ۲ رکعتی قبل از نماز صبح، نافله نماز ظهر ۸ رکعت است ۴ تا ۲ رکعتی قبل از نماز ظهر، نافله نماز عصر ۸ رکعت است چها تا ۲

رکعتی قبل از نماز عصر، و نافله نماز مغرب چهار رکعت است ۲ تا ۲ رکعتی قبل از نماز مغرب. کوتاه ترین نماز نافله ، نافله نماز عشاء است ۲ رکعت بعد از نماز عشاء نشسته و ۱۱ رکعت نافله نماز شب است. پس نماز صبح نافله اش ۴ رکعت ، ظهر ۸ رکعت، عصر ۸ رکعت مغرب ۴ رکعت و عشاء ۲ رکعت ، ۱۱ رکعت هم نماز شب.

نمازهای مستحبی دیگری هم است. یک وقتی با دوستان صحبت می کنیم و می گوئیم این نمازهای مستحبی برای بازنشسته ها، پیرزن ها، پیرمرد ها و بازنشسته ها نیست. اتفاقاً این نمازها معنایش این است که انسان در طول زندگی انقدر به تلاطم برخورد می کند محتاج مدد خداوند می شود. امامان ما این نمازها را برای همین پیشنهاد کردند کتابی است که ستاد اقامه نماز منتشر کرده به نام نمازهای مستحبی، ۳۵۰ نوع نماز مستحبی داریم.

کسانی هستند می گویند بگذارید همین نمازهای واجب را بخوانیم، اتفاقاً در جوانی باید همین نمازهای مستحبی را خواند، از نظر امام خمینی در بین نمازهای مستحبی آنی است که برترین است و به اکسیر احمر یا کیمیا تشبیه شده است نماز جعفر طیار است آن هدیه ای که پیامبر به جعفر طیار که ماموریتی را که رفت و ۱۳ سال طول کشید . ماموریت سختی که هرچه مسلمان در قاره آفریقا است مدیون جعفر ابی طالب هستند وقتی برگشت پیامبر فرمود استقبال رسمی از او بشود. و از این زن و شوهر ، همسرش هم اسماء بنت امیس ۳ پسری که خدا به آنها داده بود وارد شدند. مردم فکر می کردند

که پیغمبر چه جایزه ای را به آن بدهد، پادشاه حبشه را مسلمان کرده بود، جمعی از کشیش ها به دست او مسلمان شده بودند و خدمات زیادی. بعضی گمان می کردند که یک قطعه زمین مرغوب پیغمبر به او بدهد، بعضی پیش بینی می کردند سکه طلا به او داده شود، اما پیامبر یک نماز به او هدیده داد که تا دنیا دنیا است هرکس این نماز را می خواند یک بهره ای به جعفر بن ابیطالب هم می رسد. ۴ رکعت است. مثل نماز صبح است با یک کمی تفاوت نیت می کنیم ۲ تا ۲ رکعتی نماز جعفر طیار بعد از تکبیرالاحرام و سورة حمد ۱۵ بار تسبیحات اربعه را می گوئیم . به رکوع می رویم بعد از ذکر رکوع ۱۰ بار تسبیحات اربعه از رکوع بر می خیزیم می ایستیم ۱۰ بار، به سجده می رویم ۱۰ بار، می نشینیم ۱۰ بار ، باز به سجده می رویم و می نشینیم ۱۰ بار، هر رکعتش ۷۵ بار این ذکر فوق العاده مهم به کار رفته است. حدیث داریم نماز جعفر طیار ۱۲۰۰۰ حسنه دارد چون ۳۰۰ بار ذکر تسبیحات اربعه در آن بکار رفته است. تسبیحات اربعه یعنی ۴ گانه ، ۳۰۰ در ۴ می شود ۱۲۰۰ ، هر یکیش هم ضرب در ۱۰ ، چون هر کار خوب ۱۰ برابر حسنه دارد، ۱۲۰۰۰ حسنه دارد و مشکلات ما را می تواند حل کند .

از نمازهای دیگری که خوب است در اینجا یاد کنیم و واجب است نماز آیات است. در زمان جاهلیت فکر می کردند که حوادثی که در طبیعت رخ می دهد اینها هر کدام ربی دارد، رب آتش، رب خورشید، رب باران، رب باد. اسلام که آمد فرمود یک رب بیشتر نیست و آن رب العالمین است وقتی خورشید می گرفت یا ماه می گرفت، یا زلزله می

شد دستور آمد واجب است مسلمان ها نماز بخوانند یعنی این را از نشانه های خدا بدانند. نماز آیات را هم همه بلد هستند . ۲ رکعت است بعد از حمد یک سوره ای را ۵ قسمت می کنیم با سلیقه خودمان و بعد از هر قسمت به رکوع می رویم و می ایستیم در حقیقت این نماز ۲ رکعتی ۱۰ تا رکوع دارد.

نماز دیگری است به نام نماز باران، آن هم زیاد توصیه شده نشان دهنده این است که ما همه کاره را خدا می دانیم. بعضی ها فکر می کنند ما وقتی نماز باران می خوانیم یعنی به برنامه ریزی یا اسباب و علل اعتقاد نداریم. می گوید آقا باران قانون دارد ، منظور شما از نماز باران چیست؟ ما می خواهیم بگوییم آن قوانین را قبول داریم آن قوانین مخلوق خدا است. همان خدایی که از آن مسیر باران می فرستد می تواند از مسیر دیگری برای جمعی از بندگان باران بفرستد. خودش به ما یاد داده است. در همین قرآن است که می خوانیم فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا . يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا . وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا در پیشگاه خدا استغفار کنید خداوند گناهان شما را می بخشد و باران فراوان برایتان می فرستد و جنگلها و بادهای را انبوه می کند و آبها را زیاد می کند.

آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام

والمسلمین سید جواد بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسیدیم به بحث نماز جماعت، از روز اول اسلام، نماز را به شکل جماعت ارائه کرد، یک برنامه اجتماعی است، نمازهای مستحبی را برای خلوت انسان ها قرار داد یکی از ویژگی های دین اسلام اجتماعی بودنش است، اولین نماز، پیش نمازش پیامبر و پشت سرش امیرالمومنین و حضرت خدیجه، پیامبر عزیز اسلام اصرار داشتند که به اجتماعات لبیک بگویید، پیوندید، پیغمبر فرمود: ۲ تا از ۱ بهتر است، ۳ تا از ۲ تا بهتر است، ۴ تا از ۳ تا بهتر است، ۵ تا از ۴ تا بهتر است، مسلمان ها منسجم باشید، متحد باشید فرمود: من سمع النداء فلم یجبه من غیر علیه فلا صلاه له هرکه صدای اذان را بشنود و بی دلیل پاسخ نگوید او نماز نخوانده، فرمود هرکسی در جامعه زندگی می کند باید به مسجد بیاید مخصوصاً همسایه های مسجد در جماعت حضور پیدا بکنند. یک نابینایی گفت از بس شما تعریف نماز جماعت را کردید من سعی می کنم در نماز جماعت حضور پیدا کنم اما گاهی در خانه کسی نیست که من را به مسجد بیاورد فرمود: یک طنابی از خانه ات به مسجد بکش و نماز جماعت را ترک نکن. یک شخصی که در روستا زندگی

می کرد به پیامبر عرض کرد که من در یک روستایی هستم تک خانواری، من و همسر و بچه هایم و چند تا کارگر، مسجد و اجتماعی نیست ولی خوب نمازمان را به جماعت می خوانیم، خانم و بچه ها و آن چند تا کارگر هم به من اقتدا می کنند تشویق کرد و فرمود فرشته هام به شما اقتدا می کنند، عرض کرد که گاهی بچه ها مشغول کاری هستند من هستم و همسر ۲ نفری باز نماز را به جماعت می خوانیم پیغمبر او را تشویق کرد، عرض کرد گاهی خانم عذری دارد و من تنها نماز میخوانم حضرت فرمود: چون درد تو این است که نماز را به جماعت بخوانی آنوقت هم که تنها می خوانی نماز تو به جماعت حساب می شود، ثوابی که برای نماز جماعت از پیامبر به ما رسیده فوق العاده است. حدیثی که درباره ثواب نماز جماعت در رساله های عملی آمده این است ترجمه اش: اگر در نماز جماعت یک نفر اقتدا کند پاداش هر رکعت آن نماز ۱۵۰ نماز است. ۲ نفر اقتداء کنند پاداش هر رکعت ۶۰۰ نماز است. ۳ نفر اقتداء کنند ۱۲۰۰، ۴ نفر اقتدا کنند ۲۴۰۰، ۵ نفر ۴۸۰۰، ۶ نفر ۹۶۰۰، ۷ نفر ۱۹۲۰۰ نماز است. ۸ نفر ثواب هر رکعت ۳۶۴۰۰، ۹ نفر ۷۲۸۰۰ و اگر تعداد اقتداء کنندگان ۱۰ نفر و بیشتر بشوند ثواب ۱ رکعت آن نماز را کسی نمیتواند بنویسد حتی اگر دریاها مرکب، جنگل ها قلم، آسمان ها کاغذ و جن و انس نویسند شوند. روز قیامت چقدر ما حسرت خواهیم خورد که من می توانستم به مسجد بروم، می توانستم به مسجد بروم، چرا بی خودی غفلت کردم، چرا بی توجهی کردم؟ چرا غفلت کردم؟ بسیاری از آثار نماز در نماز جماعت است، مثل

همدلی، همکاری، هم زبانی، هم فکری، شما ترکیب نفراتی که در مسجد می آیند را نگاه کنید، باسواد، بی سواد، مهندس، پزشک، روحانی، کشاورز، کارگر، کودک، نوجوان، میانسال، بزرگسال، پیر، زن ، مرد، یعنی همان ترکیبی که در خانه است اینها وقتی کنار هم می‌نشینند، صمیمانه با هم دست می دهند، احوال هم را می پرسند، با مشکلات هم آشنا می شوند، هر کدام یک مهارت و تخصصی دارند، صمیمانه دراختیار هم قرار می‌دهند، مشکلات جامعه حل می شود این از زیبایی های اسلام است.

گفته اند که گلداستون در انگلستان گفته بود تا مسلمان ها این اذان و نماز جماعت را ندارند نمی توانیم ما آنها را شکست بدهیم . این حرکت هم آهنگ اجتماعی در بین آنها رایج است.

حدیث داریم نماز جماعت شبیه کار فرشتگان است. آنها با نظم و انسجام خدا را تسبیح می گویند، پیامبر فرمود: صلاة الرجل فی جماعة خیر من صلاته فی بیهة اربعین سنة انسان نماز را به جماعت بخواند بهتر از اینکه ۴۰ سال در خانه اش فرادا بخواند، یا رسول الله صلاه یوم ؟ منظورتان نمازهای یک روز است که از نمازهای چهل سال بهتر است فرمود نه : یک نماز، پیغمبر فرمود: اگر من نماز صبح را در جماعت بخوانم خوش تر دارم از آنکه شب تا صبح شب زنده داری بکنم، آثاری که در نماز جماعت مترتب است ، توجه به ضعیفان و بینوایان، توجه به نیازها، توجه به آسیب ها و مشکلاتی که در جامعه اسلامی است برطرف کردنش به دست خود مردم، به صورت خودجوش ، داوطلبانه و اینها از



زیبایی‌های اسلام است و نیز از زیبایی‌های نماز جماعت این است که امام جماعت باید داناتر، پاکتر و متقی‌تر از همه باشد، ایشان به نمایندگی از نمازگزاران با خدای رحمان راز و نیاز می‌کند لذا در رکعت اول و دوم نماز جماعت مأمومین سکوت می‌کنند، امام جماعت به نمایندگی از آنها سوره حمد و یک سوره دیگر را می‌خواند، در حدیث می‌خوانیم: وقدموا افضلکم، با فضیلت‌ترین فرد را به عنوان امام جماعت قرار دهید، وقدموا خیارکم، بهترین خودتان را به عنوان نماز جماعت قرار دهید، پیامبر عزیز اسلام وقتی می‌خواستند وارد مدینه شوند در روستای قبا مسجد ساختند به مدینه وارد شدند باز مسجد النبی را ساختند و بعد هم مسجد محلات و مسجد روستاها را ساختند. برای هر مسجدی امام جماعت لازم بود، امام جماعت را پیغمبر منصوب می‌کرد کسی که آگاهی به احکام بیشتر باشد، آشنایی با قرآن بیشتر باشد، وقت شناس باشد محبوب در بین مردم باشد، حتی از نظر قیافه می‌فرمود آنکه زیباتر است جلو بایستد، یعنی مسائل فطری را پیغمبر مراعات می‌کرد. احادیثی که به دست ما رسیده این شاخص‌ها را برای امام جماعت به ما معرفی می‌کند، کسی که قرائت نمازش بهتر باشد، کسی که در هجرت پیش قدم باشد. کسی که دین‌شناس‌تر و در مراتب علمی برتر باشد، کسی که سن بالاتری دارد، کسی که زیباتر و خوش‌شروتر باشد و اگر در منزل نماز جماعت برگزار می‌شود صاحب منزل مقدم است و اگر در جایی است که مرتباً یک کسی نماز می‌خواند، همان کسی که مرتب نماز می‌خواند مقدم است. عدالت امام جماعت در فقه

شیعه شرط است، بعضی ها یک مقداری ناراحت می شوند که چرا در فقه شیعه معطل می کنند هرکسی زود نمی رود جلو بایستد، دلیلش همین عدالت است که امام جماعت باید هم قرائت نمازش صحیح باشد هم مأمومین آنرا باید عادل بدانند. این هم در نشانه های اهمیت عدالت است.

در حدیث می خوانیم ، المؤمن في المسجد كالسمك في الماء ، مومن در مسجد مثل ماهی در آب است. والمنافق في المسجد كالطير في القفص ، منافق در مسجد مثل پرنده در قفس است می خواهد بیرون بیاید. یک کاری کنیم رفت و آمدمان را به مسجد زیاد کنیم، انسمان را به مسجد زیاد کنیم، حدیث داریم مرده ها هیچ آرزو نمی کنند به دنیا برگردند مگر وقت هایی که از کنار مسجدی گذر کنند، حسرت می خورند ای کاش دوباره برگردند، زنده شوند و یک بار دیگر بیایند مسجد.

چه احادیثی آمده است برای پاداش روشنایی مسجد، مفروش کردن مسجد، تمیز کردن مسجد، احترام گذاشتن به مسجد، ادب کردن نسبت به فضای مسجد و مسجدی ها .

چرا بعضی ها نماز جماعت و مسجد نمی آیند؟ شاید بعضی از پاداش نماز جماعت و مسجد غافل هستند، بعضی ها شاید دلیل نیامدنشان این است که از بدرفتاری و بداخلاقی نماز خوان ها ناراحت باشند، بعضی ها ممکن است دلیلشان امام جماعت باشد، می گوید من از این امام جماعت خوشم نمی آید یک چیزهایی دیده ام، بعضی به خاطر همفکر نبودن امام جماعت یا دیدگاه های سیاسی، بعضی به خاطر مشغولیت های

اقتصادی، اجتماعی، رفتاری های روزمره خودشان را محروم می کنند، بعضی از برخورد سرد افراد مسجد دل سرد شده اند ولی هیچ کدام از اینها نمی تواند دلیل باشد روز قیامت برای ما. خوب اگر از این امام جماعت خوشتان نمی آید یک امام جماعت دیگر. از این محفل، از این مسجد خوشتان نمی آید یک مسجد دیگر. ولی خودتان را از جماعت و از مسجد محروم نکنید. متأسفانه بهانه ای شده مسئله تکنولوژی و رفتاریها از اینکه ما محروم کنیم خودمان را از برکات نماز جماعت، نذر کنیم، عهد کنیم مخصوصاً به اتفاق افراد خانواده، پدرها با پسرها، مادرها با دخترها در جماعت شرکت کنیم، از هفته ای یک بار شروع کنیم، آرام آرام تعدادش را زیاد کنیم این امانت را به نسل های بعد بسپاریم.

آداب و اسرار و آموزش و توسعه فرهنگ نماز به کارشناسی جناب حجت الاسلام

والمسلمین سید جواد بهشتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند نماز است که راجع به آنها توضیحاتی می دهیم یکی نماز مسافر است در احکام فقهی ما نماز فکری ما یک تفاوتی دارد با نماز در شهر خودمان، با شرایطی که در رساله ها آمده کسی که به سفر می رود نمازهای ۴ رکعتی را باید ۲ رکعتی بخواند، همین جا نکته ای را می گوئیم واجب است که مسلمان ها با احکام دینشان آشنا شوند، داشتن رساله کافی نیست، باید این رساله را در طول سال اعضای خانواده بخوانند، بقیه گوش کنند، مرور کنند و تکرار کنند. رساله از احکام تقلید شروع شده بعد احکام مطهرات، نجاسات، نماز، روزه، مسائل اقتصادی، مسائل خانواده، مسائل اجتماعی، احکام خیلی مهم است ، مسئله ۱۱ رساله این را به ما می گوید مسائلی را که مکلف غالباً به آن نیاز دارد دانستنش واجب است نه مستحب. حالا کسی که نمی داند احکام نماز مسافر را ، بارهامسافرت رفته و نمازها را ۴ رکعتی خوانده است ، در یک جایی ایام جبهه توصیه کردم دوستان برادران رزمنده وصیت نامه بنویسند، یک برادری آمد و گفت حاج آقا امشب فهمیدم که اشتباهی غسل می کردم، گفتیم که چطور غسل می کردی؟

گفت که اول سمت راست بعد سر و گردن بعد سمت چپ ، من متغیر شدم و گفتم که چند سالتون هست شما؟ گفت ۴۵ سال ، می دانستم کسی که این اشتباه را کرده در احکامش ۳۰ سال نماز خوانده حداقل، تمام این ۳۰ سال نماز را باید از دوباره بخواند . گفتم یکی دو ساعت صبر کن تماس بگیرم با قم و با اهواز، با علمایی که سراغ داشتم تماس گرفتم و گفتند که هیچ راهی ندارد این غسلش را اشتباه انجام داده و تمام نمازهایی را که با این غسل خوانده باطل است یک راه فقط دارد و آن اینکه ببین اهل چه شهری است. اگر در یک روستایی زندگی می کرده که هیچ عالمی و معلمی و کتابی نبوده و او همین اندازه یاد گرفته و عمل کرده امید است که نمازهایش درست باشد. ما هم دویدیم او را پیدا کردیم و گفتیم برادر اهل کجایی؟ گفت تهران، گفتیم وای یک مرد ۴۵ ساله در تهران ، که همه جا مسجد هست، کتابخانه است، مدرسه است، حسینیه، هیئت، معلوم است کوتاهی کرده.

چرا احکام را اساتید ما زیاد تکرار می کنند؟ چون واجب است، نماز مسافر احکامی دارد همچنین نماز قضا، یعنی نمازهایی که ما انجام ندادیم، در خواب ماندیم یا به غلط انجام دادیم، زکزش را غلط انجام دادیم، فعلش را غلط انجام دادیم، وضویش درست نبوده، غسلش درست نبوده، تیمم اینها را باید قضا کنیم، ممکن است زیاد باشد ۲۰ سال ، ۳۰ سال یا به عمد نخواندیم ، یا در یک خانه ای بودیم که به ما نگفتند نماز بخوان، یا لایبالی بوده اند الان متعهد شدیم، با خدا رفیق شدیم، این نمازها را باید بخوانیم و اگر حالتی

داریم، مریضی داریم که ممکن است به زودی از دنیا برویم باید وصیت کنیم که این اندازه نماز قضا برای من بخوانید، نماز قضا خیلی مهم است یک بدهی است که ما به خدا داریم، مدیون خدا هستیم و روز قیامت از ما سوال خواهد شد.

نماز جمعه، اجتماع هفتگی مسلمان ها است. امانتی که انقلاب اسلامی ایران زنده کرد، امام عزیز افتخار می کرد به آن. قرآن کریم یک سوره دارد به نام سوره جمعه آیه ۹ آن این است یا أيها الذین آمنوا إذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله وذروا البيع ای مردان و زنان با ایمان، هرگاه صدای اذان جمعه بلند شد بشتابید ، به سوی ذکر خدا و کسب و کار را کنار بگذارید. حدیث داریم فرشته ها صبح جمعه که می شود با قلم و کاغذ و با دفتر می نشینند و هرکه زودتر بیاید اسمش را زودتر می نویسند. نماز جمعه نشان دهنده بعد سیاسی و اجتماعی اسلام است. نشان دهنده همدلی ، همبستگی، گفتگو و طرح مسائل سیاسی و اجتماعی، دردها، نیازهای نیازهای جامعه اسلامی است.

پیغمبر درباره نماز جمعه چه تعریف هایی کرده اند اولین مبلغی که پیغمبر اعزام کرد مصئب بن عمید او در مدینه نماز جمعه برگزار کرد، خود پیامبر در مکه برایشان امکان نداشت به مدینه که آمدند روز جمعه بود همان روز اولین نماز جمعه را برگزار کردند در نماز جمعه تقویت روحیه اخوت و برادری است. در نماز جمعه تشکل نیروهای اسلام است. در نماز جمعه رشد فکری، سیاسی، اجتماعی است. در نماز جمعه تقویت روحیه جمع گرایی است. مرکزی برای بسیج مردم است.

امام صادق (ع) فرمود: کان اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و سلم کانوا یتجهزون للجمعة یوم الخمیس اصحاب پیغمبر از روز پنج شنبه خودشان را برای نماز جمعه آماده می کردند. سیر و پیاز روز پنج شنبه نمی خوردند که فردای آن روز از دهانشان بو نیاید که دیگران آزرده خاطر شوند، حضرت امام خمینی فرمود: نماز جمعه نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هرچه باشکوه تر و پر محتواتر اقامه شود. ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیم تر و بلندپایه تر حفظ نماید تا به برکت آن توطئه های خائن و دسیسه های مفسدان خنثی شود.

نماز دیگری داریم به اسم نماز عید است، سالی ۲ بار اجتماع سالانه یا اجتماع ۶ ماه یکبار. یک اجتماع سالانه ای هم مسلمین در حج دارند. برای نماز عید ۲ نماز داریم هر دویش پایان تکلیف است. مسلمان ها ۳۰ روز، روزه می گیرند و بعد جشن می گیرند که ما تکلیفمان را انجام دادیم. معلوم می شود عید در اسلام برای و بی کاری نیست. عید برای کار کردن است هر که کار می کند باید جشن بگیرد؛ هر که تکالیفش را انجام می دهد باید خوشی کند. یک عید دیگری هم داریم برای حاجیان است وقتی مراسم و مناسک حج را انجام دادند شادمانی می کنند. نماز عید هم خیلی شیرین است. نماز عید فطر، نماز عید قربان ، آنجا هم در آن رسیدگی به فقرا است. در آن جمع گرایی است، رغبت به خداوند است، تزرع و نالیدن به درگاه خداوند است و درگاه جوایز از پیشگاه است.

درباره نماز هرچه بگوییم کم است. روز اول گفتیم که حدود ۱۰۰۰ جا در قرآن صحبت نماز است بیش از ۲۰۰۰۰ حدیث درباره نماز است، ستون دین نماز است، کلید بهشت نماز است. سر دین نماز است. اولین سوال در قیامت نماز است. درباره نماز هرچه فکر کنیم کم است. ما یک موضوع بسیار مهم را در این مجموعه نگفتیم شاید یک برنامه ۲۴ قسمتی می‌خواهد و آن شیوه های دعوت به نماز است در این دنیای پر غوغا که اینترنت است، ماهواره است، عکس است و فیلم است ما چگونه و با چه زبانی بچه‌هایمان را به یک نماز عاشقانه، خالصانه و آگاهانه دعوت کنیم.

حتماً در این سخنانی که ما بیان کردیم نقایصی وجود داشته عذر خواهی می‌کنیم از حضرت پروردگار و از شما و از همه التماس دعا داریم.